

# ژوندون

مجله هنری - شنبه ۲۳ سنبله  
۱۳۵۳ شماره ۲۶-۲۵

[Ketabton.com](http://Ketabton.com)



# رئیس دولت و صدر اعظم



بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم موقعیکه وزیر امور خارجه ایران را شام روز ۸ سنبله پذیرفتند و طعام شبانه با وی صرف کردند

## رئیس دولت و صدر اعظم توجه جامعه بین المللی را به وضع المناک مردم بلوچ جلب کرده اند

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم شب ۹ سنبله طعام شبانه با بناغلی عباس علی خلعتبری وزیر خارجه ایران در قصر ریاست جمهوری صرف نمودند این موضوع را ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد .  
در این دعوت بعضی اعضای کابینه شاورز دایر سفارت کبرای ایران در کابل وعده از همراهان وزیر خارجه ایران اشتراک داشتند .  
قرار يك خبر دیگر:  
بقه در صفحه ۵۵

## تجلیل روز تاسیس شورای ملی

بناغلی محمد داود از سران کشور ها و موسسات اسلامی خواهش کرده اند که قبل از خراب شدن مزید او ضاع اقدامی مناسب و موثر برای منصرف ساختن حکومت پاکستان از تعقیب سیاست ختن آن علیه برادران بلوچ ماورهم خوردن صلح و امنیت در این منطقه بعمل آورند .  
مدیریت اطلاعات وزارت خارجه افزو دکه بناغلی محمد داود پیام مشابهی عنوانی دو کتور کورت والدهایم منشی عمومی ملل متحد به نیویارک فرستاده و از وی خواهش کرده است پیام شانرا بحیث سند رسمی ملل متحد نشرو توزیع نماید .

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم طی پیامی که عنوانی سران کشور های اسلامی منشی عمومی کنفرانس اسلامی ، موتمن عالم اسلام و رابطه عالم اسلامی فرستاده اند بسیار جلب توجه ایشان به اوضاع قابل اندیشه بلوچستان و سیاست بیر همانه کشتار و امحاء دسته جمعی پاکستان در آن منطقه و مخصوصا التیماتوم اخیر ذو الفقار علی بوتو که اگر ازادیخواهان تا ۱۵ اکتوبر به حکومت تسلیم نشوند بمباردمان عمومی و وسیع دهات و خانه هایشان شروع خواهد شد توجه خاص جا معه بین المللی را به جنبه بشری وضع المناک مردم بلوچ جلب نموده اند .



اعلیحضرت شهید محمد نادر شاه غازی

روز دوشنبه ۱۸ سنبله مصادف با روز تاسیس شورای ملی بود و در سراسر کشور تعطیل عمومی بود .  
روزنامه های کشور فوتوی موسس نشر کردند .

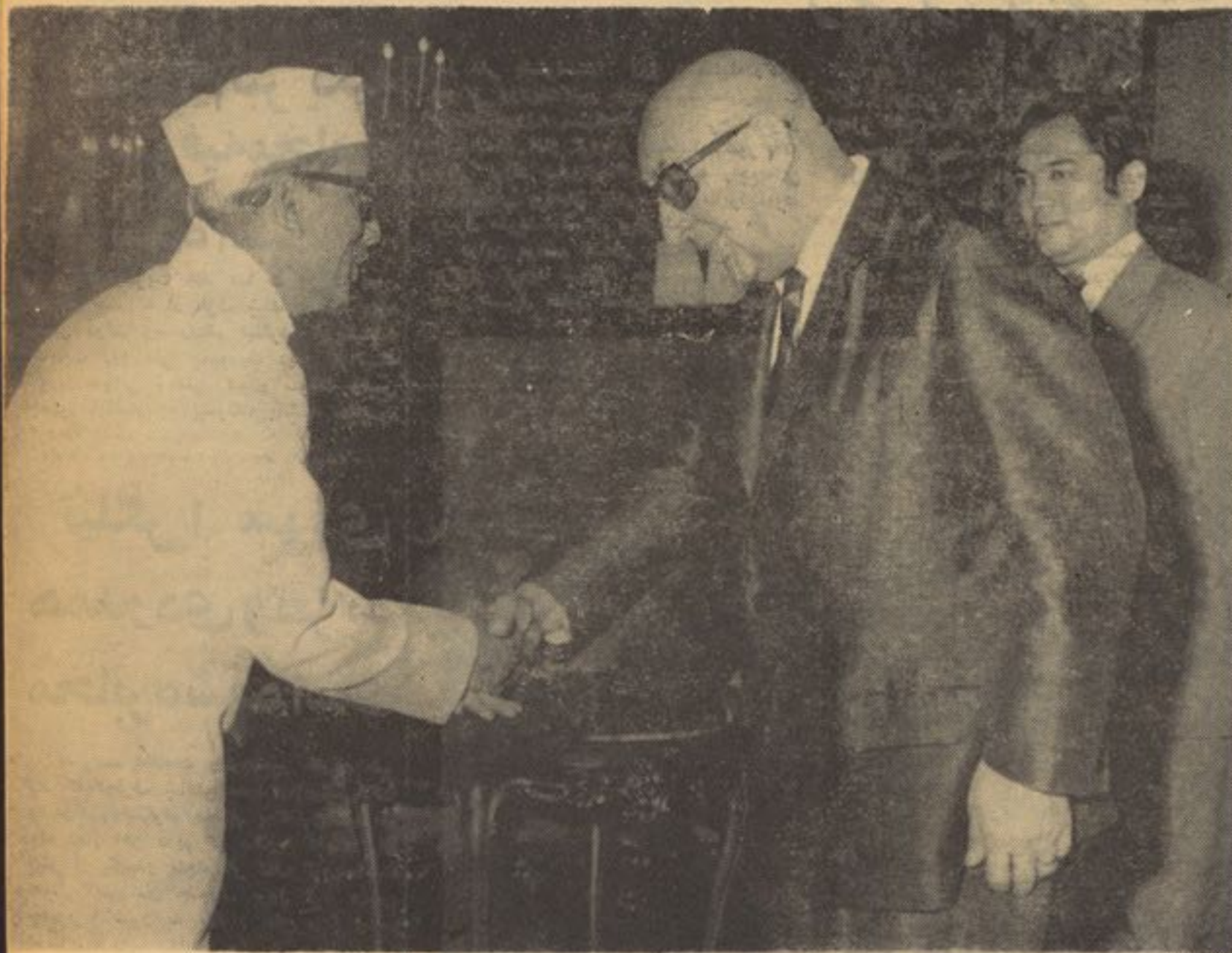
## رئیس دولت و صدر اعظم دکتور التهامی را پذیرفتند

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم ساعت نهم قبل از ظهر روز ۱۶ سنبله دکتور حسن التهامی سکرتر جنرال کنفرانس کشورهای اسلامی رادر قصر ریاست جمهوری پذیرفتند .  
ریاست دفتر دولت جمهوری اطلاع داد که

درین موقع بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه نیز حاضر بود .  
قرار يك خبر دیگر  
دکتور حسن التهامی سکرتر جنرال کنفرانس کشورهای اسلامی که روز ۱۵ سنبله بکابل آمده بود روز ۱۶ سنبله از کابل عزیمت کرد .



# رئیس دولت و صدر اعظم وزیر تجارت خارجی بنگله دیش را پذیرفتند



رهبر ملی میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم ساعت ۱۱ قبل از ظهر روز ۱۰ سنبله میناغلی خنده کار مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی جمهوری بنگله دیش را برای ملاقات در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

ریاست دفتر دولت جمهوری اطلاع داد که هنگام این ملاقات میناغلی محمدخان جلال وزیر تجارت، میناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه و میناغلی محمد اکبر رئیس دفتر ریاست جمهوری نیز حاضر بودند.

میناغلی مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی کشور بنگله دیش صبح روز ۱۰ سنبله با دوکتور نعمت الله یز واک وزیر معارف ملاقات تعارفی نمود.

همچنان موصوف بابوهاند عبدالقیوم وزیر معادن و صنایع ساعت دو نیم بعد از ظهر ملاقات نموده و روی موضوعات طرف علاقه مذاکره کرد.

هنگام این ملاقات ها ذوات معینی میناغلی مشتاق احمد و شازرد افیر سفارت گسرای بنگله دیش در کابل نیز حاضر بودند.

قرار یک خبر دیگر وزیر تجارت و تجارت خارجی بنگله دیش شب ۱۰ سنبله دعوتی در هتل کابل ترنپ داده بود که در آن ذکور عبدالمجید وزیر عدلیه پوهاند عبدالقیوم وزیر معادن و صنایع، میناغلی محمدخان جلال وزیر تجارت، میناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه و عده از مامورین عالی رتبه وزارت های خارجه، معادن و صنایع و تجارت اشتراک ورزیده بودند.

طبق یک خبر دیگر میناغلی مشتاق احمد روز ۱۰ سنبله با میناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه و میناغلی سلطان محمود غازی رئیس عمومی هوایی ملکی و تو ریزم نیز ملاقات تعارفی نمود.

زعیم ملی ما میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم هنگامی که میناغلی مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی کشور بنگله دیش را برای ملاقات در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند

## تلگرامهای تبریکیه مخابره شده است باقر ائت پیامر رئیس دولت و صدر اعظم روز مطبوعات و روز جهانی سواد تجلیل گردید



نو یسنده شیر و نختین خدمتگار  
وطن محمود طرزی

عناصر اساسی نظام زندگی ملی ما همانا چگونگی سطح حیات کتله های مختلف مردم ماست که باید ضرور و متدرجا بهسپود و انکشاف پذیرد.  
در زمره عوامل متشکله سطح حیات مردم همانا سواد و مطبوعات واقعا دو جزو موثر است که بدل مساعی این گبر و دامنه داری را التزام میکند و باز خود این دو عامل نیز در عین حال لازم و ملزوم یکدیگرند تصمیم سواد شرط ضروری انکشاف مطبوعات است و از انکشاف سطح حیات مردم ضمانت میکند.  
دولت جمهوری بر آنست که هما هنگ و همردیف سایر مساعی که تاکنون در جهت انکشاف سطح حیات مردم بعمل آمده و یا در آینده رویدست گرفته میشود علیه یسوا دی نیز در وجه مبارزه بعمل آید. باین معنی که از یکطرف تعداد مشمولین مکاتب ابتدائیه و دهاتی چندانکه مقدور است افزایش پذیرد و از سوی هم در جهت تعمیم سواد بین کتله بقیه در صله ۶۱

روز ۱۷ سنبله مصادف با روز مطبوعات و سواد بوده و در سراسر افغانستان از این روز تجلیل بعمل آمد.  
رهبر ملی ما میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم باین مناسبت پیامی صادر فرموده اند که توسط دوکتور نعمت الله یز واک وزیر معارف قرائت گردید.  
متن پیام میناغلی رئیس دولت و صدر اعظم. هموطنان عزیز:  
مسرت دارم روز مطبوعات و روز سواد را موقعی تجلیل مینمایم که هنوز خوشی های استقبال نخستین سالگرد تاسیس نظام جمهوری افغانستان را در قلوب خود احساس میکنم. ملتیکه سالروز تاسیس نظام مردمی خود را بان عشق و حرارت بر گزار و استقبال نمود امیدوارم در پر تو اعتماد به نفس و به نیروی تصمیم و همنوایی و شکیبایی بتواند هیچ فکر، مرض و بیخبری را هم مر حله به مرحله از اجتماع خود دور افکند. یکی از

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تلگرام تبریکیه به مناسبت روز ملی میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تلگرام تبریکیه به مناسبت روز آزادی کشور قطر عنوانی والا حضرت خلیفه بن حماد الثانی به الدوله مخابره گردیده است.  
مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تلگرام تبریکیه به مناسبت روز آزادی کشور قطر عنوانی والا حضرت خلیفه بن حماد الثانی به الدوله مخابره گردیده است.  
مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف میناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تلگرام تبریکیه به مناسبت روز آزادی کشور قطر عنوانی والا حضرت خلیفه بن حماد الثانی به الدوله مخابره گردیده است.  
شماره ۲۶ و ۲۵



# روز ملی پشتو نستان در هرگز و ولایات کشور بر گزار شد

## تیلگرام تبریکه به صوفیه مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه گفت که از طرف یناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم تیلگرام تبریکه به مناسبت روز ملی جمهوریت دیمو گراتیک کوریا عنوانی یناغلی کیمال سونگ رئیس جمهور آنکشور به پیونگ یانگ مخابره گردیده است.

## تیلگرام های همدردی و تعزیت مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف یناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم تیلگرام تعزیت و همدردی به مناسبت انحراف یک قطار آهن در یوگو سلاویا که در اثر آن بیش از یکصد پنجاه نفر تلف گردیده است عنوانی سارنالش جوزف بروز تیتو رئیس جمهور آنکشور به بلگراد مخابره گردیده است.

همچنان از طرف یناغلی رئیس دولت و صدراعظم تیلگرام تعزیت و همدردی به مناسبت وفات یناغلی نارمن کولا صدراعظم زبلاند جدید عنوانی یناغلی سردینس بلندل گورنر جنرال آنکشور به ویلنگتن مخابره شده است.

«بلسنهارته» توسط یناغلی کرزی مدیر تبلیغات وزارت امور سرحدات قرائت گردید. سپس یناغلی سرشار روشنی معاون مسؤل روزنامه جمهوریت شعر در یکه پیرامون روز پشتو نستان سروده است قرائت کرد که با کف زدنهای حضار بدرقه گردید.

بعدا ترانه ثبت شده خان عبدالغنی خان بنام «ای زماوطنه» بهمکاری رادیو افغانستان شوانده شد و شاعران لیسنه های رحمن بابا و بقیه در صفحه ۵۵

کمیته مرکزی هیات کابینه لوی درستی زوالی کابل مامورین عالیرتبه عسکری و ملکی یناغلی اجمل ختک یناغلی خان محمد ایوب خان اجکزی وعده دیگر از مشران و پشتونستانی های مقیم کابل متعلمین لیسنه های خوشحالخان و رحمن بابا وجهیت کثیری از سربازان کابل حضور داشتند خبرنگار باختر مینوسد پس از آنکه بیرق ملی پشتونستان در بین ابراز احساسات و کف زدنهای ممتد حضار در اهتزاز آمد پارچه شعر پشتو از یناغلی اجمل ختک تحت عنوان

روز ملی پشتونستان روز ۹ سنبله در کابل و مراکز ولایات کشور طی مراسم شاننداری ساعت هشت صبح روز ۹ سنبله با قرات آیاتی چند از قرآن عظیم الشان آغاز گردیده و متعاقبا دکتور غلام سخی نوزاد بناروال کابل بیانیه راجع به این روز تاریخی برادران پشتونستانی ما ایرا نموده و بیرق ملی پشتونستان برافراشته شد.

در این مراسم که در پشتونستان میدان بر گزار گردید یناغلی محمد نعیم دکتور محمد حسن شسرق معاون صدارت عظمی، اعضای



دکتور غلام سخی نوزاد بناروال کابل حیثیکه به مناسبت روز ملی پشتو نستان بیانیه خود را در پشتو نستان وات ایراد مینماید در عکس یناغلی محمد نعیم و دکتور محمد حسن شسرق معاون صدارت عظمی، بعضی از اعضای کابینه و یناغلی اجمل ختک دیده میشوند.

# عربستان سعودی ده میلیون دالر کمک بلاعوض و ۵۵ ملیون دالر قرضه بدون ربح به افغانستان میدهد

بروزه های اقتصادی استفاده بعمل خواهد آمد.

پراخت اساط این قرضه در سال سوم بهره بر داری پروژه ها شروع میشود.

وی در اخیر گفت بانک اسلامی بکشورهای اسلامی قرضه مید هد و بانک عربستان سعودی کشور های رویه انکشاف را مساعد مینماید.

اسلامی و بانک عربستان سعودی قرضه های مزیدی برای ساختمان پروژه ها بدست آورد.

وی افزود از پنجاه و پنج ملیون دالری که حکومت عربستان سعودی قرضه بدون ربح مید هد شرایط آن مساعد بوده و در تکمیل

سعودی به دولت جمهوری افغانستان کمک بلا عوش میدهد در تکمیل مطالعات تخنیکي پروژه های اقتصادی استفاده خواهد شد.

وی علاوه کرد مطالعات پروژه ها زمينه آنرا میسر خواهد ساخت تا افغانستان از بانک

عربستان سعودی ده ملیون دالر کمک ربح با افغانستان میدهد.

پروتو کول این کمکها بتاريخ سیزدهم سنبله بین یناغلی علی احمد خرم و وزیر پلان و یناغلی هشام ناظر وزیر دوتور رئیس اداره مرکزی پلان گذاری عربستان سعودی در ریاض با امضاء رسیده است.

## قرارداد قرضه و مساعدت بلاعوض عراق به افغانستان

افغانستان قرضه میدهد.

همچنان مطابق باین قرار داد حکومت عراق مبلغ دو ملیون دالر به حکومت افغانستان مساعدت بلاعوض مینماید.

هنگام امضاء قرار داد استاد خلیل الله خلیلی سفیر کبیر افغانی در بغداد و بعضی از مامورین عالیرتبه عراق حاضر بودند.

نتیجه مذاکراتی که یناغلی علی احمد خرم وزیر پلان با وزیر پلان و سایر مقامات عالیرتبه عراقی بعمل آورده روز ۱۲ سنبله قرار داد بین وزرای پلان افغانستان و عراق با امضاء رسید که مطابق بان حکومت عراق ده ملیون دالر رابه شرایط بسیار مساعد به حکومت

به امضای رسید.

یناغلی علی احمد خرم وزیر پلان روز ۱۲ سنبله قرار داد مربوط به قرضه و مساعدت بلاعوض عراق رابه اسفا نستان امضاء کردند.

طوریکه از بغداد اطلاع رسیده است در

یناغلی خرم وزیر پلان که در داس یک عبات چندی قبل بدعوت کشور های عراق و عربستان سعودی به بغداد ریاض رفته بود روز ۱۸ سنبله بکابل مراجعت کرد.

وزیر پلان از پذیرایی و مهمان نوازی گرم حکومت عراق و عربستان سعودی ابراز تشکر و قدر دانی نمود.

وی به خبرنگار باختر گفت از ده ملیون دالریکه کشور برادر و دوست عربستان



# روز طفل تجلیل گردید



منظره از تجلیل روز بین المللی طفل در تالار موسسه صحت عامه

استعداد های او از طرف نویسندگان و شعرا مطالبی ابراد گردیده و در ختم محافل به اطفالیکه از پرورش سالم بهر مند بودند تحایفی اهدا گردید در این محافل والیان مامورین و اهالی اشتراک داشتند .

روزنامه های مرکز و ولایات هم طی مقالات عکسها و اشعار در باره اطفال از این روز تجلیل نمودند همچنان رادیو افغانستان به مناسبت روز طفل پروگرام خاصی ترتیب داده بود .

نیز حاضر بود عده ای از اطفال و وکوتنهارامورد نوازش قراردادده تحایفی را که از طرف ریاست روزتون تهیه شده بود به آنها اهدا کرد .

خبرنگار با خسر آزانی از ولایات اطلاع میدهند که روز طفلی محافل در مراکز بعضی ولایات کشور تجلیل گردید .

در محافل ولایات پس از آنکه سرود ملی نواخته شد راجع به طفل تریبه و صورت انکشاف

دوایر وعده از اعضای کوردیپلوماتیک مقیم کابل وعده زیادی از همسپریان اشتراک نموده بودند .

پس از آنکه اطفال و وکوتنهارا در این محفل سمبول طفل را پرافراشتند به اجرای آتملی و دیگر نمایشات پرداخته و از این روز تجلیل بعمل آمد .

در ختم محفل محترمه خانم رئیس دولت و صدراعظم در حالیکه پوهاند نظر محمد سکندر وزیر صحت

پس از تلاوت چند آیه از قرآن کریم و نواختن سرود ملی مراسم روز طفل ساعت ۶ صبح روز ۸ سنبله در ادیتوریم موسسه صحت عامه برگزار شد .

در این محفل که تا ساعت دوازده و نیم ادامه داشت میرمن زینب داؤد خانم رئیس دولت و صدراعظم و دکتور محمد حسن شرق معاون صدارت بعضی از اعضای کابینه ، والی کابل روسای

## یک فابریکه جدید نختابی به مصرف ۲۵ میلیون افغانی افتتاح گردید

فابریکه نساجی که در کشور بشکل خصوصي سرمایه گذاری واحداث شده است فابریکه نختابی نیز در تقویه نساجی و مخصوصا در حیات انکشاف اقتصادی کشور نقش مهم دارد .

یک فابریکه جدید نختابی به مصرف چهل و پنج میلیون افغانی در جوار فابریکه کسا جی سید مرتضی ساعت پنج روز ۱۶ سنبله افتتاح گردید .

در مراسم افتتاح این فابریکه پوهانده دکتور نظر محمد سکندر و زیر صحت عامه از مامورین عالیرتبه وزارت ها و موسسات صنعتی و مستشار اقتصادی سفارت کبر ای اتحاد شوروی حاضر بودند .

بنیالغی سید مرتضی رئیس فابریکه گفت فابریکه نختابی که از دولت دوست اتحاد چهارم شوروی به قسط پنج سال خر یداری شده است تولیدات آن در بیست و چار ساعت دونیم تن نخ بوده و سه صد نفر کارگرو مامور در سه شفت در این فابریکه مشغول کار میباشد .

بنیالغی محمد یونس رفیق رئیس تشویق و انکشاف سرمایه گذاری وزارت پلان ضمن تشریح فعالیت های سرمایه گذاری خصوصی در کشور گفت که در پهلوی بیست

## امسال پنج هزار نفر به مکه معظمه خواهند رفت

برای طبقه نسوان اختصاص داده شده است . اداره عالی اوقاف گفت انعامه از هووطنان مکه عزم حج خانه کعبه را دارند از همین اکنون میتوانند در خواستهای شانرا نهرایج مربوط در ولایات شان ارائه نمایند .

سهمیه فضایی وزمین هر ولایت بادر نظر داشت نفوس آن ارسال شده است .

امسال پنج هزار نفر از طریق فضا وزمین برای زیارت بیت الله شریف به مکه معظمه خواهند رفت .

یک منبع اداره عالی اوقاف وزارت عد لیه که منجمله این سهمیه سه هزار نفر از طریق فضا و دو هزار نفر از طریق زمین به زیارت کعبه الله معلی مشرف خواهند شد .

منبع اضافه نمود در این سهمیه ۲۰ فیصد

## ملاقات با وزیر اطلاعات و کلتور

کلتور ملاقات تودیمی نمود . همچنان ساعت ده قبل از ظهر بنیالغی مک نیکل امر جدید انستیتوت برتانی با وزیر اطلاعات ملاقات تعارفی کرد .

قرار یک خبر دیگر بنیالغی کاواساوسی مستشار سفارت کبرای جاپان در کابل ساعت دهنیم با پوهانده دکتور نوین ملاقات نمود و طی آن پیرامون قرار داد کلتوری بین افغانستان و جاپان و همچنان همکاری کشور های جاپان در ساحه حفریات و ترمیم ابدات مذاکره نمود .

خبر بعدی حاکیست که بنیالغی کیمون بول شارژد افیر سفارت کبرای جمهوری دیموکراتیک کوریا ساعت یازده قبل از ظهر با وزیر اطلاعات و کلتور ملاقات تعارفی بعمل آورد .

هیات دانشمندان جامعه تاریخ و باستان شناسی بغداد ساعت ۱۰ قبل از ظهر روز ۲۰ سنبله با پوهانده دکتور نوین و زیر اطلاعات و کلتور ملاقات نمود .

یک منبع آن وزارت گفت طی این ملاقات وزیر اطلاعات و کلتور و هیات دانشمندان جامعه بغداد درباره انکشاف علایق کلتوری بین افغانستان و عراق و همچنان توسعه مطالعات تاریخی مذاکره و تبادل نظر نمودند .

بنیالغی کی ال مهتا سفیر کبر هندی کابل که دوره ماموریتش در افغانستان پایان رسیده است ساعت نهنیم قبل از ظهر روز ۱۶ سنبله با پوهانده دکتور نوین وزیر اطلاعات

## کمکهای بلاعوض تخنیکي اتحاد شوروی در ساحه هوا شناسی توسعه مییابد

هوايي بين المللي کابل، تاسيس د ستگاه بررسی هوا شناسی ، توسعه و رکشاپ تخنیکي و تنظیم بهتر شبکه مخابره هوا شناسی قبول کرده است و هم وعده داده که وسایل مخابره مراکز پرودکاست هوا شناسی کابل کندهار ، هرات و کندز را از طریق موسسه بین المللی هوا شناسی با افغانستان کمک کند .

این پروتوکول را از طرف افغانستان معاون ریاست هوايي ملکی و از جانب اتحاد شوروی بنیالغی توستن کوف معاون ریاست اید و متر و لوزی اتحاد شوروی اعضا کرده اند

پروتوکول کمک های بلاعوض تخنیکي اتحاد شوروی در ساحه هوا شناسی افغانستان روز ۱۲ سنبله در مسکو با امضاء رسید .

دکتور عبدالخالق معاون ریاست هوايي ملکی که در راس یک هیات برای مذاکره و امضاء این پروتوکول به اتحاد شوروی رفته بود صبح دیروز بکابل بازگشت .

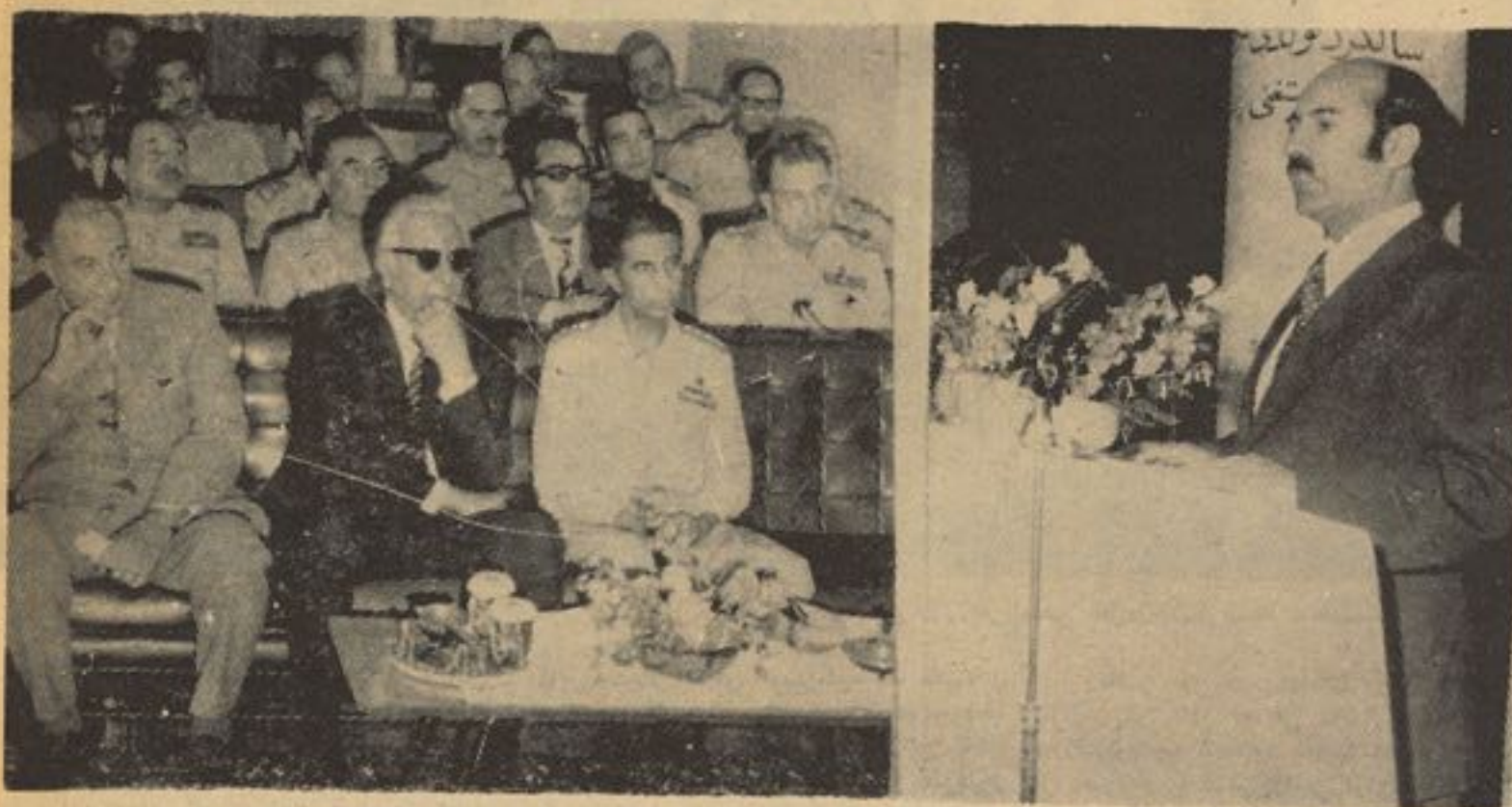
وی حین مواصت بمیدان هوايي بین المللی کابل گفت که بر اساس این پروتوکول کمک های تخنیکي اتحاد شوروی که روی موافقه ۱۹۶۲ در ساحه هوا شناسی جریان دارد برای چهار سال دیگر تمدید گردیده است .

همچنان اتحاد شوروی توسعه همکاری را برای تنظیم بهتر مرکز هوا شناسی میدان



# صدمین سال تولد شاعر نامور وطن

## مرحوم عبدالعلی مستغنی تجلیل شد



رئیس تدریسات ابتدایی وزارت معارف در محفل صدمین سالگرد تولد مستغنی پیرامون زندگی آن شاعر شہیر صحبت میکند.

### دکتور عبدالمجید از جریان محاکمه تمثیلی مرکز ستاز قضایی دیدن کرد

دکتور عبدالمجید وزیر عدلیه و لسوی خارتوال روز ۱۱ سنبله از جریان محاکمه تمثیلی مرکز ستاز قضایی اداره تدقیق و مطالعات قضایی دیدن نمود.

هنگام بررسی از طرف محاکمه تمثیلی بوهندوی غلام علی کریمی امر عمومی اداری قضا و سایر اعضای شورای عالی قضا حضور داشتند.

وزیر عدلیه در ختم جلسه تمثیلی از حسن اجراء و طرف رسیدگی ستازان قضایی اظهار خرسندی کرد.

### سفیر کبیر بلغاریا با وزیر معارف ملاقات نمود

بنیادغلی کرتزانوف سفیر کبیر بلغاریا در کابل ساعت ۱۰ صبح روز ۱۱ سنبله با دکتور نعمت الله پژواک وزیر معارف ملاقات نمود.

یک منبع آن وزارت گفت که طی این ملاقات در حالیکه بوهندوال دکتور فقیر محمد زمری رئیس پوهنغی و تفریری نیز حاضر بود راجع به همکاری بلغاریا با پوهنغی مذکور مذاکره بعمل آمد.

### بنیادغلی عبدالرحمن پژواکی عازم ساهوریتش گردید

بنیادغلی عبدالرحمن پژواک سفیر کبیر دولت جمهوری افغانستان در دهلی که چندی قبل برای مشوره بکابل آمده بود روز ۱۶ سنبله عازم ساهوریتش گردید.

### بنیادغلی زلمی محمود غازی عازم تهران گردید

بنیادغلی زلمی محمود غازی سفیر کبیر دولت جمهوری افغانستان در تهران که چندی قبل بکابل آمده بود روز ۱۱ سنبله عازم ماموریتش گردید.

## تسهیلات بیشتری در امور ترانزیتی بین افغانستان و ایران بوودمی آید

مذکور درجمل ونقل ترانزیتی خاک یکدیگر را عبور نموده و از تسهیلات و مزایای معاهده مذکور استفاده نمایند.

این موافقتنامه را از جانب افغانستان بنیادغلی محمد فریدرفیق رئیس انکشاف صادرات و از جانب ایران بنیادغلی ابراهیم داوری مدیر عمومی تجارت داخلی وزارت اقتصاد ایران امضا نمود.

هنگام امضای موافقتنامه بعضی از مامورین مربوط وزارت های خارجه، مالیه و تجارت و بنیادغلی مهندس کریم اتابکی معاون تجارتي راه آهن و بنیادغلی مسعود مجلسی عضو همکار عمومی ایران نیز اشتراک داشتند.

قراریک خریدیکر هیات ایرانی صبح روز ۱۵ سنبله عازم کشورش گردید.

بنیادغلی محمد فرید رفیق رئیس انکشاف صادرات و بنیادغلی عبدالقیوم عباسی مدیر عمومی ترانزیت وزارت تجارت در میدان هوایی بین المللی با هیات وداع کرد.

موافقتنامه ترانزیتی بین دولت جمهوری افغانستان و دولت شاهنشاهی ایران ۱۴ سنبله در وزارت تجارت به امضا رسید.

یک منبع وزارت تجارت گفت در این موافقتنامه که جاگزین موافقتنامه قبلی میباشد تسهیلات بیشتری در امور وسایط نقلیه و حمل و نقل اجناس و مال التجاره ترانزیتی برای هر دو کشور فراهم گردیده است.

علاوآ در گزایه اموال ترانزیتی افغانی که توسط خط آهن از طریق ایران انتقال می یابد تخفیف قابل ملاحظه بعمل آمده است.

منبع افزود در موافقتنامه جدید راه های ترانزیتی بیشتری نسبت به گذشته باالخصوص در خطوط راه آهن کشور ایران بین هر دو جانب در نظر گرفته شده است.

منبع علاوه نمود در این موافقتنامه به اساس مشاقق بین المللی که هر دو مملکت عضو آن اند وسایل نقلیه جانبین میتواند طبق شرایط

صدمین سال تولد شاعر نامور افغان مرحوم عبدالعلی مستغنی قبل از ظهر روز ۱۴ سنبله در مکتبی که به اسم آن مرحوم مسمی گردیده است از طرف وزارت معارف تجلیل شد.

در این مراسم که تا ساعت دوازده ظهر دوام نمود دکتر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی در ستیز عده از جنرال ها و صاحب منصبان عالی رتبه اردوی جمهوری، اراکین و روسای وزارت معارف، شعرا نویسندگان و عده کثیری از علاقمندان آن مرحوم اشتراک نموده بودند.

محفل با تلاوت چند آیه از قرآن مجید و نواختن سرود ملی جمهوری آغاز شده بعد از آنکه سوانح آن مرحوم فرانت گردید عده از شعرا و نویسندگان پیرامون شخصیت علمی و ادبی مرحوم

مستغنی شاعر و ادیب توانای کشور بیاناتی ایراد نموده از خدمات ارزنده آن شاعر گرانمایه و استاد سخن که به صفت استاد و مربی عمری رادر خدمت معارف کشور سپری نموده به قدر دانی یاد نمود.

مرحوم مستغنی در سال ۱۲۹۳ هـ ق در بالاحصار کابل تولد شده و به سن شصت سالگی وفات نمود.

در جریان این محفل مجله فوق العاده عرفان و کتابی تحت عنوان گزیده اشعار استاد سخن مرحوم مستغنی که به مناسبت تجلیل از صدمین سال تولد وی از طرف وزارت معارف طبع شده به حاضرین توزیع شد.

## ۱۴۸۰ جریب زمین دیگر به خانواده های بی زمین

### توزیع گردید

یکصد و سی و یک خانواده موقعیکه زمین های شان را تسلیم شدند از اقدام دولت انقلابی مبنی بر توزیع زمینهای برای خانواده های مستحق ابراز خرسندی نموده و آرزوی سعادت کشور را نمودند.

دوم بوده و از نگاه انجیری آماده بهره برداری میباشد. منبع اضافه کرد این زمین هادر ولسوالی های نادر و گرمسیر موقعیت داشته و از کانال عمومی پروژه آبیاری میگردند. نامه تکار باختر از تکرگاه اطلاع داد که

باساس مبنی دولت جمهوری یک هزار و چهارصد و هشتاد و پنج جریب زمین دیگر روز ۱۴ سنبله در پروژه وادی هلمند به خانواده های بی زمین توزیع گردید. یک منبع ریاست وادی هلمند روز ۱۴ سنبله گفت زمین های توزیع شده از نوع درجه اول



# سفارت کبرای جمهوری مردم بلغاریا روز ملی آنکشور را تجلیل کرد

سفارت کبرای جمهوری مردم بلغاریا در کابل شام روز ۱۹ سنبله دعوتی بمناسبت روز ملی کشورش که مصادف با روز ۱۸ سنبله بود در هتل انتر کانتیننتال ترتیب داده بود\*  
درین دعوت بعضی از اعضای کابینه دکتر جنرال عبدالکریم مستغنی، عده ای از مامورین عالی رتبه عسکری و ملکی و کوردیپلوما تیک مقیم کابل اشتراک ورزیده بودند.



دکتر عبدالمجید وزیر عدلیه حینیکه روز ملی بلغاریا را به سفیر کبرای آنکشور تبریک میگوید.

# سفارت کبرای جمهوری مردم کوریا روز ملی آنکشور را تجلیل نمود



بنیاد علی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه حینیکه روز ملی جمهوری مردم کوریا را به شازده دافیسرا آنکشور تبریک میگوید.

سفارت کبرای جمهوری مردم کوریا در کابل روز ملی کشورش را عصر ۱۷ سنبله ضمن محفلی در هتل انتر کانتیننتال تجلیل نمود\*  
در دعوتی که به این مناسبت از طرف بنیاد علی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه و عده ای از مامورین عالی رتبه عسکری و ملکی و کوردیپلوما تیک مقیم کابل شرکت داشتند.

# بنیاد علی مشتاق احمد از شاهراه سالنگ دیدن کرد

بنیاد علی مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی کشور بنگله دیش و همراهانش روز ۸ سنبله از شاهراه سالنگ دیدن نمود و نشان جانست را در خنجان صرف کردند.\*

قرارداد یک خرید دیگر بنیاد علی مشتاق احمد و همراهانش شب ۱۰ سنبله در دعوتی اشتراک کرد که از طرف دکتر محمد اکبر عمر رئیس عمومی اتاق های تجارت در استورن باغ بالاتر ترتیب یافته بود بنیاد علی خنده کار مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی کشور بنگله دیش و زوات

معینی اش که بدعوت وزارت تجارت بکا پل آمده بودند قبل از ظهر روز ۱۱ سنبله عازم داکه گردیدند\*  
بنیاد علی محمد خان جلالی وزیر تجارت نماینده وزارت امور خارجه و شازده دافیسر سفارت کبرای بنگله دیش در کابل برای وداع در میدان هوایی کابل حاضر بودند\*  
بنیاد علی مشتاق احمد طی اقامت در کابل درباره توسعه تجارت بین افغانستان و بنگله دیش با مقامات مربوط افغانی مذاکراتی انجام داده است\*

مالکان موثر های بی محصول میتوانند

# محصول گمر کی را تا ۲۱ میزان امسال بدون جریمه تحویل نمایند

به اساس پیشنهاد وزارت مالیه تصویب مجلس عالی وزراء و منظور بنیاد علی رئیس دولت و صدر اعظم مالکین عراده جاتی که دارای اسناد گمر کی هستند میتوانند عراده جات خویش را بدون هیچ نوع جریمه تا ۲۱ میزان امسال محصول نمایند\*  
بنامتدیع وزارت مالیه گمر کی در صورتیکه بعد از سیری شدن معیاد متذکره چنین عراده جات دیده شد طبق قانون مصادر و ضبط میشود\*  
همچنان عراده هایی که بدون اسناد گمر کی در مملکت توریید شود طبق قانون گمر کی ضبط میگردد\*

# به مناسبت روز نظامی ترکیه دعوتی ترتیب یافته بود



دکتر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیروز نظامی ترکیه را به آتش نظامی آنکشور تبریک میگوید.

به مناسبت روز نظامی جمهوری ترکیه اطلاعات و کلتور، دکتر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیروز ۸ سنبله از طرف آتش نظامی سفارت کبرای آنکشور در کابل ترتیب یافته بود\*  
در این دعوت پوهاند دکتر نوین و زیر



# ژوندون

شنبه ۲۳ سنبله مطابق ۲۷ شعبان المعظم برابر ۱۴ سپتمبر ۱۹۷۴

## روز مطبوعات و سواد

روز هفدهم سنبله که بحیث روز بین‌المللی سواد شناخته شده است در افغانستان مصادف با روز مطبوعات بود. این روز در سراسر کشور با نشر مطالبی مبنی بر اهمیت مطبوعات و سواد در رشد و تکامل اجتماع تجلیل گردید.

مطبوعات بحیث رکن چهارم در ارگانهای اساسی دولت و وظیفه خطیری در راه پرورش استعدادها و افکار مردم بنوش دارد، ازینرواگر مطبوعات در راه بر آورده شدن اهداف ملی و اساسی یک ملت بکار انداخته شود بدون شک رول مهمی در امحاء بیسوادی میان افراد آن ایفا نموده و در ارتقاء و رشد سواد کمک بسزائی مینماید چه، مطبوعات در جوامع روبه انکشاف گذشته ازینکه وظیفه اطلاعاتی را انجام میدهد در راه تنویر افکار عامه نیز خدمت مینماید.

در نظام جمهوری رسالت تاریخی مطبوعات مسهم و ارزنده است. در چنین فرصتی که مادر آغاز یک انقلاب اجتماعی قرار داریم و وظیفه مطبوعات کشور ما بیشتر از هر وقت وزمانی حساس و پر اهمیت گردیده است. مطبوعات امروز ما باید مثل اهداف عالی جمهوریت باشد.

رهبر انقلاب ما در یکی از بیانات شان به اهمیت مطبوعات و سواد اشاره نموده می فرمایند: « دولت جمهوری برای امحاء بیسوادی عمومی و ایجاد تحول فرهنگی در مملکت، بر اساس فرهنگ ملی و مترقی مبارزه خواهد نمود و نسل جوان را با تقوی، روحیه و وطنپرستی و خدمت ب مردم پرورش خواهد داد.»

بقیه در صفحه ۵۵

## دسنبلی ۱۸ دملی شورا دتاسیس تاریخی ورخ

زمونږ د هیواد تاریخی کرونده چه دیوی خوا د خپل لرغونی تاریخ ویاړنی پکی دولسی ژوند زینت او نیک الهام بښونکی در نښت دی د بلی خوا دملی، علمی او ولسی احساس او فکر په وړاندی زمونږ که ژوندون شریکو هغو او اصلاحی او مشورتی ارزښتونو چه په کوم معقول او منلی اساس او پریکړی د عا کړیده دهغو یا د تازه اود تاریخی نقش په حیث په درناوی سره نهانخل کیری.

مونږ چه دملی کروندی تاریخی پس منظر ته گورو وینو چه زمونږ د تاریخ لمن په ډیرو ویاړنو او خاطراتو ډکه ده اودغه منلی ارزښتونه چه دولس ټولنی او گډ ژوندون افتخار دی په دغه لاره کی کومی کړی جاری او کړی لاری چه دجر گوله خوا او په مشورتی اساسوتو فیصله شوی دی او اولس دجر گو په فیصله امین ویلی دی په دغه حقیقت لرغونی تاریخ شاهد دی چه دافغانستان دملی او ولسی جرگو د افتخاراتو ډک تاریخ لری چه ملی وثیقه کی منلی شوی ارزښتونه په درنښت سره ثبت اود تاریخ بابونه دی چه ددغو لویو کړنلارو او پښتو نسو پاتی په ۵۵ مخ کی

صفحه ۸

# مطالب عمده پر شتمنانه



بیرق جمهوری افغانستان در بلند ترین قله کوه هندوکش بر افراشته شد  
مصاحبه با کوهنوردان چکو سلواکی



میزمور ژوندون در باره پلان ۲۰ ساله شهر کابل



ملکه زیبای از سرزمین ...



یک جنایت بزرگ و ...





قسمت دوم

ع : عبا

# ارزشهای جهانی اسلام

از ذخایر زمین و از موهب های خلقت برای آبادانی جهان و برای بسبب بود اوضاع حیات- تمپه و آماده سازد و نتایج کار و فعالتش را چنان بطور عملی و ساده مینماید که اگر کار کرد نم می برد و اگر عاطل و بیکار ماند بیچاره میشود و نیاز می کشد و عکذا اگر کار بیشتر انجام نمود حاصل بیشتر و اگر اندک و کمتر بکار پرداخت نتیجه اش نیز نا چیز و کوچک خواهد بود .

قرآن کریم در یباره اینگونه صراحت نمود که (لیس الا نسان الا ماسعی) یعنی آنچه از آن انسان و مال اوست که محصول و نتیجه عمل و زاده مساعی و فعالیت وی باشد .

اسلام با این ارشاد موجز و لسی عمیق و بر حکمت خود انسان را با فلسفه و مفاهیم واقعی و حقیقی حیات

و زندگی آشنا ساخت و برایش گوشزد نمود که کار و فعالیت و جدیت و امر موفف ساخت که باوی عقد مواخات نماید و این مواخات البته دلالت به موفف عالی و فضل بی شمار حضرت سبل (رض) می نماید . همچنین حضرت رسول اکرم (ص) از ناحیه دیگری میان وی و عبدالله بن مسعود پیمان برادری را بست و این پیمان برادری که با عبدالله بن مسعود یعنی ششمین فردیکه داخل اسلام گردیده بهر دو هجرت اشتراک نموده است و همچنان کسیکه مقابل ابو جبل درغزوه احد قیام کرده و در بیعت مبارک رضوان شرکت ورزیده و رسول خدا علیه السلام بدخول جنت بشارت داده دلیل بر عظمت شخصیت سبل بن حنیف (رض) میکند .

گرچه این صحابه مجاهد در تصامی غزوات اشتراک ورزیده ولی شطارت و مهارت آن در جنگ احد بیشتر بنظر رسیده و از رسول خدا (ص) حفاظت می کرد و پیغمبر اسلام درین جنگ گفتند که وسائل بهتر را برای سبل میسازید زیرا نژاد و جهاد سبل است . چه وی در تیراندازی مهارت تام داشته تمامی تیرهایش به هدف میرسید و قلب دشمن را می شکافت .

بقیه در صفحه ۵۸

انسان در روی زمین موجود نمسی بود .

پس اسلام با قبول این احیاء برای انسان بواقعیات خلافت او تحقق می بخشید و در حقیقت اسلام با اینکه و با این وصیت نگاهش یک امیدواری کامل و یک روحیه اتکا بخود را در وجود انسان خلق میکند و زمینه کار و فعالیت را در روی زمین برایش فراهم و مهیا میسازد و بوی مسی فهماند که او است که هر چه بخواید

مورد ضرورت انسان ها ، نان و آبی آماده و مهیا از آسمان فروایزد و یا آلات ابزاری بصورت بختسه تمپه شده ، در دست اولاد آدم بگذارد زیرا در اینصورت نه تنها برای انسان چیزی قابل اجرا و انجام باقی نمی ماند بلکه انسان جز یک پیکرو هیكل عاطل و غیر قابل توقع چه چیزی متیوا نیست باشد و مهمتر از همه ، اگر موضوع چنان می بود ، دیگر مفهوم و موردی از آن خلافت

همچنان زمانی که انسان در طریق فراهم سازی اسباب زندگانی بهتر ب فکر می افتد تا کشتی و سفینه ای بسازد دو نیاز مندی مهم و اساسی جلو نگاهش قرار میگیرد که یکی عبارت از موجودیت مواد مورد ضرورت معدنی از قبیل فلزات و غیره و دیگری عبارت از موجود بودن اقیانوس ها و دریا ها برای کشتی رانی میباشد ولی پس از آنکه درمی یابد که اقیانوس های عمیق قبلا آفریده شده و مواد معدنی نیز همه بصورت طبیعی اش و بحالت خام و اولی در دل کاینات جا داده شده است .

در بحال یک کار و یک وظیفه بدوش او باقی میماند و آن اینکه از این مواد خام موجود و سایل طرف ضرورت را سازد و تمپه نماید .

درین مرحله وظیفه انسان پیش از هر وقت دیگر کسب و خامت و سنگینی میکند زیرا این مرحله ، دیگر مرحله سازندگی بصورت عملی و تطبیقی و مرحله ای است که او با درایت کامل انسانی اش است که او با درایت کامل انسانی و بشری اش و سایل را فراهم نماید و هر یک را بموقع و بجایش قرار بدهد بطوریکه جوابگوی نیاز مندی های عمده و حیاتی افراد بشر در روی زمین باشد .

اسلام همه و سایل و اسباب زندگی را در مسیر حیات بصورت و حالت طبیعی اش قرار میدهد و آن را در اختیار انسان میگذارد تا در پیرامون آن نیروی دماغی و فکری خود را دقیقانه بکار اندازد و آن را طوریکه تأثیری در زندگی انسان ها ایجاد نماید مهیا سازد بعباره ساده تر اسلام نخواسته که بعنوان رزق و روزی و بنام فراهم سازی اسباب

## شخصیت های بزرگ اسلامی را معرفی میکند

عبدالرحیم (عینی)

### حضرت سهیل بن حنیف (رض)

این صحابه جلیل القدر یعنی سبل بن حنیف از مردم انصار و از قبیله اوس میباشد که غزوة بدر واحد و دیگر غزوات را دیده است . در روز جنگ احد با پیغمبر خدا (رض) یگجا بوده سپس مضاجبت حضرت علی کرم الله وجهه را نمود . حضرت علی (رض) او را بعدا در مدینه به حبت نائب خود تعیین نموده سپس امور ولایت فارس بسوی تفویض گردید . پسرش ابوامامه (ابواسامه) و غیره از وی روایت حدیث نموده در کوفه بسال ۳۸ هجری وفات کرده است . انالله وانا الیه راجعون . اصلا شهرت این صحابه بنام ابوا ب است سهیل بن حنیف بن واهب انصاری بسوده در مبارزه و جهاد سرآمد افسران گردید . در فاعیل ففیری چشم باز کرده توانی ندانست که تکافوی ضروریات زندگی او را نماید بناء پیغمبر اسلام صلی الله علیه وسلم زمانیکه غنائم قبیله بنی نضیر بدون قتل و قتال بدست مسلمان آمد برای اینکه سوبه و سطح زندگی مهاجران و انصار یک سوبه باشد میان فقراء مهاجرین تقسیم نموده و به انصار ندادند اما از زهره انصار دوتن بی بضاعت را که عبارت از سهیل بن حنیف و ابودجانه باشد نظر بشدند هم مهاجرین نمودند .

حضرت سبل بن حنیف (رض) بعد از هجرت اراده عقد مواخات را میان خویش و حضرت

بقیه در صفحه ۵۶



# از کاظم آهنک اسرائیل به تحریکات تازه در شرق میانهمیپردازد

## بررسی مسایل روز

هنوز بحران قبرس به قسم يك معضله مغلق و پیچیده در این گوشه جهان راه حل نیافته و تاکنون مقامات مربوطه موسسه ملل متحد مخصوصا داکتر کورت والد هايم سر منشی آن موسسه و کشورهای ذی علاقه در جستجوی راه حلی در زمینه اند، که تهدید ها و تفتین های اسر ائیل يك بار دیگر بر مشکلات این گوشه جهان افزوده است.

گرچه این تهدیدها هنوز مشکلی ایجاد نکرده که همین اکنون شرق میانه و جهان عرب از آن تهدید شوند ولی بدون شك مقدمه يك آینده پر مخاطره را در انظار جلوه میدنویز. هر حرکت توام بابر خورد گرم بین اعراب و اسر ائیل یقینا خسارات و تلفات شدید مالی و جانی را در قبال خواهد داشت.

اسحق رابین صدرا عظم اسر ائیل اخیرا يك سلسله مطالبی ابراز کرده که نشاندهنده این نوع تهدیدات و زور گوئی هاست و علاوه تا اعمال اسر ائیل مانند مانورها و تمرکز قوای آن در سرحدات بعضی کشور های عربی موید ایجاد چنین مشکلات است.

اسحق رابین گفته است اسر ائیل تازه مانی از سرزمین های اشغالی عرب عقب نشینی نخواهد کرد که بدانند این موضوع برای صلح در شرق میانه مفید میباشد، وی همچنان گفته است که هر گونه اقدام اسر ائیل در برابر اعراب باید از يك موقف قوت و زورمندی نشأت کند و به همین وتیره وی گفته است که کنار آمدن اسر ائیل با اعراب و عقب نشینی اسر ائیل از سر زمین های اشغالی عربی در صورتی عملی شده میتواند که اعراب موجودیت اسر ائیل را برسیمت بشناسند همچنان صدرا عظم اسر ائیل میگوید که تشکیل يك حکومت فلسطینی در شرق میانه معنی محو از بین رفتن اسر ائیل را دارد.

از گفته های رابین که بگذریم شمون پریز وزیر دفاع اسر ائیل گفته است برای مذاکره با اردن اسر ائیل شرایطی دارد و یکی از این شرایط عبارت از این است که مذاکرات بین اردن و اسر ائیل تنها در باره عقب نشینی عساکر اسر ائیل از غرب رود اردن نبوده بلکه در باره برقراری يك صلح دائمی در شرق میانه باشد.

در گفتار های صدرا عظم و وزیر دفاع اسر ائیل چند موضوع قابل تحمل است. نخست هر دوی آنها از صلح صحبت کرده اند. دوم صدرا عظم اسر ائیل هر اقدام را از يك موقف قدرت می خواهد، سوم باز هم خارج شدن از سرزمین های اشغالی را به شرط رسمیت شناختن اسر ائیل مربوط دانسته است و بالاخره تشکیل حکومت فلسطین را محو یهود تلقی میکند.

هر گاه به این گفتار های رابین و پریز وقت شو دراجع بشو هر یکی از آن طوری قضاوت حکم خواهد شد که از زور گوئی فتنه انگیزی و عقده های حقارت سرچشمه گرفته باشد موضوع اینجا است که هم اسر ائیل از صلح صحبت میکند و هم عربها از صلح گپ میزند ولی اینکه صلح واقعی را کدام یکی از آنها آرزو دارد سوالیست که بایست جواب داد.

عربها در هر گام خود متوجه آنند که چطور میتوانند.

مساله شرق میانه از طریق صلح حل شود. این عربها اند که بهمین تازگی ها در جلسه وزرای خارجه خود در قاهره موافقه نمودند که مساله فلسطین را در جلسات مجمع عمومی ملل متحد مطرح ساخته و از این طریق راه حل صلح آمیزی برای آن دریا بند. و این عربها اند که از مرکز يك کشور به مرکز دیگری و از آنجا به کشور سومی رفته با مقامات مربوط این کشور ها مذاکراتی انجام میدهند و راه حل مسالمت آمیز موضوع

شرق میانه و معضله فلسطین را جستجو میکنند. از این موضوع که بگذریم در همین کنفرانس و وزرای خارجه کشور های عربی يك بار دیگر راجع به کنفرانس صلح ژنیه و مذاکراتی انجام شد ولی در مقابل آیا این اسر ائیل نیست که گاهی اشخاص سر شناس خود را به افریقای جنوبی نزد رژیم تبعیض طلب آن سر زمین فرستاده و از آنجا آواز جنگ و تجاوز را بلند میکنند آیا همین اسر ائیل نبوده است که وقتا فوقتا در مراکز بعضی از کشور های غربی رفته در پی تهیه و تدارک اسلحه و مهمات حربی میشود و آیا این اسر ائیل نیست که همین اکنون بر مردمان قرای جنوب لبنان باتوپ و طیاره و تانک حملات خود را را وارد کرده نه تنها به مبارزین فلسطین در این ناحیه زیان ها و خساراتی را تحمیل میکند بلکه هزاران نفر زن مرد و طفل ملکی آن سامان را متضرر میسازد در حالیکه همه میدانند مردمان آن ناحیه بی سلاح و بی دفاع اند، کوتاه اینکه هیچ روزی نیست که صدای حمله و آواز فتنه انگیزی های اسر ائیلی ها و قوای اسر ائیل بر سر زمین های عربی شنیده نشود.

یقینا خوانندگان محترم بخاطر دارند که در این روز ها اسر ائیل چند مانور نظامی را انجام داد.

و در این مانور ها از قوای احتیاط خود هم استفاده کرد این مانور ها بدون شك يك سلسله سوالهای را بین کشورهای عربی ایجاد نموده است و علاوه تا همین ما نور خود جنبه نمایش را دارد که در آن قدرت اسر ائیل تبارز داده شده گذشته از آن اسر ائیل بارها گفته است که همه افراد خود را با تعلیم و تربیت عسکری مجهز میسازد اگر واقعا صدای صلح از قلب و دماغ از اعماق اسر ائیلی بیرون شود به چنین اعمال ضد صلح دست نمی زند.

بقیه درص ۵۶



# کیو کو اساکورا

## دوشیزه‌های که انگشتان ظریفش روی فلز سخت، هنرمی آفرینند

در تمام آثار هنری او روح لطیف و زیبایی زنانه دیده میشود .

...

او دوست دارد تا بخش زیاده‌زندگی اش را در سفر و مشاهده زندگی های نو، وقف نماید.

ترجمه : رهجو

جایان دست یافته و بحیث پرفیسور در پوهنتون هنر، عضو اکادمی هنر بوده و نشان فرهنگ را بدست آورد. دختران قریحه‌ی هنری را از پدر هنر مند شان به ارث برده و با پشت کلا آن را بر شیوه خود شان رشد دادند.

قابل تذکار است که ایندو راه جداگانه هنر را برگزیدند. خواهر بزرگ در جهان نقاشی و کیو کو در عالم پیکرتراشی و مجسمه سازی دست به کار شد. کیو کو که در یک فضای پراز هنر هنر زاده است از همان آوان کودکی یعنی سه سالگی دست به موپیک نقاشی برد. در سن ۱۲ سالگی کج قالب‌زیرینجه‌های هنر منفس موم گردید و به این ترتیب روش

مهم نیست که در کجای جهان بنگریم، ولی این یک حقیقت روشن که بندوت می توان به زن پیکرتراش بر خورد، کیو کو اساکورا هنرمند و پیکر تراش جاپانی از همین زمره است.

سپان هنر جاپان، رمحور سا زمان نیتتن که بزرگترین محل گرد آمدن هنر مندان آسامان بحساب می آید، چسوخ می خورد. برای سالیان زیاد، بخش پیکر تراشی این سازمان توسط قومبو اساکورا، که از خود و دختر بجای مانده اداره می‌شده. شتسو اساکورا، دختر بزرگ در بخش نقاشی سنتی جاپان دست چیره دارد در حالیکه کیو کو اساکورا در پیکرتراشی مقام ارجمندی را بدست آورده است.

پدر این هنر مندان، درستیغ جهان هنر



کیو کو با خواهرش شتسو در یکی از نمایش های هنری اش

داده است. بعد از ترک نیتتن او از بیوستن به کدام محل هنری دیگر دوری نمود اکنون آثار و ساخته های هنری او در نمایشگاه های متعدد هنری که بخصوص در فصل شکوفان بهار درهاگون، غرب توکیو، برپا می شود، به نمایش گذارده می‌شود.

برعلاوه، در مدت سه سال توقف، او با دقت خاص نمایشگاه یک نفری از آثار و کارهایش برای انداختن در هر حادثه هنری بخوبی مشاهده می‌شد که کارهایش بطرف پختگی و بلوغ پیش می‌رود.

در حالیکه در آثار ساخته شده اش استثنایی چون پیکر یک فروشنده روزنامه که سواپ ساخته شده است وجود دارد، بخش زیاد آثار او به ساختن پیکره های نازک که به صورت کامل، نیم تنه و یا فقط چهره نمایش داده می‌شود، وقف شده است.

آخرین نمایش آثار او در سپتامبر گذشته بعد از سه سال توقف، در گالری هنر پوهنتون گینزا در توکیو برپا شد.

در این نمایش هزده اثر از او به نمایش گذارده شد و دو نمایه های اساسی این نمایشگاه بازهم «زن» بود.

ممکن مهمترین مجسمه او مجسمه ای باشد بنام «زن» که در آن تصویری از یک دختر در حالیکه بالاتنه کوتاه پوشیده، روی چوکی نشسته و پای هایش را طوری دراز نموده است گویی که در تفکر ژرف و عمیق فرو رفته است. در تمام آثار او به روشنی قدرت بقیه در سال ۶۱

هنری اش راه خود را یافت.

زمانیکه ۱۶ ساله بود، و هنوز شاگرد ساده مکتب بحساب می‌رفت توانست نجا یزده سالانه نمایشگاه هنری نیتتن را بدست آورد.

جایزه بزرگ نیتتن در سن بدست سالگی نصیب او شد افتخاری که او تاکنون چهار بار بدست آورده است. بعد در سن جوانی ۲۶ سالگی بحث هیات منصفه سازمان هنری نیتتن نامزد گردید بدان معنی است که او به اوپله های طولانی زینه هنر را از همان آوان کودکی که پای هایش لرزان لرزان بود با سرعت یکس پشت دیگر طی نمود. نام او به دفعات روی روزنامه ها و جراید بچاپ رسید. کار های هنری او توسط وزارت معارف و دیگر نمایندگی های دولت خریداری شده و ورق دیگری پس شپرتش افزود.

در درون سازمان هنری نیتتن، بانهم برخی به او چشم تنگی نموده و انتقاد می کنند که علت پیشرفت او فقط مرهون شپرت پدرش می‌باشد. در همین زمان بود که او بحیث یک روح هنر مند به سازمان نیتتن به دیسک سک بنگرد و به همین علت در امر خروج از سازمان مذکور در ننگ نسود این این در سن ۱۳ سال قبل از مرگ پدرش بود.

او بخاطر این از سازمان مذکور برید تا از زیر تأثیر پدرش بدور بوده و در آفرینش هنری اش «دست باز» داشته باشد.

امروز، این زن هنرمند، هنرش او به صورت کامل در راه مستقل و تلاطمی سوق



کیو کو، پیکر تراش معروف بایکی از مجسمه عایش بنام «مینی ژوب»



# مطابق پلان ۲۵ ساله شهر کابل تمام و باز ساز

## در آینده نزدیک بناروالی در هر محل دو خبازی و دو قصابی را دایر میسازد تا هم زمینه رقابت سالم در فروش مواد آذوقه، مساعد گردد و هم این مواد بشکل صحیح عرضه گردد.

تلاشی پیکر وجدیت مسئولان امور استقرار نیافته و نمی یابد عدم نرخهای استندرد در تمام کشور است، همانطور یکه شا هدیم در کشور ما هنوز هم نرخها تابع عرضه و تقاضا است و کمیت و کیفیت جنس متکی باین دو اصل است.

یادم است چندی قبل با وصف آنکه نرخ بادنجان رومی از نسرخ عرضه آزاد در مار کیت ها ارزانتر نرخگذاری شده بود هر روز قیمت آن قوس نزولی را می پیماید. تا اینکه موجب شکایات شهر یان گردید و عده ای به بناروالی مراجعه و بکار ما انتقاد نمودند که این چگونه نرخگذاری است در حالیکه علت این ارزانی فقط عرضه زیادتر از حد پیش بینی شده بود و بس. برای اینکه نرخها واقعا استقرار یابد از یکسو بایست در تمام نقاط

مسلخ در حال حاضر باوصف آنکه با قدرت نهای خود فعالیت دارد باز هم عرضه گوشت نمیتواند جوابگوی احتیاج شهر یان باشد دولت در این زمینه تصامیمی دارد که به تطبیق گذاشته میشود.

اکنون بناروالی برای جلو گیری از تخلفات فرو شنانگان و استقرار بخشیدن بنرخها چاره ندارد جز جریمه، اخطار و مسدود ساختن موقتی دایمی دکاکین متخلفان که از چنین روشی کار گرفته شده و باز هم کار گرفته میشود.

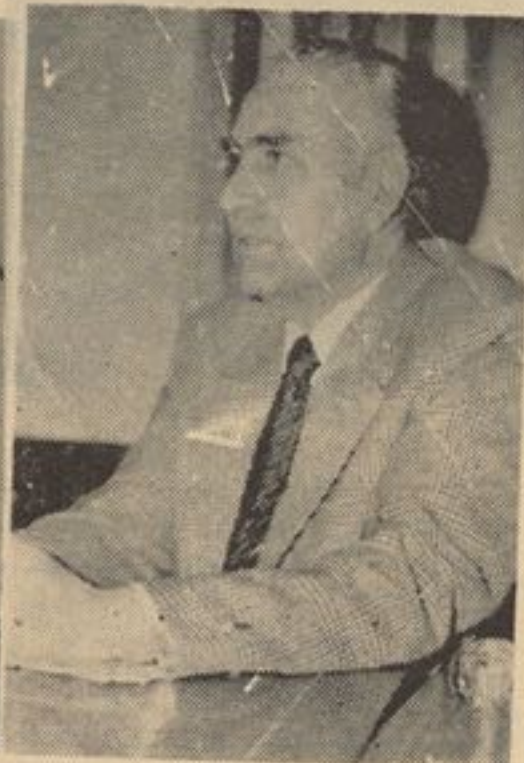
یک راه دیگر جاو گیری از تخلفات در فروش همکاری صمیمانه خود مردم است بانبا روالی، هر خریدار باید در حکم یک مامور تفتیش باشد



رئیس تفتیش بناروالی



رئیس حفظ ا لصحه بناروالی



معاون بناروالی

ومتخلف را به شعب مسوول معرفی نماید در گذشته اعمال نفوذ برخی از صاحبان قدرت موجب میگردد که متخلفان مکرر کمتر تنبیه شوند. هر وقت با خبازی متخلفی رو برو بودیم وسیلی از واسطه و تو سعه کسانی که اهل قدرت بودند مبارزه با آنان بیرون از دایره قدرت و صلاحیت ما، ولی اکنون دیگر نظام مردمی ما اجازه هیچ نوع اعمال نفوذ را به هیچ صاحب قدرت نمی دهد و این باعث میگردد که مادر کار خود موفق تر باشیم.

این است که باز هم همکاری

ژوندون

کشور نرخهای تثبیت شده و استندرد وجود داشته باشد. ذخیره گاههای بزرگ اعمار گردد. سرد خانه های مجهز بوجود آید و در تمام فصول سال متوازن با تقاضا عرضه صورت گیرد در این صورت نوعی رقابت آزاد و سالم میان دولت و فرو شنندگان دست اول بوجود میاید و مانع بلند رفتن نرخها شده آنرا در حد معین آن ثابت نگه میدارد.

تاکنون در کابل فقط گوشت و بیغ با چنین شرایطی عرضه میگردد

ضرر مصرف کننده تمام شده است اکنون خواهش ژوندون این است که با احترام خواسته خوانندگان این مجله و شهر یان کابل ریا ست تفتیش بناروالی توضیح نماید که در مورد کنترل و مراقبت از نرخها چه اقداماتی صورت گرفته و یا اینکه چه طرح و پلانی برای حل این مشکل عمومی وجود دارد که مورد تطبیق قرار گیرد؟

بناعلی سمیعی معاون بناروالی : عامل اساسی اینکه نرخها چه در کابل و چه در ولایات کشور باوصف

زیر نظر گروه مشورتی ژوندون با اشتراك : بناعلی محمد بصیر سمیعی معاون بناروالی بناعلی محرم علی رئیس تفتیش بناروالی بناعلی دكتور محمد عزیز سراج رئیس امور صحی بنا روالی بناعلی عبدا لرحمن رحیمی وکیل ریاست کار و ساختمان بناعلی دكتور محمد موسی آتش معاون ریاست امور صحی بناروالی بنا علی انجنیر وزیر احمد بری مدیر عمومی کار و تخنیک بناروالی و بنا علی محمد امین شفیق مدیر عمومی تهیه و اصناف بناروالی زیر نظر روستا باختری مریم محبوب افسری عضو مسلکی ژوندون.

محمد ناصر عز غنبت مدیر عمومی نشرات بناروالی و نگارنده مسوول جریده پامیر و محمد یوسف غازی مدیر قلم مخصوص بناروالی محل جلسه : اتاق کارو کنفرانس بناروالی

### روستان باختری

یکی از از مشکلات باشندگان نواحی مختلف شهر کابل موضوع عدم استقرار نرخها، عدم عرضه درست و صحی مواد آذوقه و عدم کنترل و مراقبت جدی کارکنان بناروالی از نرخها است.

اغلبا باشندگان شهر کابل بر شیوه کار مفتشین بناروالی انتقاد دارند و این انتقاد بجاست که هیچکس حتی خود اعضای بناروالی



# نواحی کهنه ساز کابل ویران میگردند

## ی می شود

مجله ژ و ندون واقعا مجله خانوادهاست وانعکاس دهنده نظریات و انتقادات مردم از زبان مردم؛ میزهای مدور شما یک کار عالی مطبوعاتی است.  
برای استقرار نرخها بایدن خیره گاههای بزرگ ساخته شود.  
سردخانه های مجهز ایجاد گردد و در تمام فصول سال عرضه متوازن با تقاضا صورت پذیرد.

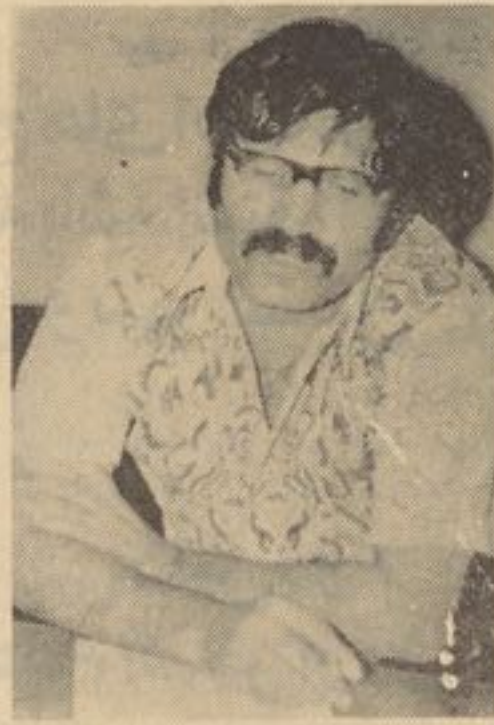
با میسر شدن امکان تعقیب پیگیر و صمیمانه مردم را خواهانیم تا باشد مراقبت همیشگی جلو تخلفات در حد قناعت بخش آن گرفته شود بناغلی محرم علی رئیس تفتیش بناروایی قبل از اینکه بانتقاد ژوندون در باره عدم استقرار نرخها جواب گویم از این مجله آموزشی و خانوادگی که همیشه نقش پیش آهنگی اش را در زمینه خدمات فرهنگی و مطبوعاتی به نحوه موثر ایفاء نموده است به عنوان یک همشهری و خواننده این مجله به نیکی یاد میکنم ژوندون رکن مهم مطبوعات کشور است و مطبوعات انعکاس دهنده خواسته ها، نظرات و انتقادات مردم افغانستان، پس وقتی ما با انتقاد

تبشیه قانونی کردند چنانکه همین چندی قبل مقدار زیاد پیاز که در لوگر احتکار شده بود توسط مسئولان این شعبه کشف گردید و به قیمت ارزان در مارکیت های شهر عرضه شد.

روغن باو صف آنکه یک ماده توریدی است و قیمت آن نیز در جریان سال گذشته در تمام مارکیت های جهان بلند رفته است، دولت با قبول مبلغ هنگفتی ضرر از صعود نرخ آن در مارکیت های داخلی جلو گیری نمود و قیمت آن ثابت نگاه داشته شد.

سال گذشته در آغاز فصل سرما عده ای از محترمین چوب و ذغال را ذخیره نمودند و عرضه این مواد ارتزاقی را در مارکیت ها کم نمودند تا در موقع ازدیاد تقاضا آن را به قیمت گران بفروش رسانند که بنا روایی متوجه گردید به کمک بعضی از وزارت ها و بانک ملی افغان چند هزار خروار چوب و ذغال خریداری نموده با عرضه آن و رقابت آزاد در بازار توانست از صعود نرخ این دو جلو گیری نماید در مورد مواد ارتزاقی متاسفانه هنوز هم عده ای سود جو و منفعت پرست بخاطر منافع شخصی منافع مردم را بخطر میاندازند که شعب تفتیش بناروایی از طریق توصیه، اخطار، جریمه نقدی مسدود ساختن مو قتی و یادایمی دکا کین و سلب امتیاز با آنها مقابله میکنند و تاجای امکان میگو شد جلو تخلفات شان را بگیرد به عنوان مثال یاد آور میگردم که در سه ماه اول سال ۱۳۵۱ ۲۰۳۱ نفر فروشنده متخلف

انتقاداتی ارائه گردیده بود. کلی داده نشده حتی نمایندگان وزارت پلان باین دلیل که مقدار زیاد عدم استقرار از نرخها در شهر



معاون حفظ الصحه بناروایی

کچالو و پیاز از اندازه مصرف شهریان زیاد است و امکان گندیده شدن می رود خواهان صدور آن بخارج بودند ولی بناروایی برای اینکه توازن عرضه و تقاضا بهم نخورد و موجب افزایش قیمت این دو ماده نگردد از صدور آن جلو گیری نمود. احتکار مواد ارتزاقی توسط عده ای سود جو و منفعت پرست دلیل دوم صعود نرخها و عدم استقرار آن میتواند باشد که در مدت یکسال با جدیت فراوان کوشش شده است جلو احتکار گرفته شود و محترمین

معاون ریاست سا ختمانی

اما اعتراف می کنیم که هنوز هم باو صف تلاش پیگیر و مدامی که برای استقرار نرخها صورت می گیرد جلوی بی مبالائی فروشندگان و تخلفات آنها را گرفته نتوانسته ایم ولی آمار واحصائیه های مستند گویای آن است که در مدت یکسال عمر نظام بالنده جمهوریت طور نسبی و نظر بگذشته ما موفقیت های در زمینه داشته ایم. به عنوان مثال یاد آور میگردم که قبل از استقرار نظام نو کشور هفت کیلو پیاز ۱۲۰- افغانی خرید و فروش میگردید ولی بعد اقداماتی که صورت گرفت اجازه صعود نرخ این ماده به

مدیر عمومی تهیه و اصناف بناروایی

این مجله روبرو میباشیم در حقیقت با گفته و نظر مردم افغانستان در باره خود و نحوه کار خود روبرو ایم که این کمکی است بما در جهت بهبود امور مربوط بما. ریاست تفتیش بناروایی کابل با روحیه وطنپرستانه خود پذیرای هر نوع انتقاد سالم و روشنفکرانه مطبوعات کشور میباشد و امیدوار است با استفاده از این نوشته ها و ارائه نظرات مردم استفاده برد و راه حل منطقی مشکلات را بیابد. درمیز منور ژوندون بیشتر در مورد

محکوم بپرداخت مبلغ ۹۵۲۷۶۴ - افغانی نقد شدند در سه ماه اول سال ۱۳۵۲ - ۱۶۶۷ نفر متخلف به پرداخت ۱۱۲۸۰۰۰۰ - افغانسی شدند که افزایش مقدار جرایم را حاکی است ولی در سه ماه اول ۱۳۵۳ - ۷۳۶۰ نفر فروشنده متخلف محکوم بپرداخت ۲۰۰ ۹۳۴۵ ۲۳۱ افغانی نقد شدند که همه از نظر تعداد متخلفان و هم مقدار اخطار جرایم افزایش قابل توجهی را نسبت به سالهای گذشته نشان می دهد.

به همین اساس از ۲۶ سرطان سال ۵۱ تا ۲۶ سرطان سال ۵۲ -





گوشه ای از جریانات میزمدور ژوندون

**تادر تمام کشور نرخ های استندرد شده وجود ندا شته باشد استقرار نرخها در يك محل و شهر مشكل است.**

## احتكار مواد ار تراقی دلیل دوم صعود نرخها است وعدم استقرار آن

۲۹۲۷ نفر متخلف فروشنده محكوم بپرداخت جریمه نقدی ۴۶۲۲۲۵۱۰۰۰ افغانی واز ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ تا ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۳ ۲۴۲۳۸ نفر متخلف فروشنده محكوم به تحویل جریمه نقدی ۹۹۶۵۴۷۰۰۰ افغانی گشته اند که به مقایسه يك سال گذشته افزایش ۱۷۴۱۱ نفر فروشنده تخلف کار وازدیاد مبلغ ۵۳۰۴۲۹۶ -افغانی جریمه نقدی را می نماید.

ولی با این هم کمبود وسایط و پرسونل موجب میگردد که نتوانیم بطور قناعت بخش جلو تخلفات را بگیریم ومانع گرا نغروشی گردیم. همین اکنون نه گروپ از مفتشان

بناروالی همه روزه صبح ناشیب مصروف مراقبت نرخها میباشدولی باتوجه به بزرگی شهر و تراکم جمعیت این تعداد کم است ونمیتواند جوابگوی ضرورت ها گردد.

**مارکیت هاو سوپر مارکیت ها :** یکی از اشتراك کنندگان میز مدور ژوندون در بحث انتقاد از عماروالی تدویر مارکیت هاوسو پرمارکیت ها را توسط بناروا لی يك راه حل معقول ومنطقی برای استقرار نرخها و جلو گیری از صعود نرخها خاطر نشان نموده بود درست است من این نظر را تائید میکنم ولی تا زمانیکه نقشه بزرگ شهری به تطبیق گذاشته نشودو برای بناروا لی





# جریمه را در حقیقت مصرف کننده و خریدار می پردازد نه فروشنده و دوکاندار

در سه ماه اول امسال ۲۳۶۰ نفر  
متخلف محکوم به پرداخت ۲۳۱۹۳۴۵  
افغانی جریمه گشتند و در مدت  
یکسال جمهوری ۲۴۳۳۸ نفر از  
اصناف تخلف کار مجبور به تادیبه  
مبلغ ۹۹۲۶۵۴۷ افغانی پول نقد  
شدند

برای استقرار نرخها بنا را در آینده کوپرا تیف ها و مار کیت  
های بزرگ فروش را دایر میسازد.

سالها مندوی کابل در اجاره اجاره داران بود و قیمت ها در  
اختیار فروشنده ولی حالا مندوی ها توسط گروه های بنا را لسی اداره  
میگردد و جلو صعود نرخها گرفته میشود.



مدارک تازه عایداتی کاوش نگر در  
عملی شدن این تیوری مشکل است،  
در حال حاضر بنا روالی  
فاقد سرما به کافی است و دایر  
ساختن سوپر مارکیت ها سر ما به  
هنگفت به کار دارد.

به عنوان مثال باز هم بناد آور  
میگردد که سال گذشته اگر وزارت  
تجارت و بانک ملی افغان سر مایه  
امانت در اختیار ما نمی گذاشتند ما  
حتی برای ذخیره چوب و ذغال قدرت  
بولی ندا شتیم.

## روستا باختری :

فعالیت بنا را لسی در زمینه اخذ  
جرایم نمایشگر تلاش آن است  
برای استقرار نرخ اما پرسش اصلی در  
این مورد است که آیا اخذ جریمه  
و مسدود ساختن دکاکین تنها راه  
حل مشکل است و یا اینکه طرق و  
شیوه های بهتر و موثر تری هم  
وجود دارد ؟

تجربه نشان داده است که بهمان  
پیمانانه که حجم جرایم بلند میسرود  
تعداد متخلفان نیز زیاد میگردد و  
ضرر بیشتر متوجه مصرف کننده  
میگردد که مجبور است جنس مورد  
ضرورت را بعد از جریمه گشتن  
فروشنده گرانتر از نرخ اول  
خریداری نماید و یا به تعبیر دیگر  
جریمه را فروشنده نمی پردازد ،  
در حقیقت آنرا مصرف کننده  
مپردازد در این زمینه بنا را لسی چه  
دلایلی دارد ؟

**بناغلی سمیعی معاون بنا را لسی :**  
نظر شما کاملا منطقی است و اخذ  
جرایم نمیتواند راه حل منطقی باشد  
از مدتهاست که بنا را ل کابل طرح  
تدویر کوپرا تیف ها و مارکیت ها  
سر دست دارد و روی آن مطالعه می  
نماید . کوپرا تیف ها و مارکیت ها  
تنها راه حل معقول مشکل استقرار  
نرخها میباشد و عرضه صحی و درست  
آن .

مندوی کابل که سالها با شیوه  
اجاره داری اداره میگردد اکنون  
توسط گروه های بنا را لسی اداره  
میگردد که این موجب میگرد  
که مواد از تزارقی طرف  
ضرورت شهریان بنرخ معینه برای  
شان بفروش رسد .

همین اکنون مطالعات دامنه داری  
را شروع نموده ایم که بدون شک  
بعد از تطبیق طرح های سرد است  
استقرار نرخها به پیمانانه قناعت  
بخشی عملی خواهد گردید و جلوشود  
چوبی اشخاص گرفته خواهد شد .  
بنا س یک طرح پیش بینی شده  
که زیر مطالعه است در آینده نزدیک

در هر محل دو خیابازی و دو قصابی  
توسط بنا را ل دایر میگردد تا بنا  
رقابت آزاد جلو صعود نرخ گوشت  
و نان گرفته شود و طرق عرضه صحی  
این دو ماده عملا نشان داده شود.

بهر صورت بنا را لسی در تمام  
مدت روز و شب برای شهریان کار  
میکنند و خود را خدمتکار مردم می  
داند . البته حل همه پرابلم ها کار  
یکسال نیست و مدت زیاد تری را  
ایجاب می نماید ، ما فقط از مردم  
همکاری شان را در معرفی متخلفان  
خواهائیم و همیشه به نظرات و انتقادات  
شان احترام می گذاریم .

## رووف راصع :

کمبود آب آشامیدنی صحی در  
محلات کهنه ساز کابل و مخصوصا  
درخانه ها و منازل سر کوه ، یک  
مشکل اساسی تمام باشندگان  
این نواحی است ، طوریکه با ادعای  
یک شرکت کننده میز مندور قبلی ما  
یک مشک آب در منازل سر کوه ده  
افغانی بفروش میرسد .

ممکن است مسئول شعب آب  
رسانی بنا را لسی توضیح فرماید که  
برای حل این مشکل و تهیه آب  
مشروب صحی برای همه مردم کابل  
چه طرح های وجود دارد ، و در مدت  
یکسال چه اقداماتی صورت گرفته  
است ؟

**دکتور عزیز سراج رئیس امور  
صحی :**

شهر کابل با نفوس شش صد هزار  
نفری خود محتاج به پنجاه هزار  
کوبیک متر آب در ۲۴ ساعت ( یک  
شب و یا روز ) می باشد یعنی هر نفر  
در حدود یکصد و شصت متر آب در  
یک شب و روز ضرورت دارد البته  
این مقدار آب تکافوی غسل دست و  
رو شویی و غیره ضرورت همین نفر  
را نیز می نماید .

فعلا ما با چهار چاه عمیق علاوالدین  
که هر کدام ظرفیت سه هزار کوبیک  
متر آب را در ۲۴ ساعت دارد دوازده  
هزار کوبیک متر آب در یک شب و  
روز در مخزن بریکوت میاندا زیم  
این مخزن در وسط کوه ده مزنگت  
واقع بوده و هفت هزار کوبیک متر  
ظرفیت دارد . در اینجا ممکن است  
پرسا ن شود که شما دوازده هزار  
کوبیک متر آب را در یک مخزن هفت  
هزار کوبیک متره چطور میاندا زید .  
جواب اینست که این مخزن منبع  
دخول و خروج دارد از یکطرف که  
آب در آن میافتد از طرف دیگر فوراً  
برای توزیع خارج میشود .



# علیشیر نوایی

ترجمه: ع. ح. ایلمدم

اساسی در باغ اغان بر نظامیان است از هر طرف دسته دسته سپاهیان سوار فرا میروند. اسبها مستی کتان شیشه میکشند و توغها در اهتزاز اند. خودها (کلاههای آهنین - ۲) وجوش سپاهیان در پرتو خورشید می درخشید دستهای سیمین آذیانه بیک ها، سامان و لوازم نقره کار اسپان آنها، پارچه های طلا، دانه های فیروزه و زبرجد غلاف شمشیرها، باتابش خود، چشمها را خیره می سازد. میان سپاهیان در کنار مردان دلیر و باشهامت کهنسالی که ریش انبوه برسینه های شان افتاده، اما تیز بین و تیز هوش چون جوانان بنظر میروند و پها دران مغروری که طوفا نهی د هشت زای معرکه جنگ را باز یچه ای بیش نمی پندارند. و در کار زاپیکار و ستیز آبدیده شده اند، نو جوانان کم تجربه ایکه هنوز خط پروت دور لب شان ندویده نیز دیده میشوند. شهر هرات بدون توجه باین طنطنه و تشریفات بحیات عادی همیشگی خود ادامه میدهد. هرات چنین روزها را بسیار دیده است هرگاه اطفالی که بدون اعتنا به مستی و سرکشی اسپها، هر طرف میدوند و همدیگر را با شورش و فریاد صدا میکنند، استثناء قرار داده شوند، بزرگان سالان با شنیدن این خبر که سلطان بخاطر مقابله با محمد یار گار آماده گردیده است، میگویند: (خدا این سفر را با خیر مقرون سازد، آخر ملک به آرا می احتیاج دارد) و به زندگی معمولی خویش ادامه میدهند.

اسلم بر لاس - مرد چار شانه مغرور در حالیکه تیرو کمان مخصوص خود را حمل نموده است در پیشاپیش

تاینگای داستان

بهار، شهر زیبای هرات را - طراوت خاصی بخشیده است. خبر بازگشت عیشیر نوایی و تقرر او به حیث مهر دار دولت، چون حادثه مهمی در سراسر شهر انعکاس میکند، در یکی از شبها که نوایی تنها است، در وی شعلی برادرش نزدش می آید. هر دو پیرا موم امور مملکت بگفتگو میپردازند نوایی تصمیم خود را مبنی بر اینکه می خواهد کتابخانه بزرگی را اساس گذاری کند اظهار میدارد و میگوید که مسولیت امر را بدوش می خواهد گذاشت.

فردای آن، همینکه نوایی در دیوان حضور مییابد، حسین باقرا، اورانزد خود فرا میخواند و راجع به امور کشور با وی مشوره میکند و نظرش را در باره مجدالدین خواستار میشود. در همین آوان - ابوضیاء بازرگان معروف خراسان پیشنهاد میکند تا او جوجه مورد ضرورت خزانه را نقلاً بپردازد مشروط بر اینکه بوی صلاحیت داده شود تا جوجه مذکور را از طریق جمع آوری مالیات دو باره بدست آورد. این پیشنهاد در اثر وساطت مجدالدین پذیرفته میشود بعداً توغان بیک مامور اجرای این وظیفه گردیده، بیکی ازدهات وارد میگردد. ریش سفید دهکده از وی خواهش میکند تا درین مورد از ترشش کار بگیرد.

از سلانکول با کامهای متین جلو آمده، کمی دورتر از حاضرین بر لب جوی نشست. به درختان اطراف، چند راس گاو، گوسفند و بز بسته بود. او بی بر دکه این هارا مباشرتاً اجباراً بعنوان گروگان ستانده است. لذا خشم و بغض بر گلویش فشار آورد و نگاه تند خود را بسوی آنها دوخت.

بسیاری از دهقانان با میداینکه شاید بتوانند مباشرتاً قسی القلب را برسو عاطفه آورند، از زخانه های خود هر نوع غذا می آوردند. توغان بیک که باریش سفید دهکده مشغول محاسبه و ثبت و کتابت بود، توجهی بطرف دستر خوان نکرد و فقط پس از ختم حساب و کتاب، اندکی غذا تناول کرده، دفعتاً از جابر خواست.

گاو و بزهای به گرو گرفته شده را به ریش سفید سپرد و بوی دستور داد تا ز مانی که وی از دهکده (فاریان) بر میگردد، بقایا را باید جمع آوری کند. و بعد از آنکه دست خود را بر سر روی اسب خود کش کرده نوازش داد، جبهیده روی زمین نشست و بسرعت از آنجا دور شد. ریش سفید چاق، گریبان خود را گرفته تکان داد و بسوی حاضرین نموده چشمان خود را دور داد و گفت: (دعا کنید، الهی این موجود از اسب بیفتد و گردنش بشکند) حاضرین دستها را بلند نموده، خشم آلود گفتند: (باید به سلطان شکایت برد شکایت!)

فصل چهارم

ساحه بزرگ پیشروی دروازه

حرف زد و گفت بعد از آنکه در فصل خزان، محصول زمینها جمع آوری گردد، حقوق خود را از خراج گرفته به شهر هرات خواهد رفت و برای خودش و دلدار لباس خواهد خرید. دلدار درباره مطالبی که راجع به بازار هرات و کالاهای گرانبهای آن از کهنسالان شنیده بود، پرسشهایی نموده از سلانکول با اینکه به شهر عظیم هرات پیش از دیوار (آنهم برای مدتهای بسیار کوتاه) نرفته بود، درباره تکه های کشمیری، ابریشم های چینی و دیگر قماشهای که سوداگران بفروش می رسانند، قصه های مفصلی نقل کرد. قلب هر دو از شادمانی و امید مالا مال شده، اندوه و مشقات، زندگی و نابسامانیهای روزگار را از یاد برده بودند.

بزرگ در همانجا گذاشته، بخاطر صرف غذا عازم خانه شدند. از سلانکول پانزده بیست قدم جلوتر حرکت کرد. همینکه دلدار به حویلی نزدیک شد، چشمش به توغان بیک و ریش سفید قرینه که روی شمال، در زبرد خت نشسته بودند، و برخی از مردم دهکده افتاده که ترسان و لرزان آنجا گرد آمده بودند، بنا بر آن بدون آنکه بطرف آنها برود، به عقب دیوار خزید.



دسته سوار، بمشابه (طلاسه) لشکر، خاک برانگیخته حرکت کرد.

حسین بايقرا از دروازه (باغ زاقان) تازان براسب، باوقار و متانت خارج گردید. لوازم تجملی گرانبهایی که در پیراستن لباس هایش بکار رفته بود در برابر لوازم واسباب تجملی اسپ قیرگون برصلا بت او، چندان مایه تعجب نمیگردید. حسین بايقرا که در زمره سلاله تیمور به شمشیر زنی شهرت داشت، جلو توسن خودراکه باجویدن لجام سیمین پینا با نه کام بر میداشت، محکم بدست گرفته باوضعی بها درانه، روی زین قرار گرفته بود. از عقب او بیکه ها، سرگردگان، اقارب و اعضای منسوب بخاندان سلطان، مقرر بان و مصاحبان حضور و همچنان سواران (زیبای) منسوب بخانواده های بزرگ خراسان که زینت بخش سرای و مایه حشمت و شکوه مجالس ضیافت ویزمهای خسروانه بودند، کلا مهای نفیس گرانبها بر سر، چکمن های ماهوت دربر و کمر بند های گران قیمت بر دور کمر، دسته دسته بر اسپهای شوخ و سرکش قرار گرفته بودند.

دسته ای از قراولان از پی هم دویده تازیانه های خویش را در هوا به حرکت در آوردند و با این وضع، حرکت سلطان را ابلاغ نمودند. آنها راهگذران سوار را از اسپ و مر کب فرود آورده پیاده ها را به دیوارهای دو طرف کوچه می چسباندند. عابرین تاب خود حرکت دهند، ضرب تازیانه را بر سر و دوش خود احساس میکردند سو داگرا نازدگانها بر آمده، دستها را باوقار و متانت روی سینه نهاده، وصول سلطان را انتظار میبردند.

طلاب علم در عقب مدرسه «گوهرشاد بیگم» زیر رواق بلندی دسته بزرگی را تشکیل داده بودند آنها درباره یادگار میرزا که در نواحی استرا با، بخاطر بدست آوردن تاج و تخت، علم عصیان بر افراشته بود، حرف میزدند و راجع به اینکه او کیست، از کدام خانواده است و از چه راهی به تیمور می رسد، بینه اگره میپرداختند و نام شهبازادگان زنده و مرده، نامور و بی نام و نشان را بزبان می آوردند. سلطان نمراد وزین الدین با ایراد لطایف و سخنان هزل آمیز، بعضا همه را غرق در خنده میساختند. درین موقع قراولان حوالی خشمگین تازیانه خود را در هوا

چرخانده بادیده و تخیر از آنجا عبور کرد. زین الدین بصدا یسی نسبتا بلند گفت: هیچکس رانزد خود نکند اشتی. این دو شاخ گاو، اگر خرداشتی دوستان لحظه ای لبها را گزیده خاموش ماندند، اما همینکه قراول بدون درک مفهوم کنایه آمیز شعر از آنجا دور شدند، از لبان بسته آنها موجی از خنده قهقهه برخاست. سلطان نمراد به شانۀ دوست خود زده گفت: (اگر تو وجود نمیداشتی درین زندگی پر از ناملایمات، خنده را کاملا فراموش میردیم.)

همینکه موکب حسین بايقرا - نزدیک شد، تمام طلاب علم دست بر سینه نهاده، بعنوان احترام خم شدند. چون سلطان نمراد سر خود را بالا کرد، موکب از آنجا فاصله گرفته بود. چشمش به نوایی افتاد. نوایی در حالیکه جلو اسپ راملازم در دست گرفته بود، بی اعتنا به اینهمه شکوه و دبدبه، مثل اینکه مانند همیشه

قلیش دستخوش الهام و اندیشه باشد، با خواجه افضل شاعر شیخ مسهبی و کمال الدین حسین گزر گاهی، در یک صف مردان بود. شاعر در برابر طلابی که او را استقبال مینمودند، با چشمانی که نور شادمانی و محبت از آنها میتافت التفات صمیمانه نشان داد.

طلاب در صحن سنگفرش مدرسه داخل گردید، نا پدید شدند. سلطان مراد به حجره درآمد، اما علاقه ای بقیه در صفحه ۵۶





# خه شى بايد و خورواو كوم غذايي مواد زياتره تاسو ته انرژي در كوي؟

محيط دتو دوشي درجه هم داسي تنظيمه شي چه تودوشي ياسرو ته دسانتيگراد ۱۸ درجي په كوته كښي او ۲۷ درجي تودي كه واري، بيا هم دژوندي پاتي كيدو دپاره دتودوشي ۱۶۰۰ لوني كالوري ته اړتيا لري چه بايد هغه دغذا له سوخيدو څخه تايمينه كړي. لويه كالوري دتودوشي هغه اندازه ده چه وكولسي شي ديوه ليترو اوپو دتسو دو خي درجه لوړه بوزي. مگر له دي امله چه انسان تل دكار او فعاليت په حال كښي دي، ددغي اندازه نه زياتي كالوري ته اړتيا لري او البته هر څومره چه دفعاليت اندازه زياته وي، زياتي غذا ته به هم اړتيا ولري. داسي اټكل شويدي چه دهغه چا دپاره چه او يا كيلو گرامه وزن ولري اود ميز ترشا فعاليت سرتو ورسوي ميلا ماموروي، په ۲۴ ساعتو كښي دوه زره څلور سوه كالوري كافي ده دكالوري دغه اندازه دغذايي دري اصلي موادو يعني غوښي(پرو تين، قندي موادو، چودي، قنده، مربي او عسل) او غوړو موادو (حيواني او نباتي غوړو) څخه لاس ته راځي په دي معني چه دهغو له سوزيدو څخه لازمه كالوري لاس ته راځي

ددي دپاره چه وكولاي شو دبدن دپاره د اړتيا وړدغذايي موادو اندازه چه هره غذايي ماده يي منځ ته راوړي لاس ته راوړو بايد دكالوري اندازه مشخصه كړو. يو گرام قندي ماده او يو گرام پرو تين څلور كالوري تودوخه توليدوي، مگر يو گرام غوړ كالوري يعني دهغو له اندازه نه دوه چنده زياته تودوخه توليدوي. له دي امله پوهيداي شو چه ولي غوړ مواد دزيات چاغوالي اغيزه لري .

دسوخيديو به وخت كښي ددغي تودوشي يوه اندازه له منځه ځي او به دي وجه به سلو كښي شل بايدغذا زياته شي ترڅو دكالوري لازمه اندازه لاس ته راشي. بايد وپوهيدل شي چه دغذاگانو ترمنځ بايد مشخص نسبت موجود وي به دي ترتيب چه به سلو كښي ديارلس كالوري له پرو تينو څخه ، به سلو كښي يوويشت له غوړو څخه او به سلو كښي شپيته له قندي موادو څخه تمبه شي . به دي ډول وينو چه د انسان دبدن دتودخي دانرژي دوه دريمه برخه ژوندون

دسلا متيا يوه نښه وه اود غوړو ډوړيو څخه غذا نه پيژندله او په حقيقت كښي يي غذا نه خوړله چه ژوند وكړي بلكه ژوند يي كاډ چه غذا وخوري مگر نن ورځ دتغذيوي ناروغيو په زياتوالي پيژندلو سره، ددغي وضع پته نشته او ځلك له غذا څخه هغه څه غواړي چه ددوي روغتيا ته زيان ونه رسوي اومونډ ددغي علمي څيړني په ترڅ كښي هغه څه چه پوهيدل يي دهرچا دپاره

په پخوا وختو كښي ځلكو دغذا دكثافت سره علاقه نه نه بودله او يوازي كميت ته يي اهميت وركاؤ. چاغوالي دسلامتيا يوه نښه وه اود غوړو ډوړيو څخه يي پرته بله غوره غذا نه پيژندله. مگر نن ورځ د تغذيوي ناروغيو په زياتو پيژندلو سره ددغي وضع پته نشته او ځلك له غذا څخه هغه څه غواړي چه ددوي روغتيا ته زيان ونه رسوي . څيړنو ښودلې ده چه انسان هره ورځ دخپل هريو كيلو گرام وزن دپاره يونيم گرام پروتينو ته اړتيا لري چه بايد نيمه برخه يي له حيواني پروتينو څخه او پاتي نيمه برخه يي نباتي پروتينو څخه لاس ته راوړي .



دښه ژوند شرط دبدن روغتيا او سلامتي ده وروستيو كلو كښي دغذا نقش په روغتيا راوستلو ياد ناروغيو په منځ ته راوړلو كښي ښه ترا څرگندشو او اوسني انسان پوره پوهيدلې دي دي چه دښه ژوند شرط دبدن روغتيا او سلامتي ده او كه څوك نن ورځ په ميالمستيا گانو كښي غذا خوړلو څخه ډډه كوي، دمړښت له امله نه بلكه له دي كبله دي چه پوهيږي مثلا دوينو كلسترول يي زيات دي او بايد پرهيز وكړي . په پخوا وختو كښي ځلك دغذا دكثافت سره علاقه نه نه بودله او كميت ته يي اهميت وركاؤ، چاغوالي

په ښكته او ابتدائي سطح كښي ژوندي موجودات، له مختلفو موادو څخه تغذيي ته اړتيا نه لري، مثلا وايښه يوازي معدني موادو اود هوا كاربونيك گاز ته اړدي او مگروپونه يوازي له قندي څخه تغذيي كوي. زياتره حيوانات كوم شي چه دبدن دپاره يي ضروري دي پخپله جوړوي، مگر انسان چه دمخكي دمخ ډيسر بشپړ موجود دي، دغه قدرت له لاسه وركوي اوزياتو موادو ته اړتيا لري چه بايد له غذاگانو څخه يي لاس ته راوړي. كوم شي چه انسان غذا خوړلو ته مجبوري ، لوړه ده چه په دي وسيله انسان دانرژي د تمبه كولو دپاره لازمه كالوري لاس ته راوړي. لوړه دتښي به شان هم دېشر دلومړنيو غرايزو څخه ده اودغه غريزه هغه مجبوروي چه په غذا پسې وگرځي او لاس ته يي راوړي. په انسان كې غذا خوړل يوازي دبدن په اړتيا پوري اړه نه لري بلكه دحس او عاطفي موضوع هم پكښي لوي نقش لوبوي. دغذا خوند او پوي اشتيا خلاصوي او عاطفي او روحيي مساييل هم وړ باندې زياته اغيزه لري . په



**معدنی مواد :**

ددری گونو غذایی موادو نه علاوه انسان معدنی موادو ته اړتیا لری او له دغو موادو څخه دورخی له پنځه څخه تر دیرش گرامو پوری بدن ته رسپیری چه نیمایی مالگه ده او نوریی له پوتاسیم ، گوگړو فاسفور کلسیم او منیز یوم څخه عبارت دی. سابه له معدنی موادو څخه ډک دی چه دپخیدو په وخت کبسی یی مالگه آزادپیری. باید وویل شی چه (سودیم) دسلولی بهر په مایع کبسی زیات دی او انبول ساتی کلسیم ددهوکو او غابونو په جوړښت کبسی ضروری ده اود وینو په جوړولو کبسی برخه لری اودغه رازدعضلاتو او اعصابو په چارو کبسی مهم نقش لوبوی .

هډوکی دبدن دکلسیم اصلی مخزن دی او په سلو کبسی ۹۹ دبدن کلسیم په هغو کبسی دی او په هغه سړی کبسی چه اویا کیلو وزن و لری، اندازه ۱۰۴ کیلو ده. شیدی هغه مهمه غذایی ماده ده چه زیات کلسیم دبدن په جوړښت کبسی ضروری ده پاتی په ۵۷ مخکی

ویتامینونه دهغو په وسیله بدن ته داخلپیری او ځینی غوړ اسیدونه د بدن دپاره ضروری ده، خونه بنیایی چه دغوړو په اندازه کبسی افراط وشی ځکه چه دچاغوالی اود بدن دانبول دله منځه تسو سبب گرخی په کلی توگه دهغه چا دپاره چه اویا کیلو گرامه وزن و لری دورخی شپږ سوه گرامه غوړ کافی ده چه له دری څخه یوه برخه یی باید حیوانی اودوه نوری برخه یی نباتی غوړی وی. دغوړو موادو اندازه په غذایی موادو کبسی په سلو کبسی ۸۳ پیروی په سلو کبسی ۸۳ دمارگرین غوړی، مستی په سلو کبسی ۱۰۵ بوخ په سلو کبسی پنځه دیرش پیږ په سلو کبسی دیرش نباتی اوزیتون غوړی په سلو کبسی ۹۹ پسته په سلو کبسی شپيته غوړینه لوبیا په سلو کبسی اتلس ده. په دی ډول پوهیدای شو چه دانسان دپاره دورخی ۲۵ گرامه پیر وی (حیوانی غوړی) او څلو ویشتم گرامه نباتی غوړی کافی ده، حال داچه په اوس وخت کبسی زمونږ لگښت له دغی اندازی څخه ډیر زیات دی .

سلو کبسی لس څیگر په سلو کبسی یوویشت خاویار په سلو کبسی شپږ دیرش، دهکیو ژپږ په سلوکی شپاړس اوسپینه یی په سلو کبسی یولس، مستی په سلو کبسی ۳۰۵ ، شیدی په سلو کبسی ۳۰۵، پیږ په سلو کبسی له ۸ څخه تر دیرش پوری اوکب په سلو کبسی له شپاړس څخه تر دیرش پوری پروتین لری. له نباتی پروتینو څخه، غوړه لوبیا په سلوکی پنځه دیرش، لوبیا په سلو کبسی ۷۰۵ نولس، وریجی په سلو کبسی ۱۰۵ او نوری دانی په سلو کبسی ۱۰۵ پروتین لری. نو ځکه انسان باید دورخی ۲۵۰ گرامه غوښی اولبنیات او هکی او ۲۵۰ گرامه لوبیا اونور نباتی پروتینو نه و خوری . باید وویل شی چه په هکیو کبسی موجود پروتین ډیر بشپړ ډول پروتین دی چه دبدن اته ډوله ضروری امینو-اسیدونه پکبسی شته .

**قندی او غوړ مواد :**

دانسان ډیره مهمه غذایی ماده ، قندی مواد دی چه د انسان دپاره ډیره ضروری ده. ددغی مادی اهمیت له دوه پلوه دی یوه دبدن دپاره د ضروری تودوخی دتامین له پلوه او بل داچه دهغو مصرف ددی سبب کیږی چه زیاتو غوړو موادو له سوخیدو څخه مخنیوی وشی . لکه چه وویل شو دهغه چا دپاره چه دمیز ترشا کار کوی ، دورخی دری سوه پنخوس گرامه گلو سیدی مواد لازم دی چه په حساب سره له دغو موادو څخه یی لاس ته راوستلای شو- قند په سلو کبسی ۹۸، مربا په سلو کبسی ۶۰ تر ۷۰ پوری، غسل په سلو کی اتیا، غله په سلو کبسی پنځه اویا، ډوډی په سلو کبسی پنخوس، وچ سابه په سلوکی شپيته او پتاتی په سلو کبسی شل گلو سیدی لری. له دغه امله سړی کولای شی چه دورخی ۷۰۰ گرامه ډوډی یاد گلو سید په حسابولو سره نور مواد و خوری .

دغوړو موادو په باره کبسی ځینی کسان داسی عقیده لری چه باید غوړی له یوه سره له غذا څخه لیری کړی شی. حال دا چه دغه ډول فکر سم نه دی داځکه چه غوړی په بدن کبسی دزهره په ضد اغیزه لری او سربیره به دی لږه اندازه یی زیاته کالوری تولیدوی او له ټولونه مهم ټکی دادی چه په غوړو کبسی محلول

له قندی موادو څخه لاس ته راخی اوانسان دکار اوفعالیت دپاره په لومړی درجه کبسی ډوډی اوغلی دانی ته اړتیا لری. قندی مواد په بدن کبسی (گلیکوزن) په شکل په ځگر او عضلاتو کبسی ذخیره کیږی. وایل کیږی چه انسان دبدن (گلیکوزن) ټوله ذخیره څه ناڅه دری زره کالوری تودوخه تولیدوی چه تقریبا دیوی ورخی دپاره کافی ده او که څوک له یوی ورخی نه زیات وزی پاتی شی بدن خپله اړتیا له خپلی غوړی ذخیری څخه تامینوی نوځکه هغه مامور چه زیات جسمی فعالیت نه لری د ۲۴۰۰ کالوری دلاس ته راوړلو دپاره ۳۵۰ گرامه گلو سید سل گرامه پروتین او اویا گرامه غوړینو موادو ته اړتیا لری. مگر دبدن اړتیا یوازی کالوری ته نه ده یعنی یو انسان نشی کولای چه یوازی ډوډی یا غوړو موادو په خوړلو سره متعادل ژوند ولری، له همدغه امله په غذاکی دتنوع مراعات باید وشی .

انسان غوښو اونورو پروتینی موادو ته اړ دی ځکه چه دبدن نسجونه لهمدغی مادی څخه جوړ شویدی او په دی وجه دهغو دجوړښت او ترمیم دپاره اودغه راز دانتی کور جوړیدو دپاره چه دغونونو په مقابل کبسی ددفاع دپاره لازم دی. باید دورخی یوه اندازه دغه ماده و خوړله شی. باید وویل شی چه ټول پروتینونه یو خاصیت نه لری اود اسید امینو له پلوه یو ډبل سره توپیر لری. د انسان بدن دوه ډوله پروتینو ته اړتیا لری. یوه یی هرډول پروتینی چه په ځینو هغو امینو اسید ونو ماده او بل یی ټاکلی پروتینی ماده پوری اړه لری چه د انسان بدن یی دجوړولو توان نه لری، حال داچه موجودیت یی ضروری ده. څیړنو ښودلی ده چه انسان سره ورخ دخیل هر یوه کیلو گرام وزن دپاره یونیم گرام پروتینو ته اړتیا لری چه باید نیمه برخه یی له حیوانی پروتینو څخه او پاتی نیمه برخه یی له نباتی پروتینو څخه لاس ته راوړی .

له پروتینو څخه ډک مواد په طبیعت کبسی زیات دی. مثلا دپسه غوښه په سلو کبسی اولس دخوسی غوښه په سلو کبسی اتلس، دوری غوښه په سلو کبسی څولس، چرگوړی په سلو کی یوویشت، دغوا اوپسه ماغزه په



انسان غوښو او نور وپرو تیشی موادو ته اړ دی ځکه چه د بدن نسجونه همدغی مادی څخه جوړ شویدی .



کلی ته رانک ددی لپاره وچه د (پتمن) په خپرومانی په زور فکر وکړی او خپل دریغ په روښانه ډول څرگند کاندی .  
 سبا سپاروختی له کوره ووت . په کړندو کی یواځی روان شو . همدلته دی کړندو ته یی کتل سخه رخه ورغله . تر هغه وچه سترگو یی کارکاو له بارنه ډکو او درندو وویی توجه جلبوله له خانه سره یی سوچ کاوه .  
 - (آه چه کن شمیر خواران پدی کړندو کی کاراکوی خو په پای کی دلیوانو کندانو ترینه ډکیری . . اویا په یی شاپ دینتو ته وکتل اوله خانه سره به یی وویل :

- (که ددی هیواددخوار اوسپیرو انسان له پښونه داچارمیخ پندونه وسپول شی له دی شاپودښونه به خانو نو ته چنست جوړی کړی ...)

دسپارون پسته هوا ډیره ښه یی لیکیده . زور ورو دکړندوپه منځ کی روان و له بزگرانو سره به یی خبری کولی او په خواخوږی سره به یی دهغوی خبرونه غوږنیوه ...

همداچه بیرته کلی ته راستون شو یوشمیر ماشومان یی ولیدل چه په خاورو کی لوبی کړی . سخت وپارید له خان سره یی فکر وکړ .

- (آه ! دغوماشومان په خپروملیون هاو خوارواوسپیرو ماشومانو دژوند په بیه ده چه یوه کوچنی ډله ما شومان په وکتونسو او روزنتونو کی سره اوسپین گړشی او لوبی کړی ... او داخواران دولی - بندمرغی - ناروغی اولیستی دخیپوله لاسه په مرگ محکومان دی ...)

اوله همدی تاثراتو سره دخپل کور خوانه روان شو . خو همددا خانانو دکلاخ نه تیریده نودهغوی دیرجوری کلادیوال یی ولید چه یوه زوره چاوده پکی پیدا شویده اودهغی په کتنه موسکی شوه .

دچنگاښ میاشتی وروستی ورشی وی . اودهغی میاشتی وروستی لسیزی په لومړی ورځ وچه (پتمن) خپل لاسی پکس وټاړه او همدلته سبا نازی یی وکړ نوی پلارته مخ واړه . او ورته وی وویل :

- (پلار دعاوا ته کوه ... ژوند په یوه حال نه وی ډیری هسکی آتی لری - مرگ اومړینه لری اوداسی نوروهیله ده چه په هره دوعا کی درپه یادوسم ...)

(سپین) پلارچه یوسپین روی مسری و لدی خبری نه په رقت راغی وی ډول اورنی اوښکی یی په سپینه ډیره تو ی شسوی . (سپین) هم زړه ودرید او مری یی دکه شوه مور یی هم یوگودته ولاړه وه - هغه هم په ژواشوه . (سپین) ته یی پلارترشده دوعا وکړه اویا هغه کوزشو چه دپلارپښی ونیسی . خو پلاری یی نښود او په تندی یی ښکل کړ . دمور پښونه ورپښت شو دهغی پښی یی مخ کړی بیای دخیلو خوندواو خیلو ورو نو هغونه ښکل کړل . پلارته یی وویل :

- (بیاهم پښته درنه غواړم پلاره ! موری ! ماوینسی ... هبله کوم ماوینسی اودوعا رانه وکړی )

هغوی ډول اودوعاوی یی ورته کولی او پدی توگه یی له ټولوشخه خدای پامانی وکړه . اوهمدلته له کلی نه لږشه لری شو نوی خپل ترپورته چه ورسره راغلی و وویل :

- (شمینکبه) ته خو یوه پیری چه ژمون ترمیرغونه پیل شوی دی موږ په پراشوت کی له الوتکی نه خانونه اچو او اودامون ډیر سخت ترمیرغونه دی وویل کیری نه مرگ اومړینه شته په همدی لنډوورشوکی ښارته راشه وروله مسی واره دی او اکاری هم یو دواشوی ... که شه پښه په ماباندی وشي چه بیانه یوخو خبروی . دتربوری هم مری دکه شوه .. خودا دینته یی ورکړه او ورته یی وویل :

- (خدای دی نکری (سپینه) داته له سپاره راهسی دمرگ اومړینی خبری کوی ... خدای لوی دی .)

- (ویل کیری له وروړه ژوند شه اعتبار

نلری ... اویا په خندا شو او (شمینکی) په داسی حال کی چه ډاډورکاوه - ډاکاربه ورکړی خدای پامانی یی ورسره وکړه اوسپین موثرته وخت په داسی حال کی چه ټوله لاره یی د خپل ملگری (پتمن) خبره له نظره نه لری کیده له اوپه همدی خورونکو سوچونو سره ښار ته ورسید . ښار خپل همیشنی نظم درلود . هماغه گڼه کوبه وه هبغ نه وه پکی بدل شوی - سخه نودوخو وه ... همدلته خپلی کوټسی ته ورسیدنو (خوک) هرکلی ورته وویل او دواړه ملگری دکلی په کیسو لگیاه شول .

۱۵  
 هغه سهار (سپین) دهری ورشی په شان له (خوک) نه خدای پامانی وکړه او ورته وی وویل :

- (زه نولایم اندیواله . ته خوین ته وشی ؟)

(خوک) خواب ورکړ :  
 - (نه ... زه نن بیاهم شم اودخپل کار پوښتنه کوم ... نه پوهیږم چه غولری موکه رښتیا هم کاراکوی .. یوخبر خو آخلم ... بیا بیرته کوی ته راشم ښایی چه نن مسی ایا هم راشی ...)

ورنه ووت اوشاوخوانه یی نظروغی او سپایان کنه پورته تلل اورانلل خونووخوک یی شکمن برنظره ورته غلغل . بیرته راغی اوله (پتمن) سره کیناست ورته وی کتل . یوه له معنی سخه ډکه کتنه (پتمن) موسکی و . (سپین) دکت دپاسه یو کاغذ سویښ شوی و . دنمونو لست و کاغذته یی وکتل دخپل تندی خوله یی پاکه کړه اویای (سپین) ته وویل :

- (نن شپه نوکړی یی )  
 - (لکه چه وینی ا هوکی نن شپه مسی وار دی ا)

اوپتمن وویل :  
 - (له شپه مرغه ... تولی دی چمتودی .)  
 (سپین) له معنی نه په ډک اندازکی ورته وکتل :

- (هرخه برابری دی .)  
 هغوی غلی وترشده پوری اواخر (پتمن) له شایه پورته شو . دستختی تودوخی نه ژوزه یی خیل په خولولوند خبشرت کمیس خ واره دپکی په دود وخنده . آخری یی یخ شو . او سپین ته یی وویل :

- (ماژدیگر دی بیاهم وینم ښایی دشپس شوخو واره سره ووینو ...)

خوادپخوانتل .  
 یوپریدگی راغی ورورو یی دلندی شیبی له پاره شه ورته وویل اویا ولاړ . (سپین) خبله خوله واخسته اوله قشلی سخه ووت ... ورو وروښارته نژدی شو . په ښارکی دماژدیگر اومابنم ترمنځه خاص گڼه کوبه وه . ښار خپل همیشنی نظم درلود . دهری ورشی په شان هماغه حال و . دموترو نه پر یکیدونکی او پرله پسې تگ اورانگ ښاری وه ... هغه ورو د کافی له ووه نه تیرشو اویاس په زینو کی وخت . هماغه ورننوت نوی (پتمن) ولیدچه له یوه بل ملگری سره چه (سپین) دلومړی خل له پاره لیده هلته ناست وه دواړوملکی دریشی گانی په شانونو کی وی .

دهغوی خوانه کیناست غلی وه . له یوه به هم غرنخوت . پوری هندی سنوری دکافی په قضاة کی انگازه کوله دکافی شاگردانو زوزه جوړه کړی وه اوچایونه وچه هاشوادپخوا یی وپل په همدی وخت کی (پتمن) وروسترگو له خنگ نه خپل ملگری ته وکتل . هغه هم (سپین) ته اودری وایوبول ته . او (پتمن) ورو (سپین) په غورکی شه وویل سپین ورو تکرار کړه :

# د انقلاب

- (انقلاب ا)  
 اوموسکی شو .  
 دشپس عمومی نوم انقلاب ټاکل شوی و . دهغی شیبی نوم چه په خپلی توری او پوله ویری اوحادثونه ډکی کیدی کی یی یومستر بدلون روژه ...

سپین خبله چنک نسبه گڼله تپل و دشپس جنازه ووتله

او نیمه کړی وروسته هغوی له کافی سخه راگوز شول وروستی سپارښتنی یی یو بل ته سره وکړی او هر یو چه خبله منه روان شو .

نولس بجی وی چه (سپین) بیرته قشلی ته ستون شو . سبا یانو تو لو ډډی موږی وخوړه او کاغو شو ته ولاړل .

(سپین) په ژورو سو جو نو کی ډوب دتولی په دایره کی ناست و . سخت پاریدلی اوهیجانی و . هره دقیقه دیوه کال په شان یی تیرید له . دهغه فکر هغه متر هدف ته متوجه و چه نن شپه باید ترسره شوی وای هغه هدف چه د یوولس دسر نوشت دبهر مخه یی بیخی بلی خواسته او بوله په قشلی باندی درندی چوپتیا وژرونه خپره کړی وهغه همداسی ناست و اوپه خپلو ناپایه چو تووکی ډوب و . هماغه برید کی چه ماژدیگر ئی هغه احوال راوړی وه راغی موسکی وار یوه تو ته کاغذچه دخبیرت راویور پری لیکلی شوی ودهغه مخی ته کړشود (سپین) هم موسکی شو په پته خوله یی خندل

داکسه چه سرله همدی گڼی سخه یی خپریدل پیل کیری ، دژاوه نظام دتنگیدواو دیوه نوی دوران دجوړیدو نیم روڼ تصویر دی ، هغه ولس ته چه له موخیرستانه هشی سره وړاندی کیری چه نن سپایی دویار او انفخار پر لیمه چندیه رسیری او رپیری ، او بیا هم هغه ولس ته وړاندی کیری چه دانقلاب مشر اوسر غندولی یی دژوند او پریو نوو نوو افقونو ته لاریښونه کوی ، او بالاخر دجمهوری انقلاب مشر ته وړاندی کیری ، هغه چاته چه دهیلو سپین گلادیی ژمونز دولس په زړه کی وکړل .

الف ، الف ، الف  
 یادونه: پدی کیسی کی ټولی صحتی اونومونه دلیکوال دخيال محصول دی .

او (سپین) له کوی سخه ووت خوشدازده چه ولری یی په ډیره تودوخه خدای پامانی ترینه وکړه په ژورو چورنو کسی ډوب تر خپلی قشلی پوری ورسید . همدلته دخشلی له ورته تیریده هری ورشی په شان ټک شو اوپیره دازسلامی ووهله . (سپین) لاس پورته کړ دخپلی خولی ترپیکه یی ورساوه اوسلام یی واخیست اولیمه کړی وروسته یی ټولی دتعلیم له پاره میدان ته بوت ..

ټکنده غرغه وه چه سپین ټولی بیرته له ډگرته راوست سپایان ددوی خوراک له پاره لاړل اوهغه هم خپلی کوی ته راغی . یوه شپه په خپلی بختی باندی اوپه غزید . په سترگو باندی یی دخوب لښکر یرغل وروزی وچه دوره غرنوخبله خولی یی په مخ باندی ایښی وه خوله یی لری کړه اومترگی یی په (پتمن) باندی ولگیدلی . ژرپاشید او روغی یی ورسره وکړ همدلته (پتمن) په کت باندی کیناست لو (سپین) له شایه پاشیدله

له خپلی کوی نه ووت . پرته له (سپینه) یووه نورمهتصیداران دخشلی په انگر کی هسا



اوپرید کی ته یی وول :

(سپین)

اوپریدکی چه په خو نو کی لوند خشت  
وه ورته وویل :

(تر اوسه خو بیخی خبریت دی )  
(عجب خبریت دی)

اوبیا ئی دمیونی خیر کرښی بیرته چدی شوی  
خپل غټ سرنی چه دکوپی وینشان یی نوی  
شوی وپه لاسونو کی ونیو اوبیا په سوچ کی  
دوب شو . خپلی کړی ته یی وکتل ۲۱ پی پی وی  
وی پریدکی ته یی وکتل اوبیا یی ورو څه ورته  
وویل هغه پورته شو . دواړه پنیس یی سره  
وکتولی سلام یی وکړ و د تولی له دایری نه  
وکتولی سلام یی وکړ و د تولی له دایری نه  
دوتایچه کړی یی خپل سرد خوکی په پستی  
باندی لگولی و . او هندا سی خوب وهی وسخو  
همدا چه دوره ترک شو نو بیرته یی سترگی  
پرانستلی پرید کی مخی ته ولاړ و .

پرید کی که خبری نه یی هیڅ نه موه لوستلی  
درویی هغه ته وویل :

(سپین) بیاهم خپل سر په خوکی ولگاوه  
وچه خپلی کړی ته یی وکتل نو پوره خلونیت  
بجی وی .

په هندی وخت که (پتمن) راپیدا شو  
هماغه ملگری ور سره وچه مازدیگی یی په

د (۱۵) دقیقو په اوږدو کی پایی ته ورسیده  
اودهغه میونی او غر خنی تولی ولیدیدسه  
خوشییبی وروسته یی له (پتمن) څخه وروستی  
سپارښتی وای ریدلی او په خپله مخه روان  
شو . دښار په زوره چوپتیا کښی ډوب و . که  
څه هم دیونیم مو تر په تیریدو په دلنوی  
شیبی له پاره دا چو پتیا مانه شوه هرڅه

دتر وړمی په زړه کی خوندی او غلی وو .  
تولو افرادو په لاسو توکی لټه کی توپکوته  
وو او هغوی په ډیره زړه ورتیاداسی حال  
کی چه سخت پاریدلی او هیجانی و دخیل  
هغه پتیاو خفتل . ستر و او ښکل و دانیو  
په توره تر وړمی کی قدونه ایستلی وو . او  
دغو غر خنیو خلمیانو چه خپل سرورنه دخپل  
ولس دسر نوشت داپولو لپاره په لاسونو کی  
نیولی وه ددغو ښکلو ودانیو ددیوالو نوښه  
سوری کی حرکت کاوه اومخ په وړاندی  
خو خپدل .

(سپین) یواشی دوه دقیقې وخت وموند  
او خپلو افرادو ته یی دا وروستی بولی ورکړ .  
پرته زما له امره دهیجا امر دمننی او  
آجرا وړندی زه مو لو مرنی امر یم . هرڅه

هغه له بزدلی او ویری نه ډک غر و اود  
هغه چاله مری نه اوریدل کیده چه باید  
چگری په میدان کی یی دیرغل او پرید بولی  
ور کړی وای !

نوشییبی بیا هم چو پتیاوه (سپین) پمیر  
خیر سره وضعه خارله .  
هغه وک چه باید دوی نیولی وای ورک  
وو . داسی ښکاریده چه دکور هستو گنی  
تول مړه شوی وی . دمرگ چوپتیا خبره وه .  
افرادو یی دبریشنا سو چونه لگولی وو . مانی  
په رڼا کی ډوبه وه . خو دهغی دهستو گتوڅه  
پته لکیده . . په هندی وخت کی چوپس  
چو پتیا خپل ځای یو غریو ته ور کړی . . .

هغه غر او غوراته چه (سپین) غوږ په اواز  
اومتظرو دښار په زړه کی هلمته چه کلونه  
دخلکو سر نوشت ټاکل کیده او هلمته چه د  
برجلونو گتنی یی دخلکو زړونه رپړدولی وو

پولادوزمی موجود - یو قهرمان ټانک په  
غوریدو وو . دی غر (سپین) په زړه کښی  
دهیلی او امید زړی وکړل . مو سکبی شواو  
روانه وه . په یوه حرکت سره یی ځان له  
دیواله نه ها خوا - ورخواوه . پرید کی لاولاړو  
او ورپسی دوه درېو تکره افرادو ځانونه

# خبازه ووتله

.....

لیدلی کته درښوده می . . .

پرید کی چه ولیدل له بودا څخه څه نه

بوتیبری توپنه روان شو . خوشییبی وروسته

(سپین) هغه موجود مخکی کړی وچه چیغی

ناری او سوری یی وهلی هغه بزدل او ډارن

مو چود چه گمان کیده دچگری په ډگر باندی

په دهبواد دساتنی پخاطر دچگری بولی ور

کوی . . . یوچک او پند سوری په داسی حال

کی چه دخوب کوټ یی په ځان کی و اوله

بنيان څخه یی غټ تود وازدو او غوږیو په

ستیدلی سمندر کی ښکاریده . چو جوری یی

له ویری نه پریده اود شټ گونځی یی سر کوږ

شوده . . . هغه سخت وایریدلی و . (سپین)

خپل لندکی توپک دهغی شاته لمبر کړی و

دسوری پنیس ایله پنیس وینی شوی وی او

لاسونه یی پورته نیولی وه پرله پسسی

غلرونه اوسنوتاتی کول . . . خود سپایانو

چرت یی خراب نه و (سپین) دیوزډه وړ -

قوماندان په څیر بولی ورکولی . خپل افراد

افراد وروستی ځل لپاره په خپلو وظیفویوه

کړل . اوبیا یی خپل پنه غنیمت په موتر کی

کښییاوه چه دلوی سرنو شت خواته یی یوڅی

هلمته چه ترهغه وروسته به دایقلابی محکم

هلمته چه ترهغه وروسته به دایقلابی محکم

حکم ته سترگی په لاری وی اود خپل لکس

وچندان غشی به هره شیبه خوری .

دښار په زړه کی هغه قهرمان ټانک هغه

پولادین موجود لاهما غسی غوریده اود هرود

ښار چو پتایی دابد لپاره ور ماته کړی وه . .

هو داچه (سپین) خپل غنیمت دمقصود

دپلور ټپوه تویی یو وار پام شو هلمته دوات

په خواکی هغه قهرمان ټانک ولاړ وه او چه

دوی ورسیدل نو هغه خپل تاریخی گوزارد

شپس په زړه کی داستیاد په زړه باندی وکړ

اودهغی ماننی زړه یی سوری کړ چه خلک

سپین په تیاره کی موسکی شو اوبیا

یی له کتو نه وپریدل . . .

یی موتر تر هغو چه کیدای شو چنک وویشت

دښار له هری خواته ډزی اوریدلی کیدی هغه

سپین خپله چنک تسمه کسه تړلی و

هسکه مانی وه وروته او کړکی یی تولی

چه زه وایم هغه به تر سره کوی .

او سپایان په خپلو وظیفو باندی ځای

په ځای کړی شول . . . (سپین) زړه بیا

هم توپکی وهلی یوه سوری خوله یی په تندی

دخدای پار دی . . .



کافی کی لیدلی ددواړ ملکی ددیشی گانی

په ځانو نو کی وی .

خو شیبی سره وپریدل اوبیاسپین پداسی

حال کی چه سخت هیجانی او را پاریدلی و

له ځایه پاڅیده سترگی . یی سری اوبیتی

وی . خپله خوله یی په یی په سر کړه دخپلی

مو زوتسسی یی وتری او دتولی له دایری یی

په وتلو کی پرید کی ته وویل :

(ته له ما سره راشه)

دواړو دشبس په تبه تیاره او چوپه چوپتیا

کی دسلاح کوټ خواته مخه کړه . . .

سپین خپله چنک تسمه کلکه تړلی وه .

هری خواته یی دهوسی په شان تو پکی وهلی

اوپه خبه مری یی بولی ور کولی .

هله زړ شی . . شاپس . . دتولی کاتب

څه شو . ور غر کړه . ژرژد . . . نور څه شول

تا شو ښار جوړه واخیستل ورشه . تیار

یاست ؟

اوپرید کی دهغه هر بولی تر سره کول

اوهر امر یی مانه . تر شو هغو چه تولو ته یی

له سلاح کوټ څخه وسله وویشله . . اوچه

وروستی سپارښتنی یی خپلو افرادو ته وکړی

بیایی د لیردولو بولی ور کړه .

عملیات پیل شوی وو . دشبس عموسی

نوم انقلاب و . دسپین ژنگونه رپړیدل او زړه

یی په چنکی سره تو پکی وهلی . تول کارونه



بر فراز قله شامخ تندوکش هندو کش

# بیرق جمهوری

کوهنوردان :

## توقع داریم که یکی از قله بی نام هندو کش بنام ۲۶ سرطان مسما گردد

### در بلندترین نقطه کوه تفاوت درجه حرارت میان شب و روز (۶۰) درجه بود



در موقع برافراشته شدن بیرق جمهوری ما باد شدیدی میوزید

بود چنین به سخن آغاز کرد:

حیات ۲۴ نفری کوهنوردان کشور چکوسلواکیا افتخار دارند که در او این جشن جمهوری افغانستان با مردم کشور دوست خویش در سرود و شادمانی شریک و پلان کوهنوردی را که پنج سال قبل طرح شده بود در معرض تطبیق قرار دادیم.

این گروه کوهنوردان در اکثر کشور های جهان و در کوه های مشهور جهان به این عمل مبادرت ورزیده و آنها را موفقانه فتح کرده اند فتح قله شامخ تندوکش که از نظر ارتفاع در جهان بدرجه سوم قرار دارد و یکی از مشهور ترین کوه های جهان بشمار میرود و تقریباً همه او را می شناسند از آرزوهای دیرین ما بود که با این فتح امروز خود را موفق تراز بیشتر می بیندیم .

پلانی را که ما پنج سال قبل به طرح آن آغاز نموده بودیم درین سفر بدون آنکه کدام سنگینی در پلان وارد و یا خطری متوجه ما

چیره شریک آنها معلوم میشد که اشخاص ورزیده و جهان دیده ای هستند زیرا هیچ اثر ماندگی و کسالت سفر طولانی و پر مشقت در سیمای شان به نظر نمی آمد .

رئیس هیات کوهنوردان در آغاز سخن از مهمان نوازی و همکاری های مردم و موسسات که با آنها در راه برآورده شدن اهداف شان انجام داده بودند تشکر نموده و به معرفی اعضای هیات پرداخت که به تعقیب آن یکتن از اعضای هیات که تخصص در کوهنوردی

چندی قبل کوهنوردان کشور دوست ما چکوسلواکیا بغاطر بردگذاشت اولین سالگرد جمهوری درین خطه باستانی و بمنظور اشتراک در شادی با مردم ما پروگرامی را که سالها قبل طرح آن رویدست گرفته شده بود به منصفه اجرا گذاشتند و با برافراشته شدن تندوکش که از جمله معروفترین کوه های جهان است گذاشتند و در نخستین لحظات فتح یکی از قله آن بنام نوشاخ بیرق دولت جمهوری افغانستان را با سمبول زیبایش که کعبه آریانای کهن را نمیشد می کشد به احتزاز درآوردند ، البته این قله شامخ که در دل آسیا افتاده است گاهیگاهی از طرف کوهنوردان کشور های دیگر هم مورد دلچسپی و علاقمندی قرار گرفته است ولی اینبار مثل سالهای گذشته نبود بلکه از راه های بدان صعود بعمل آمد که تا امروز هیچیک از ساکنان روی زمین را قدرت دست یافتن به آن نبود. از همه مهمتر اینکه از همان راه های صعب العبور را همیابی آغاز ، پلان منظمی تطبیق و خوشبختانه هیچ آفتی به کوهنوردان نرسیده که البته این موفقیت کوهنوردان کشور دوست ما از هر جهت قابل ستایش و درخور تمجید و یادآور است.

این گروه کوهنوردان قبل از ۲۶ سرطان وارد کابل شده و بعد از توقف مختصری در کابل بصوب ماموریت خویش که عبارت از فتح قله « نوشاخ » بود گردیدند .

که بعد از انجام و کسب موفقیت دوباره بکابل عودت نموده ضمن کنفرانس مطبوعاتی که در تالار محمود طرزی کلوب مطبوعات منعقد گردیده بود این خبر خوش را با همه نکات تازه و دلچسپ به اطلاع خبر نگاران رسانیدند که اینک متن کنفرانس مطبوعاتی آنها را خدمت خوانندگان ارجمند و بدون تقدیم میداریم

هنوز چند لحظه ساعت سه بعد از ظهر باقی مانده بود که عده از کوهنوردان داخل تالار محمود طرزی گردیدند در میان آنها یک نفر افغان بصفت ترجمان اشتراک داشت از



کوهنوردان به سوالات هریک از خبرنگاران پاسخ میدادند



نوشته: بلیکا

# ما به احتر از در آمد

## بلندترین قله ای که درین سفر فتح شد ۷۴۹۲ متر ارتفاع دارد

## صعود بر دیوار عمودی به ارتفاع دو کیلومتر مشکلمترین قسمت سفر کوهنوردان را تشکیل میداد



مسافرت های مشهور دسته جمعی این هیات عبارت از کوه های هوکارپ در افریقا، الپ، راروپا و ففقاژ و قلعه (سنگ پرست) واقع در همالیا که ۸۱۲۵ متر ارتفاع دارد در آسیا میباشد.

نامفتم نهاد که ما در بسیاری از کوهها به مسافرت های پرداخته ایم ولی زیبایی هندوکش را هرگز ندیده و نشنیده بودیم روی همین علت باوجود آنکه پروگرام درنو شاخ ملی قسب طرح شده بود بازهم در حدود یک ساعت را آنانیکه به قله آن رفته بودند سیری کردند و با تماشای زیبایی های طبیعت در آن جا گذشتانند.

ما در سفر نوشاخ با مشکلاتیکه همیشه کوهنوردان با آن مواجه میباشند روبرو شدیم مثلا در بعضی حصص بخاطر موجودیت باد شدید در راه رسیدن ما به قله نوشاخ مشکلاتی خلق میشد که با تامل با آن مبارزه کرده و راه خود را تعقیب می کردیم با آنهم اگر در همان روز اخیریکه به قله نزدیک شده بودیم اگر تندباد شدیدیکه تا ظهر جریان داشت

کاهش بخود اختیار نمی کرد ممکن بود پروگرام ما یک یا دو روز به تأخیر افتد. زیرا

باد در آن روز آنقدر شدید بود که مفاصله (۷۰۰) متر را در هفت ساعت پیمودیم

اما با آنهم پروگرام را آنطور یکه پلان بود مورد تطبیق قرار دادیم اگر چه مامورد یک زلزله شدید قرار گرفتیم که صد فیصد خطر جانی از آن موجود بود زیرا ما به چشم خویش

می دیدیم که سنگ های سیار عظیم که هر کدام هزار ها تن وزن داشتند ویا توله های بیخ را که صدها متر متعب جسامت داشتند

درین زلزله از بدنه های کوه جدا شده و سرازیر می شدند. ما که کمپ های خویش را در یک محل مناسب نصب کرده بودیم از گزند آن در امان ماندیم.

کوهنوردان اضافه کردند: در قلعه «نوشاخ» ده سال قبل نیزه ای از کوهنوردان جاپانی رفته بودند همانطوریکه گفته شد.

بیرق افغانستان را بشاغلی یوزیف الویز - پس ساعت ۳ روز (۱۵) اگست مطابق ۲۵ اسد در قله نوشاخ طوری به احتزاز درآورد که دو چوب سکی را با هم بسته و بسیرق را

فتح قله دیگر که در نقشه بنام (رخ دراز) یاد شده و (۵۷۹۰) متر ارتفاع دارد و پنجمین سفر هیات را تشکیل میدهد که در آن صرفه دو تن ازین هیات بالا شدند.

کوه بنام دیگری در نزدیکی قله خارپشتنگ نیز توسط هیات فتح گردید و آخرین قله را که مادران راه یا تقسیم قله «گوتل جنوبی» بود که (۶۰۰۰) متر ارتفاع دارد در مورد طرز کار این هیات یکتا دیگر ازین هیات چنین گفت: اولین کمپ در ارتفاع (۴۴۰۰) متر و بعدا تا قله «نوشاخ» سه کمپ دیگر ترتیب شد که بین کمپ ها درامبر رسانیدن مواد مورد احتیاج کمک می کردند که اگر بصورت درست محاسبه گردد درین سفر مجموعا (۲۰۰) نفر با هم دیگر همکاری مشترک داشتند.

گردیده باشد کاملا مورد تطبیق قرار گرفت. دیدن «نوشاخ» یا بلندترین قله هندوکش دارای ۷۴۹۲ متر ارتفاع است از آرزو های دیرین ما بود که خوشبختانه به فتوح موفق شدیم و (۹) نفر از اعضای این هیات موفق گردیدند به بلندترین قسمت آن قسم گذارند و بیرق های افغانستان و جکوسلوواکی را در آن به احتزاز در آوردند البته بخاطر موجودیت باد شدیدی آنرا واپس با خود آوردند.

دومین قله که ما به فتح آن موفقیت حاصل کردیم قله «گنبد سفید» بود که دارای (۶۸۰۰) متر ارتفاع است که ۴ نفر ما به بلندترین نقطه آن خود را رسانیدند.

گنبد سفید بخاطر ارتفاعیکه دارد مورد توجه نیست زیرا ممکن است کوهنوردان دیگری نیز به آن راه یافته باشند ولی نکته را که باید از آن یاد آور شود اینست که این کوه دارای دیواری به ارتفاع دو کیلومتر است که درست مثل دیوار سنگی عمودا قرار دارنما میخواستیم به راهی روییم که دیگران را قدرت رفتن به آن نباشد همان بود که ما صعود برین دیوار را برگزیدیم به آن اقدام کردیم که مشکلمترین سفر ما حتی اگر بگوئیم که مشکلمترین قسمت کوهنوردی را در جهان شاید احتوا کند به قله «گنبد سفید» راه خود را دنبال کردیم و به آن رسیدیم این قسمت کوه هندوکش را همه می شناسند و مثل خود هندوکش بر همه کوهنوردان معلوم است ولی تا امروز هیچیک جرات نکرده که این راه را تعقیب نمایند. زیرا صعود برین دیوار بزرگ انرژی کافی و نیروی کامل جسمی بکار دارد.



کوهنوردان در هر نقطه هندوکش می نشستند و زیبایی های طبیعت را که در دامان این کوه موجود است از نزدیک تماشا میکردند.

سومین قله که درین سفر موفقانه به آن رسیدیم قله «اسب سفید» است که (۶۶۰۰) متر ارتفاع دارد که دو تن از ما درین قله بالا شدند چهارمین قله که ما موفقانه بالا شدیم به آن شدیم عبارت از قله «خارپشتنگ» است که (۵۷۰۰) متر ارتفاع دارد که ۴ تن به آن قله رسیدند یکتا از افغانهاستیکه به حیث ترجمان با کوهنوردان همراه بود نیز درین قله با کوهنوردان یکجا با لاشه و بیرق افغانستان را در آن جا به احتزاز در آوردند.

قله دیگری که در نقشه تنها از ارتفاع آن تذکر رفته که (۵۷۰۰) متر است نیز مورد کوهپیمایی این هیات قرار گرفت چون در نقشه کدام نام مشخص از آن موجود نیست امیدواریم بعد ازین آنرا بنام ۲۶ سرطان یاد نمائید و مامتوقع هستیم که اسبرسمی آن از طرف دولت افغانستان به این نام یاد شود شماره ۲۶ و ۲۵

بعدا عده ای از خبر نگاران بشمول نگارنده بسوالانی در اطراف چگونگی مسافرت این هیات طرح نمودند که ما بدون تذکر نام خبرنگاران محترم تنها به توضیحات هیات اکتفا و به شرح آن می پردازیم

هندوکش اولین کوهی نیست که این هیات به آن راه یافته باشد بلکه عده هم در میان رفتای ما موجود است که هیچ کوهی درجهان نخواهد بود که مورد کوهنوردی آنها قرار نگرفته باشد.

خاطرات «...» به گفته یکتا از کوهنوردان هرگز فراموش شان نخواهد شد.

برافضا برافراشت. آب و هوای این کوه ها تقریبا (۶۰) درجه ووزویش باهم فرق داشت که شب تا ۴۰- و روزش تا (۲۰+) درجه سانتی گریت میرسید.

مجموع فاصله از اولین کمپ الی قله نوشاخ در ظرف پنج روز طی گردید و قله «اسب سفید» در ظرف ۲۸ ساعت طی شد.

بلندتر اصلا حیات موجود نبود. در آخر هر یک از کوهنوردان در حالیکه از مهمان نوازی مردم افغانستان و همکاری موسسات مختلفه و از خبرنگاران تشکر می کردند خدا حافظی کرده و تالار راترک دادند.



# يك جنایت بزرگ و



سلو یستر سکو تنیک به روز ۷ جولای به سرعت ۸۰ کیلومتر در ساعت از يك ناحیه پر کند و مرتفع واقع در ناحیه واخاواتریش موتر می راند، درست به قسمی که برایش تفهیم شده بود. در کنار دستش قربانی بی خبر از جهان یوهان بوخمایر تاجر ۶۷ ساله اهل کریم نشسته بود.

این مسافرت فرمایشی و جنایت کارانه مطابق يك نقشه قبلی عملی میشد و در نتیجه یوهان بوخمایر کشته شد. راننده در حالیکه جراحات شدیدی بر داشت، ازین حادثه جان به سلامت بردواز مرگ نجات یافت. سلو یستر سکو تنیک نه تنها از او امر دوست و پسر خانه اش آرتور زیم بورگر اطاعت کرد و در نتیجه مرتکب جنایت شد، بلکه زندگی خود را هم درین قمار به بازی گرفت و نزدیک بود خودش هم از زندگی محروم گردد عامل این جنایت زیم بورگر بود و غالباً پیش خود اینچنین تصور کرده بود که حادثه سقوط موتر در ناحیه کوه زاپرگ باعث مرگ دو نفر خواهد شد او حتم داشت که درین تصادم هر دو نفری که سوار موتر هستند، خواهند ماند تا راز این جنایت را بر ملا سازد. به این حساب راه تصاحب تقریباً نیم میلیون شلنگ پول بیمه برای زیم بورگر به تنها می هموار میشد.

درست مبلغ ۵۰۰۰۰۰ شلینگ پول بیمه یوهان بوخمایر، کسیکه زیم بورگر را بصفت یگانه وارث قانونی خود معرفی کرده، نسبت به او بخشایش بزرگی را روا داشته بود، برای زیم بورگر می رسید. زیم بورگر برای تصاحب همین مبلغ پول، پسر خاله اش را تطمیع کرد که پس از انجام خدمت، حاضر است يك عراده موتر سپو رتی برای او بخرد.

اما طوریکه زیم بورگر حساب کرده بود این نقشه ما هرانه تطمیع نشد، و در عوض بچیب زدن پول بیمه حیات، خود شرا بحکم توطئه چینی و کشیدن نقشه شیطانسی

دوستش خواهش کرد که برایش کار کند و سلو یستر سکو تنیک به خدمتش در آمد.

سر انجام دوستش امر کرد که آدم بکشد و سلو یستر سکو تنیک به يك قاتل و جانی تبدیل شد



باوصف آنکه به دست های زیم بورگر دستبند زده اند، باز هم او سعی مینماید در برابر اعضای محکمه و عکاس پوز بگیرد و میخواهد با ارائه يك چنین حرکت توجه خبرنگاران و مطبوعات را به نفع خود بر گرداند. یوهان بوخمایر دوست خوب و همبربان زیم بورگر زندگیش را بیمه کرده و صلاحیت اخذ بیمه زنده می گشایم به زیم بورگر رسماً منتقل ساخته بود.

ما برای اینکه زیم بورگر زود تر به پول بیمه دوستش دست یابد در صدد طرح نقشه قتل بوخمایر به شیوه طینت باری می بر آید.

این دختر که در پایگاه شهود قرار گرفته در برابر سوال رئیس محکمه که می پرسد: آیا واقعا تمایل به ازدواج با زیم بورگر دارد می گوید: آری من تصمیم دارم با او ازدواج کنم پیغله الفریده لانسن لیشنر نامزد زیم بورگر بوده ضمناً سخت شیفته درشتی بند و بازوی ورزشی او می باشد اما يك روز پس ازین اعتراف از گفته خود پشیمان می شود و نامزدی اش را با زیم بورگر بر هم می زند.

برای کشتن دوستش به حبس ابد محکوم کردند. زیم بورگر به جرم تطمیع و محتر يك یکنفر به قتل یکنفر دیگر و تطمیع يك عمل جنایت آمیز از طرف محکمه محکوم به حبس ابد گردید و قاتل که آلت دست زیم بورگر قرار گرفته بود، ۱۲ سال زندانی شد. اعترافات قاتل باعث آن شد تا تخفیفی در تعیین جزایش قایل بشوند. اما آرتور زیم بورگر دروغ میگفت و حقه بازی مینمود. عامل اصلی و انگیزه طرح این



# حیدسی ابد



ابتدا این شارلا تان در صدد اغوای شوهر سابق همسرش شده می‌خواهد او را بوظیفه را نندگی موتر جنایت بگمارد. اما بعد ها تغییر عقیده داده، سلو یستر سکو تنیک و این پسر یو گو سلاوی را مامور اجرای این نقشه شیطانیه نموده به امر او گردن مینهد. وقتی از توزیم بر گر چند روز پیش بقیه در صفحه ۶۱

خانواده اش حیات خود را بسیمه میکند و سر انجام در یک حادثه ترا فیکه در موتر خودش جان می‌دهد. وقتی از توزیم بورگر، دوستش یوهان بوخمایر را تشویق میکند تا او را بصفت یگانه وارث خودمعر فی بدارد و یک بیمه حیات برای خودش منعقد سازد، از همان وقت در صدد طرح این نقشه شیطانیه می‌برآید.

نقشه شیطانیه همانا یک نمایش تلویزیونی بنام (مسا فر معانه گر) تلقی گردید. ارتور هیلمر انسر خود را به صورت درامه ای نوشت و بتاریخ ۱۵ می ۱۹۶۸ روی پرده تیلو یزیونی بنام (مسافر معانه گر) تلقی گردید. او تور میلر انسر نمایش تلو یزیونی ازین قرار بود که یکی از نمایندگان متوجه میشود در حال افلاس است، لهندا به نفع

هلکا هولاکتو که سه سال همسر قانونی زیم بورگر بود، شوهرش را شدیداً متهم به توطئه قتل ساخت و از زبان او شهادت داد که چندین بار گفته بود میخواهد موضوع نمایش تلویزیونی بنام (مرگ مسافر معامله گر) را خودش عملاً تجربه کند.



یوهان بوخمایر ۶۷ ساله که به اثر سقوط موتر در یک پرتگاه کشته شد وزیم بورگر درصدد بود تا نیم میلیون پول بیمه اش را تصاحب کند.

صفحه ۲۵



این تصویر از محاکمه یوهان بوخمایر در مورد زیم بورگر است. در این تصویر، یوهان بوخمایر در حال خواندن سند است. او در محاکمه خود را متهم به قتل زیم بورگر دانست. در این تصویر، یوهان بوخمایر در حال خواندن سند است. او در محاکمه خود را متهم به قتل زیم بورگر دانست.

نمایی از محکمه هنگام قرا است حکم صادره در مورد زیم بورگر.



# فورد در دو مین هفته ریاست

## و متیقن به

مانند رئیس جمهور ترو من و رئیس جمهور لنکلن روی میز خود  
برایم فوری را که چطور زخم های کشور را التیام بخشیدیم. اراده  
دارم تا این کار را بکنم.

باشد بحیث امر اداره کار آزمودگان  
مقرر کرده است. مدعوین و استقبال  
کنندگان در قرائت بیانیه فورد  
وقتیکه وی اعلام نمود که «غوی بدون  
قیدو شرط آنها بیکه بصورت غیر  
قانونی از خدمت عسکری سر باز  
زده اند و یا از خدمت عسکری فراز  
نموده اند یک عمل نادرست و غلط  
است».

هلهله و شادی نموده کف زدند  
اما وقتیکه فورد گفت که وی از  
آنها بیکه از خدمت نظامی در جنگ  
ویتنام، فرار نموده اند خواهش میکند  
تا در صورت تیکه خواسته باشند  
به وطن خود باز گردند، نظا میان  
کهنه کار تکان خورده بزمین خاموش  
می نشستند وی وعده داد که در تانک  
عدالت کوشش میکند که وزن  
ریاست جمهوری را در پله ملائمت  
بگذارد. ولی علاوه کرد که «غفو  
انتقام را رد میکند».

فورد تو ضیح نکرد که بر ملائمت و  
مهربانی چه شرائطی را میخواهند.  
درین موضوع وی بعد از ارائه راپوری  
که از طرف خارنوال عمومی ویلم-  
ساکس بی وزیر دفاع جیمز شلنجر  
در اول سپتمبر بوی سپرده میشود  
تصمیم میگیرد.

اما چنان معلوم میشود که وی  
غالباً در بهای غفو طالب کدام نوع  
خدمت عامه می گردد. به یقین کسی  
انمیداند که به چه تعداد مردم از  
این ناحیه متأثر خواهند شد. فورد  
تعداد عمومی سر باز زدگان و  
فراریان نظامی را ۵۰۰۰۰ نفر  
وانمود کرد این رقم شاید به  
احصائیه های متکی باشد که از  
طرف حکومت امریکا در مورد این  
نوع نظامیان داده شده است. قرار  
این احصائیه ۴۴۰۰ نفر از خدمت  
به بهانه حيله سر باز زده اند و  
۸۹۰۰ نفر متمم به نقض قانون  
خدمت انتخابی می باشند.

اکثریت آنها تیکه با مکلفیت  
ژوندون

پس از انجام آبیازی در حوض  
الکز اندریه روز دو شنبه به قصر  
سفید داخل شدند رئیس جمهور  
فورد به هفته خسته کننده خود آغاز  
کرد.

وی توسط یک طیاره نظامی به  
شیکاگو پرواز کرد. بهاییه خطاب  
به کهنه کاران و کار آزمودگان  
جنگ های خارجی امریکا ایراد نماید.  
این اولین مسافرت فورد بود که  
پس از احراز ریاست جمهوری  
صورت گرفت.

وی و خانمش بتی در میدان هوایی  
نظامی او هیر شکاگو با این اطلاعی  
مضحک که از خلا لود سبیکر های  
میدان هوایی بگوش هارسید استقبال  
شدند.

خانم هاو آقایان  
رئیس جمهور ایالات متحده امریکا  
و خانم نکسن.

در امتداد جاده شمالی مشیکان  
فورد با انبوهی از مردم با اشتیاق  
و ولع استقبال گردید رئیس  
جمهور در داخل موتور سر باز لموزین  
ایستاده بود و دست های خود را به  
طرف استقبال کنندگان مانند یک  
فاتح و یک برنده شور میداد در نقطه  
وی بسوی جمعیت مردم غوطه ور شد  
و با ایشان دست داد. این موقع  
دختران جوان وی را بوسیدند و  
دست بموهای سرش کشیدند یگانه  
اعلامیه و نشانها گفت صداهای ملی  
بود که از طرف چندین هزار امریکائی  
یونانی نژاد بگوش میر سید آنها در  
گراند پارک با متداد سرکی که به  
کونراد هلتن هتل منتهی میشود  
علیه سیاست امریکا در مقابل قبرس  
مظاهره می کردند لهذا هدف اجتماعی  
مظاهره چیان هنری کیسنجر وزیر  
خارجة امریکا بود نه فورد. در یکی  
از لوابح مظاهره چیان این مظا لبه  
رانموده بودند «فورد کیسنجر را عزل  
کن».

در داخل هتل به تعداد ۴۷۵۰  
نفر از کار آزمودگان جنگ های  
خارجی از این اعلام رئیس جمهور  
فورد بگرمی استقبال کردند که وی  
ریچارد رودیش یکی از قوماندان های  
سابق کار آزمودگان جنگ های  
خارجی را که از ایالت اند یانا می

صورت گرفت تا وی تصویر یک  
رئیس جمهور ویا رئیس قوه اجرائیه  
را تبارز دهد که بکلی اقتدار را در  
دست دارد. با این فعالیت ها وی  
خواست هر نوع شك و تردیدی را که  
مردم نسبت به او بعنوان یک رئیس  
جمهور جدید وبدون امتحان، و

با این کلمات رئیس جمهور فورد  
هفته گذشته تعهد خود را برای  
اعاده حسن وحدت ملی، و تائید  
اهداف ملی یکبار دیگر تائید کرد.  
فورد در دومین هفته ریاست  
جمهوری خود قدم وسیعی به پیش  
برداشت. وی نلسن را کفیلر رئیس



جرالد فورد رئیس جمهور جدید ایالات متحده امریکا

جانشین ریچارد نکسن، داشتند  
از بین ببرد. مانند فعالیت های  
رئیس جمهور لیندن جانسن که بعد  
از قتل کتیدی فقید انجام داد، فورد  
هم در صدآ ن بر آمد تا اعتماد و  
اطمینان مردم را کمائی کند و حمایت  
هر دو حزب یعنی جمهور یخواهان  
و دیموکرات ها را جلب کند. وی  
در واقع این کار را با یقین و اطمینان  
انجام داد. سناتور ادوارد کتیدی که  
متعلق به حزب دیموکرات است  
در باره روز های اول دوره ریاست  
جمهور فورد باری چنین گفت: حیالی  
خوبست. فکر نمیکنم که وی لحظه  
پرا یگان را از دست داده باشد.  
بعد از اینکه اعضای قامیل فورد

گورنر سابق نیو یارک را بحیث  
معاون رئیس جمهور نامزد کرد و  
اتخاذ یک سیاست ملایم را در مورد  
جنگ ویتنام اعلام داشت.

او واضح ساخت که برای احراز  
ریاست جمهوری در انتخابات ۱۹۶۷  
مبارزه خواهد کرد. وی از اوایل  
صبح تا ناوقت شب در دفتر خود  
مشغول کار گشت و قوانین را توشیح  
کرد.

بیانیه هائی دایر و اعلامیه هائی را  
بدست نشر سپرد. با یک تعداد زیاد  
مردم در قصر سفید و در (کپیتول هل)  
ملاقات نمود.  
این فعالیت ها اصلا برای این



# تجمع‌های خود مطمئن

## نظر میخورد

مردم طبقات مختلف آمریکا را به قصر سفید دعوت نمود. وی به نظریات شانزده عضو سیا هیوست کانگرس گوش و - بایشان اطمینان داد که تقلیل - مصارفات حکومت صرف متوجه پروگرام های بهبود اجتماعی نه خواهد بود. بعد وی برای اینکه این عزم و نیت خود را ثابت کرده باشد دو مصوبه قانونی مسایل داخلی را امضاء نمود.

یکی از این دو مصوبه به حکومت صلاحیت میدهد که مبلغ ۹ و ۱۱ بلیون دلار را برای کسایکه دارای عاید کم میباشد خانه بسازد. مصوبه ۵ و ۵ می ۲۵۴ بلیون دلار را به مسکاتپ ابتدایی و ثانوی مساعدت می نماید. وی گفت اگر اشتباه نکرده باشم این اولین کمک عالی فدرالی است که باین حجم، مصوبه آن از طرف یک رئیس جمهور برای معارف کشور به امضاء رسیده است.

رئیس جمهور فورد همچنین یک مصوبه قانونی دیگر را با امضاء رسانید که با اساس آن شو را می مضارف زندگی که وظیفه آن - بر رسی مردها و قیمت ها میباشد احیاء گردید.

در دوران هفته، فورد یک قدم فورد با بعضی از زنان بانفوذ و سرا بقیه در صفحه ۶۱

کرد مگر باین نکته اشاره نکرد که را کیفیلر درین مبارزه شرکت خواهد داشت. اعلامیه فورد برای شرکت درانتخابات ۱۹۷۶ نقض صریح از عنعنه سیاسی آمریکا بشمار می رود زیرا بصورت عنعنوی روسای جمهوری آمریکا معمولاً انتظار پرده اند و اراده خود را تا سال مبارزات انتخاباتی آشکار نکرده اند. یکی از یاوران نزدیک به رئیس جمهور درین مورد گفت غرایز تقلیدی فورد را به تقلید از رئیس جمهور ترومن و رئیس جمهور جانسن که هر دو ریاست جمهوری را بمراث گرفتند و آنرا از آن خود ساختند گشاید. فورد شاید هم خواسته باشد تا به محافظه کار حزب جمهور یخواه که بعضی از آنها صرفاً کیفیلر را بحیث معاون رئیس جمهور تحمیل می کنند، اطمینان دهد که وی اراده در انتخابات ۱۹۷۶ برای احراز ریاست جمهوری مبارزه خواهد کرد.

بهر حال، قدر مسلم اینست که اعلامیه فورد درین مورد، هر نوع ضعفی را که شاید وی بحیث یک رئیس جمهور در معاملات با کانگرس و حزب جمهور یخواه میداشت از بین برده است.

در دوران هفته، فورد یک قدم فورد با بعضی از زنان بانفوذ و سرا

آنها در عمل بکار برید. روز دیگر زعمای مجلسین عوام و سنا و اعضای کابینه و خبر نگاران در دفتر (اووال) جمع شدند تا اعلام نامزدی معاون ریاست جمهوری نکسن را کیفیلر را از زبان فورد بشنوند. رئیس جمهور پیش از اینکه کیفیلر را بحیث معاون ریاست جمهوری نامزد و آنرا اعلام نماید با مراکز و حلقه های سیاسی تماس گرفته و خود شخصاً جورج بشس معاون حزب جمهور یخواه دونالد رمزفیلد سفیر کبیر آمریکا در پیمان ناتو، را از موضوع اطلاع داده و به ریچارد نکسن رئیس جمهور سابق در سان کلینت، و به زعمای کانگرس تلیفون کرده و آنها را از تصمیم خود مطلع ساخت.

بساعت ۱۰:۴۰ قبل از ظهر فورد و کیفیلر به اطاق معینه در حالیکه دست های هر دو بکمر یکدیگر قرار داشت داخل شدند. رئیس جمهور نامزد معاون ریاست جمهور را معرفی نموده و گفت: (این نامزدی مشکل برای یک کار مشکل بود) تشریفات معرفی را کیفیلر نسبت به تشریفات معرفی فورد از طرف نکسن بحیث معاون رئیس جمهور که در (اتاق شرقی) صورت گرفت به سویه پائین تری برگزار شد. انتخاب را کیفیلر بحیث نامزد معاون رئیس جمهور آمریکا این پیش گوئی را بمیان آورد که فورد در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۷۶ آمریکا مبارزه کرده و کیفیلر رفیق مبارز وی خواهد بود.

عوض اینکه وی راجع به آینده خود چیزی نگوید فورد توسط سکرتر مطبوعاتی خود جی - اف اورست این موضوع را روشن ساخت که غالباً در انتخابات ۱۹۷۶ احراز چوکی ریاست جمهوری مبارزه خواهد

عسکری مقاومت نموده و از خدمت عسکری فرار نموده اند طی مصاحبه با نماینده تایم هفته گذشته گفتند که هر نوع فیصله را که کمتر از عفو بلاقید و شرط باشد قبول نخواهند کرد. آنها توضیح نمودند که غیر از عفو بلاقید و شرط هر فیصله دیگری که در مورد شان به عمل آید یک عمل غلط خواهد بود. اداره نظا میان کهنه کار جنگ های خارجی، یک موقف تهاست سخت را علیه تغییری که فورد در سیاست حکومت خود در برابر این موضوع وارد آورد اتخاذ نموده است. یکروز بعد از ایراد بیانیه فورد، اداره مذکور فیصله را اتخاذ و در آن مخالفت خود را علیه هر نوع عفو آنها بیکه از جنگ کردن در ویتنام سر باز زده اند اعلام نمود. چین باز گشت به واشنگتن فورد در حالیکه پیراهن آستین کوتاهی بپوش داشت و نگارشی اش باز بود.

در میدان هوایی نظامی در برابر خبر نگاران قرار گرفته و بایشان توضیح کرد که چرا وی سیاست خود را در برابر این موضوع تغییر داده است.

وی گفت فکر وی درین مورد اصلاً از نظریات اطفالش و از نظریات رفیق نزدیکش ملوین لیرد ویر دفاع سابق آمریکا که سعی غیر موفقانه نمود تا نکسن را مجبور سازد موقف سخت خود را در برابر این موضوع تغییر دهد تشکیل یافته است گذشته از این فورد باین نتیجه رسید که تعهدات وی برای التیام زخم های کشور مستلزم اتخاذ یک طریق تازه می باشد. وی چنین توضیح داد «شما نمیتوانید از التیام سخن گویند مگر اینکه بمعنی عمو می آن



جرالد فورد با راک کیفیلر نا مزد کرسی معاون ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا



# روزنه‌ای بسوی تاریخها

## یادداشت از: لیلا - تنظیم از: دیدبان

صورتش از حالتی به حالت دیگر بر میگردد، درست مثل اینکه عمری روی سن تیاتر گذارنده باشد و در بازی نقشهای گونه گون مهارت و استادی داشته باشد.

من در برابر محسن خان در برابر این دلقک، این بازی گر کثیف که هر لحظه رنگ عوض میکند و هر لحظه چهره تازه بخود میکشید در مانده شده ام. میخواهم حرفی بزنم، نمیتوانم. میخواهم از برابرش بگریزم، نمیتوانم. زنجیرزشت کاری های او مرا نیز پدام کشیده است و دست و پایم را بسته است. پا بیحالی خودم را روی تخت می اندازم و میگویم:

- بلی! خوب شد برای هیچکدام اتفاقی نیفتاد.

بعد چشم در چشمش میدوزم: - چطور شد که امروز سراغ من آمدی.

با تعجب ساکت میگویم:

- چطور شد؟ آمدم خبرت را بگیرم گذشته از آن تو باید به پول احتیاج داشته باشی من مدتی است...

از جایم نیم خیز میشوم:

- بی جهت زحمت کشیدی، من به هیچ چیز احتیاج ندارم. پول هم بقدر کافی دارم.

- پول .... مجالش نمیدهم:

- لازم نیست قیافه بگیری بدون شك از همه چیز خبر داری. آقای (ص) صبح آن شب ۲۵۰۰ افغانی بمن داد.

رنگش از سپیدی به سرخی میگراید و میگوید:

- آقای (ص) پول داد ۱۱۹

- بلی! صدایش به فریادی شبیه میشود:

- و تو هم آنرا گرفتی ۱۱۹ بابیقیدی چنانکه اینکار حرفه ام باشد، میگویم:

- البته چرا بگیرم؟

نمانده بود که ... محسن خان چنان قهقهه میزند که من از حرف زدن باز مینماید. پا انگشتا نشن روی شانه ام فشار می آورد و میگوید:

- آقای (ص) این موضوع را به من گفت، گفت که چیزی نمانده بود کار به رسوایی بکشد. اما خوب، بلایی بود و بخیر گذشت.

من خو شحالم از اینکه آقای (ص) کارش به رسوایی نکشید، آن هم رسوایی خانوادگی. منظورم را که میفهمی! آقای (ص) خانم حسود و حساس و بد دهنی دارد.

دست محسن خان را از روی شانه ام دور میکنم و میگویم:

- خو شحالی تو بیشتر از این است که آقای (ص) گرفتار درد سرو ناراحتی نشد و اگر مصیبتی دامنگیر من میشد برای تو اهمیتی نداشت؟ محسن خان مثل اینکه تازه متوجه حرف خودش شده باشد، با عجله می خندد، خنده زورکی و با عجله میگوید:

چرا! چرا! پای تو هم در میان بود و من از جهت تو هم ناراحت می شدم. اما آقای (ص) در چنین مواردی تجارب فراوان دارد. مطمئنا نمیکنداشت کار بجای های باریکی بکشد. در هر حال خوشحالم که برای هیچکدام اتفاق بدی نیفتاد.

من همانطور که ایستاده ام، یک لحظه صورت محسن خان را از نظر دور میدارم، می بینم که این مرد، مردیکه در اولین بر خورد، قیافه پدران خودش گرفته بود، چگونگی تغییر حالت میدهد و چگونگی خطوط

امروز چهار شنبه است، وقتی روز بیایان برسد، محسن خان پیش از ۹ روز است که سراغ من نیامده است و خبری از من نگرفته است. اما روز بیایان نمیرسد و ساعت سه بعد از ظهر است که صدای زنگک در حویلی صدا میکند و متعاقب آن محسن خان وارد میشود. از روی تخت که دراز کشیده ام بلند میشوم از پشت شیشه محسن خان را می بینم که لبخندی چاک دهنش را باز کرده است و با قدمهای سنگین و مطمئن بطرف ساختمان می آید. محسن خان چنان شادمان و بخیال به نظر میآید که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است و او هرگز مرا دو دستی تقدیم آقای (ص) نکرده است.

وقتی محسن خان ضربه بسدر میزند و وارد اتاق میشود، بطرفم می رود، خنده طولانی و پر صدایی می کند و در حالیکه مرا میان بازو هایش می فشارد، میگوید:

- لیلا! تو چه دختر نازنینی هستی یک پارچه جواهری، وقتی آدم ترا دارد، مثل اینست که همه چیز دارد.

بعد صدایش را پائین میآورد و شمرده میگوید:

- بلی، مثل اینست که همه چیز دارد.

ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو وانش بیرون میآیم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی .... تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم

ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو وانش بیرون میآیم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی .... تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم

ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو وانش بیرون میآیم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی .... تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم

ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو وانش بیرون میآیم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی .... تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم

ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو وانش بیرون میآیم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی .... تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم





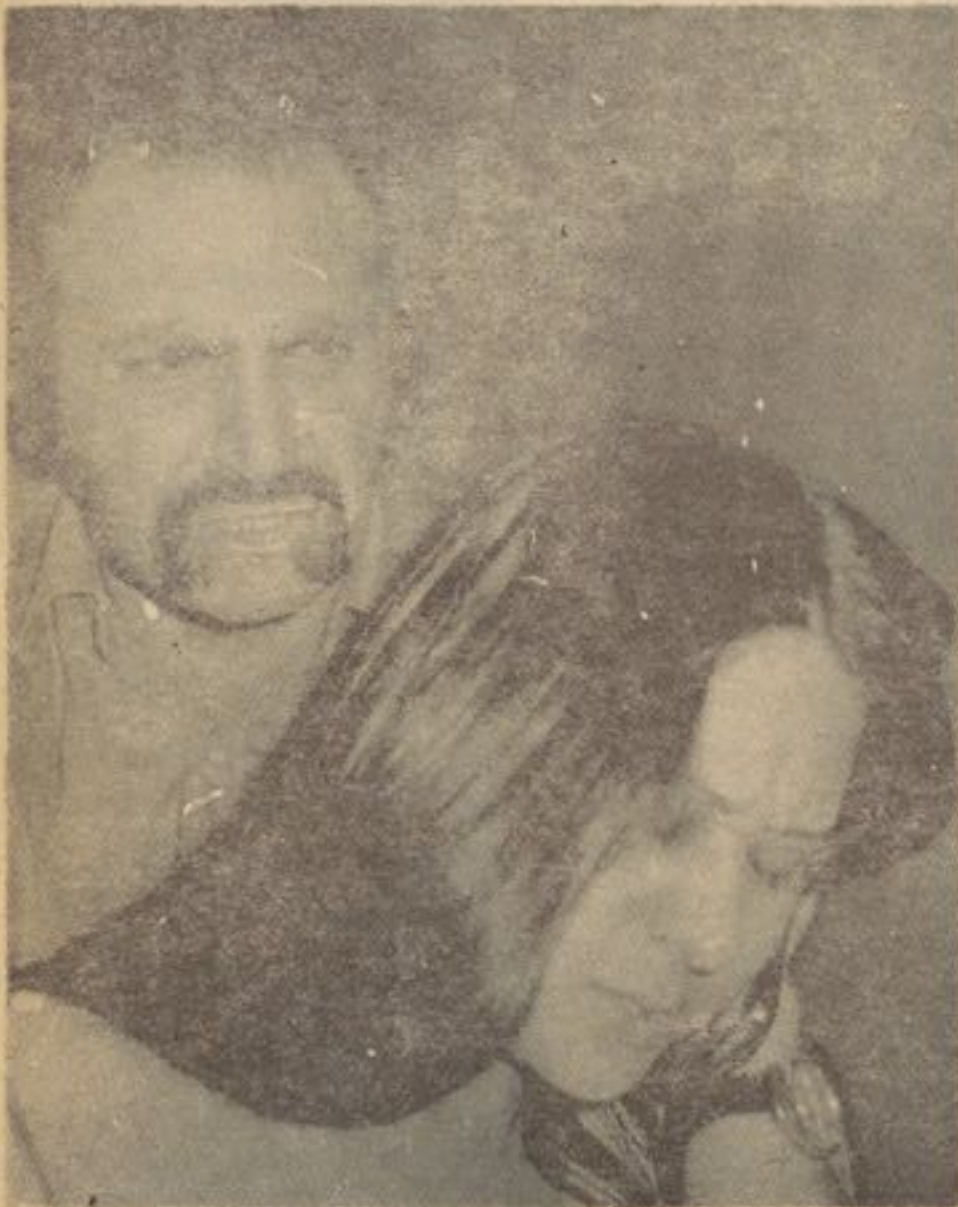


# ده مندان خارسان

## دومین اثر « تنسی و ویلیامز » روی

### ستیز تیا تر

مرکز فرهنگی امریکا به سلسله فعالیت های فرهنگی اش این روزها سخت مصروف ساختن یکی از آثار بسیار پر ارزش « تنسی ویلیامز » نمایشنامه نویس پر آوازه امریکا است بنام (تابستان و دود) تابستان و دود دومین اثر تنسی است که از اعماق اجتماع و از درد های گوناگون جوانان گفتگو دارد. صدها درد ناگفته جوانان، عقده های روانی حسارت ها، خشم عصبانیت، احساس حقارت و غیره در این نمایشنامه انعکاس یافته. تنسی ویلیامز خوش دارد که اکثر های را در نمایشنامه های خویش انتخاب کند که بازگوگر شخصیت های مریض باشد. تمهایی و انزواگزیینی جوانان که درامه های او را میسازد. تابستان و دود دومین اثر تنسی است که در کابل روی سن میاید. بازیچه های شیشه اولین نمایشنامه او بود که به گرمی استقبال شد.



## گلشن یک چهره تازه هنری



میر من گلشن خواننده جوان و خوش آواز که تازه همکاری اش را با امریت موسیقی آغاز نموده است اولین آهنگش را به همکاری امریت موسیقی از طریق رادیو افغانستان برای شنونده ها و هنر دوستان پیشکش نمود.

آوازش چون نسیم لطیف است و گیرا و به دلها چنگ میزند. گرچه تازه میسراید ولی آواز رسا و دلکش دارد آوازش شبها هست زیاد به میرمن قمر گل دارد.

خودش میگوید: از آواز خوانان زن قمر گل را دوست دارم. وقتی از نزدیک او را دیدم و در باره هنرش پرسیدم. محجوبانه چادرش را بروی کشید و با لبخند خترانه گفت پشتو صحبت کنید! و من از او خواستم که نخستین آهنگش را « به تور سترگوز کومه گزار نو او آشنه »

## سوفیا لورن بار یچار د برتن

حتما از دیدن سوفیا با برتن بدین گونه تعجب خواهید کرد... ظاهرا برتن کلمات عاشقانه ای را در گوش سوفیا زمزمه میکند و کلمات چنان لطیف و موثر است که سوفیا را سخت تحت تاثیر قرار داده است. به عکس نگاه کنید سوفیا با پیخودی و علاقمندی فراوان مشتاقانه به سخنان ریچارد برتن گوش فرا داده است. خوب خوانندگان عزیز اگر قبول کنیم این دو عاشق هم شده اند. تحکیف کار لورن و نتیشوهر سوفیا با دو طفلش چه خواهد کرد والیزابت تایار همسر ریچارد برتن درین میانه چه بر خور دی خواهد داشت؟ شما هر چه می - خواهید فکر کنید. ولی واقعیت اینست که قرار است در همین نزدیکی ها سوفیا با برتن فیلمی تهیه کند و انگیزه نزدیک شدن آنها هم همین موضوع است. ولی خدا عاقبت کار را بخیر کند. کسی میتواند پیش بینی کند که آنها در جریان ساختن فلم عاشق هم نشوند؟





# ونوس

بود زیبا بسان چشمه نور  
 بکر صاف و نیمه عریانش  
 ناب بار نگاه تنز نداشت  
 از لطافت جباب پستانش

پیش او زانوی نیاز زدم  
 کفتم: ای خالک بات تاج روس  
 با چنین بکر خیال انگیز!  
 زام ناک تو هست ۲۰۰۰؟  
 کفت: ونوس

بکر صاف و نیمه عریانش  
 بود زیبا بسان چشمه نور  
 اسناده کنار استخری  
 میدرخسند چون بطور زودور

کاکل فد. بعد کشیده او  
 برورده آب رامی ماند  
 زلف افتاده دور دور رخس  
 سناه افتاب رامی ماند

از سرود های جاودانی ناگور

# من و تو

باتکاهی خیره ترا می نکرد  
 در همچون آسمان وسیع بلند  
 و من چگونه دریای بیکران، پستم  
 نوآرامش جاودانی داری  
 و من بیقرار لایزال  
 باین حال، در افق دور، خیلی دور  
 باید دیگر پیوسته ایم

سب و روز از خود بر مسازی:  
 فکر و اندیشه ام را  
 و من در تنهایی

خارج از این جهان به پیشواز تومی آیم  
 نازندگی و مرگم را بدست خود گیری  
 قلبم چون آفتاب نگاه

# روستای ما

به روستای ما بیا  
 به روستای ما  
 سخن زمزمی و دودی است  
 و خاطرات مرده نشین

(به سبب کتار آتش اجاق)  
 لیلای سب از غمروای های خاطرات دور

هنوز هم  
 ستاره های از قدیم  
 و اشک های غیبی کرده جانماز ما  
 دوست های ملتس  
 بر آستان قدس  
 و آستان عشق

به روستای ما بیا  
 ندیمی



خند ترانه از سیف فرغانی شاعر قرن هفتم

# درد صبر

عسفت که بدل گرفته ام چون جانش  
 در دست و به صبر می کنم درمانش  
 وز غایت عزت که خیالت دارد  
 در خانه جسم کرده ام پنهانش

# ترا می خواهند

درد مندان غم عشق دوا می خواهند  
 بامد آمده اند از تو ترا می خواهند  
 روز وصل تو که عید است و منش قربانم  
 هر سحر چون شب قدرش بدعا می خواهند

# جوش غم

سب نیست که از غمت دلم جوش نکرد  
 از بهر تراز هر اندوهی نوش نکرد.  
 ای جان جهان هیچ نیامردی یاد...  
 آنرا که ترا هیچ فراموش نکرد

م. کریم «شیون»

# آتش بی دود

گفتی که شب آیم تو نیانی ز چه روزود  
 از سینه کشم در غمت آهی شمر آلود  
 باز یسجّه مینداز تو عشقم که بزرگ است  
 دادم بتو هر آنچه که در سینه من بود  
 چشمان تو آتش به و جودم ز دو خوش سوخت  
 سوزم همه شب شمع صفت ز آتش بی دود  
 صد شیشه تهی گشت که ترک تو توان کرد  
 نی نی نتوان کرد توئی کعبه مقصود  
 گفتی که شبی زود به پیش تو بیا یم  
 قربان شو مت دیسر بیا نی تو اگر زرد  
 تو تاج گلی نیستی یک برگ تراز گل  
 گلپسای جهان پیش رخت برگ گلی

شیون یکنم تا که بگوش تو رسد بسا ز  
 این ناله جانسوز که افسانه دل بود

# آه های پائیز من

ای نگاهت هر زمان جویای من  
 ای امید زندگی در چشم تو  
 ای که شیرینست ناز و خشم تو  
 ای نگاه تو امید زندگی  
 زندگانی بی تو باشد بندگی  
 من بهارم آه، ای پائیز من  
 می پذیری هدیه ناپائیز من؟

ای چراغ روشن شب های من  
 ای تسلی غم و تب های من  
 ای همیشه در پی غمخویم  
 ای پرستار شب بیماریم  
 ای ز تو شیرین همیشه خواب من  
 ای تو خوردشید و مه و مهتاب من  
 ای همیشه در سرت رویای من

# اشک تمنا

جو زاله از رخ و زلفت کلاب می ریزد  
 لبان بوسه نوازت بخنده باز گشای  
 از صف آهوی چشمان و نظر گیسویت  
 چه مستی هست که چشمان نیمه مغمورت  
 چه لعبتی؟ که ز رویای بوس و اغوش  
 غریب اشک تمنا بخواب می ریزد

ز آتش نگیست آفتاب می ریزد  
 که از تبسم لعنت شراب می ریزد  
 جو ناله از سختم مشک ناب می ریزد  
 ز دیده ناز و مؤمان عتاب می ریزد





بخش دوم

صاحب آبار تمان اظهار داشت: به درون اتاق بیایید. در خانه شما کسی نیست که دروازه را باز می کرد. حتی همان کرایه نشین سابق شما که يك اتاق تان را به کرایه گرفته بود، هم بیرون از منزل بوده.

ب- نگاهش بز زمین دوخته سکوت اختیار کرد.

خاتم شما از طرف روز بالا ی کار می رود و پسر تان کیور کا هم در مکتب درس میخواند لطفاً از دهن دروازه به درون تشریف بیاورید. او تنها بعد از عصر می آید.

ب- پرسید: کرایه نشین ماهنوز هم اینجا زندگی میکند.

- او انسان نهایت خوبی هست. همسر تان از او رضایت دارد. ای خداوند بزرگ! شما واقعا بخانه و منزلتان بیش همسر و پسر خود برگشته اید؟

صاحب اپارتمان پس از ادای این کلمات لختی به قیافه ب خیره مانده اظهار داشت: من يك کلید اپارتمان شما را دارم اگر خواسته باشید، می توانید بالا بروید و تا وقتی همسر تان بر گردد، استراحت کنید.

دودانه کلید بيك میخ آویزان بود خانم مالك اپار تمان يکي از کلید ها را بر داشته از اتاق بیرون رفت و دروازه را از عقبش بسته نگاهي به سوی ب افکند و گفت از دنبال من بالا بیایید و استراحت کنید.

زن صاحب اپارتمان پرسید: به دنبال چه کسی میگردید؟

ب گفت: من ب هستم. همسر من هنوز اینجا زندگی میکند؟

خانم اظهار داشت: ای خداوند بزرگ!

ب نگاهش را به زمین دوخته سوالش را تکرار کرد: همسر من هنوز اینجا زندگی میکند؟

خانم حرفهایش را دو باره زد ای خداوند بزرگ! شما بخانه برگشته اید؟

ب پاسخ داد: بلی همسر من هنوز اینجا زندگی میکند؟

خانم زنجیر دروازه را رها کرده در چوکات دروازه تکیه داد و پرسید: پس شما حقیقتاً به منزل برگشته اید؟ ای خداوند بزرگ! طبیعاً همسر شما همینجا هست. او هم مثل من خبر ندارد که شما به منزل برگشته اید؟ ای قادر متعال! طبیعاً او همینجا زندگی میکند.

ب سوال کرد: و پسر من زنده هست؟

خانم در حالیکه پریشانی خاطر برا میفهمید، جواب داد: آری پسرت کاملاً صحت و سر حال هست. هیچ شکایت و کمبودی ندارد. پسر هوشیار، مقبول و جوان سالمندی بار آمده است. ای خداوند بزرگ! ب سکوت کرده بود.

خانم با صدای مرتعشی تقاضا کرد: منتظر چه هستید. چرا به درون نمی آید، لطفاً داخل شوید من میدانستم که شما گناهی ندارید میدانستم که يك روزی بالا خواه نزدیک همسر و پسر تان بر می گردید.

ب پرسید: اما هیچکس دروازه منزل را برویم باز نکرد. اگر چه سه مرتبه زنگ را فشار دادم.

صاحب اپارتمان اظهار داشت: بیایید به درون! در خانه شما کسی

نیست که دروازه را کسی بزد کند ب به زمین چشم دوخته با تردد پرسید، شما هم با من می آید.

خانم پاسخ داد: البته که می آیم. من اتاقی را بشما نشان میدهم که همسر تان در آن زندگی میکند.

ب پرسید: در کدام اتاق سکونت دارد.

خانم مالك اپار تمان در جواب ب گفتید: شما میفهمید که در اپار- تمان خود با کرایه نشین تان که چهار نفر هستند، یکجا زندگی می کنید.

همسر تان به رضا و رغبت خود دو اتاق را در اختیار کرایه نشین گذاشته خود و پسر تان کیور کا به اتاق پیشخدمت زندگی میکند. اما تشناب و مطبخ مشترك است.

ب حرفی نزد.

زن پرسید: چه تصمیمی دارید. بالا می روید یا صبر میکنید تا همسر تان از کار بر گردد. اگر میل داشته باشید، می توانید در اتاق من به روی کوچ دراز بکشید و قدری استراحت کنید تا همسر تان از راه برسد.

ب پرسید: مطبخ و تشناب مشترك است بلی؟

خانم مالك اپارتمان اظهار داشت. بلی. البته که مشترك استفاده می کنند.

ب سر انجام سرش را بالا نگه داشته بچهره آنزن خیره شده و پرسید: پس منم حق دارم برای غسل و تمیز کردن سرو جانم از تشناب استفاده کنم.

خانم در حالیکه می خندید جواب داد: البته که اجازه دارید.

بعنوان کمک از بازوی ب گرفته حرفهایش را تکرار کرد: شما البته حق دارید و هم چرا باید نداشته باشید. اپارتمان هنوز به شما هم تعلق دارد مطبخ و تشناب هم همان طوریکه عرض کردم بین تان مشترك می باشد. من حاضرم تشناب را برای شما گرم کنم. يك مقدار چوب سوخت داریم که از سال گذشته باقی مانده است. اما تصور میکنم کرایه نشین وقتی از منزل بیرون می رود، تشناب را قفل میکند.

ب سکوت کرد و مجدداً متوجه زمین شد.

خانم صاحب اپارتمان پرسید: چه تصمیمی دارید. بالا میروید یا بروید یا اینکه نزد ما میمانید و داخل اتاق میشوید.

آخر از دهان دروازه بجنبید. من در آشپزخانه کار دارم و نمیخواهم مزاحم شما شوم. شما می توانید به آرامی روی کوچ دراز بکشید.

و اگر میل به خوابیدن داشته باشید، بی دغدغه بخوابید.

ب با اظهار همتان از صاحب اپارتمان علاوه کرد می خواهم بالا بروم

کلکین اتاق پیشخدمت متعاطفانه معمول مهندسی روبه سمت شمال





باز میشد. در مقابل کلکین یک درخت گیلان کهنسال قد بر افراشته ، در سمت چپ قلعه بلند و سیاه کوه اگر معلوم میشد ، در سایه درخت گیلان تاریکی سبز رنگی اتاق را فرا گرفته بود. همینکه ب تنها ماند و تنفسش حالت عادی را به خود اختیار نمود ، متوجه رایحه عطر آگین و مخصوص همسرش در فضای اتاق شد. کنار کلکین نشسته ، نفس عمیق گرفت و آن رایحه لطیف را یک مرتبه دیگر در سینه فر برد. ب به تاج پراز برگ درخت گیلان چشم دوخته ، تمام وجودش در میان بوی خوشه و رایحه

مستی آور همسرش غرق شد پا هر بار نفسی که بهمیکشید ، مقدار از هوای معطر را بصورت مرتب در سینه فرومی برد .

رنگ رفتنه سفید ، یک چپرکت در آن اتاق کوچک یک الماری فلزی ، یک میز و یک چوکی قرار داشت اگر آدم می خواست به روی چپرکت دراز بکشد ، مجبور میشد اولتر چوکی را از سر راه خود بردارد .

ب به روی چپرکت دراز نکشید بلکه صرف به لب آن نشسته ، به تنفس کردن هوای اتاق پرداخت به روی میزاشیا خوردوریزه فراوان بصورت پراکنده افتیده بود مانند کتابها ، البسه و سامان بازی اطفال در میان این اشیا یک دانه آینه کوچک جیبی هم وجود داشت .

ب صورتشرا در آینه دید . او قیافه خود را شبیه به مودی یافت که در ویتترین واقع در خیابان سان راد دیده بود .

ب آینه را از دستش به روی میز چپه گذاشت و بخود اجازه نداد در میان اشیا و سامان مربوط به همسرش تجسس کند . در خاکستر دانی یک توپ کوچک سفید رنگ را بری با خطوط سرخ نظرش را بخود جلب کرد . حتی به روی میز هم رایحه دل انگیز پخش بود .

هنوز دو باره سر جایش در کنار کلکین نشسته بود که خانم مالک اپارتمان یک گیلان قهوه و شیر با دو پارچه نان برایش در اتاق آورد وقتی ب تنها شد ، پارچه های نان را فرو برده سر آن قهوه را نوشید رنگ دروازه مجددا به صدا در آمد و خانم گرایه نشین طبقه روی زمین عمارت نیز یک پیاله قهوه و یک پارچه نان مسکه دارو یک حلقه ساسیج با یگدانه سیب برای ب آورد . این سیب درست از همان جنس سیب های بود که ب در راه آمدن به منزل ، مقابل مغازه اتحادیه دولتی دیده بود ، خانم ظرف قهوه را به روی میز گذاشت . در چشمهایش اشک دور می زد ، و پس از توقف چند دقیقه مختصر از اتاق بیرون رفت .

ب به مجردی تنها شد محتویات سینی را پاک خورد . او هنوز هم ساعتش را کولک نکرده بود و نمیدانست چقدر دیر است که کنار

پنجره نشسته . در انتهای باغ که این کلکین به آنست باز می شد ، سکوت بر قرار بود . در میان برگ های سبز روشن درخت گیلان آفتاب می تابید و بصورت خفیف بداخل اتاق منعکس میشد و سایه لرزانی به روی دیوار تکان میخورد .

وقتی ب بقدر کافی رایحه عطر آگین همسرش را در سینه فرو برد و به تدریج به آن عادت کرد ، به روی

خیابان فرود آمدند مقابل دروازه باغچه منزل منتظر ماند ، دیگری نگذشته بود که خانمش در حالیکه چهار ، پنج طفل دیگر به دو پهلویش

روان بودند ، از یک کج گرد شمی خیابان پیدا شد . وقتی نزدیکتر آمد ، قدمهایش را سست کرد وقتی برای یک لحظه از راه رفتن باز ایستاد و آنگاه یکباره بطرف ب خیز برداشت ب هم بدون آنکه متوجه باشد بنای دیدن را گذاشت .

وقتی فاصله بین آندو کم ماند ، همسر ب دفعتا جابجا ایستاد و برا یک لحظه باور نکرد بر گشت ا و حقیقت داشته باشد . ولی معطل نشد و با آغوش باز مجددا به دویدن به سوی ب ادامه داد .

ب جاکت پشمی رهدار فولادی و سیاه را با آستین های درازی آن شناخت پیش از زندانی شدن خود از یک مغازه مود برای همسرش ریده بود همسرش یک ترکیب اصحاب انگیز و خاص از زیبایی بود و در میان سایر زن های شهر در نوع خودش یکتا بشما رمیرفت .

ب تمام خاطراتی را که در طول دوران هفت سال زندان از همسر خود داشت ، همه اش با تمام تصورات ب نسبت به همسرش صندق میکرد . وقتی آندو از آغوش هم جدا شدند ب به کنار باغچه تکیه داد . چند قدم دور تر پشت سر خانمش چهار یا پنج طفل دیگر باقیافه های نا آشنا و کنجکاوی به آندو خیره می نگرستند .

بچه ها در حدود هفت سال داشتند آنها چهار بودند نه پنج ب در حالیکه به کنار تکیه داده بود ، هر یک از آن بچه ها را بانگاه پرستگری از نظر گنشتاننده از همسرش پرسید : کدامیک پسر من است ؟

درین لحظه اشک های همسرش مجال فرو ریختن یافت و در حالیکه گریه راه گلویش را بند ساخته بود اظهار داشت : بگذار که بالا برویم ب دست خود رانور شانله همسرش قرار داده گفت : گریه مکن صدای خانم که همرا با هک و گریه بود مجددا بلند شد : بگذار که بالا برویم .

ب تکرار کرد : گریه مکن ، کدامیک ازین بچه ها پسر منست ؟ همسر ب پله دروازه باغ را پسا بادست زده باز کرد و شتابا ن بسوی اپارتمان رفت در وسط راه باریکی که دو طرف آنرا بقه های نسترن می پوشانید از نظر ب پنهان شد .

او هنوز اندام موزون و قد کشیده داشت از زیبایی هفت سال پیشش چیزی نکاسته بود . او مانند دوران دخترت اش دوران دوان به طرف عمارت رفت ، همسر ب چنان مینمود که ترس مهبیبی احاطه اش کرده باشد تا اینکه ب او را در مقابل دروازه ورودی عمارت متوقف ساخت آنگاه بود که قدری آرام گرفت . تنها صندوق سینه اش زیر جاکت فولادی رنگ پشمی از شدت هیجان به سرعت ته و بالا میشد . او از گریستن باز ایستاده بود .

اما چشمهایش هنوز مرطوب و آثار اشک که به عجله پاک شده بود زیر چشمهایش دینه میشد .

زن بیخ گوش شوهرش زمزمه کرد : بی همتای من ! بی همتای من ! زن چنان کنده کنده و شمرده این حرفها را میزد که گمان می رفت فقط قدرت ادای این کلمات را تا به لبهایش دارد و از آن بعد کلمات به زحمت از دهانش بیرون میامد .

ب به همسرش گفت : بگذار به داخل منزل برویم .

در اینجا مردم دیگر هم با ما زندگی میکنند .

ب پاسخ داد : آری ، میدانم ، پسا اینهم بگذار به درون برویم .

تو به منزل داخل شده ای ؟

ب در جواب گفت : بلی . بگو کدامیک ازین بچه ها پسر من بود ؟ وقتی وارد اتاق شدند ، همسر ب مجددا در برابر او زانو زده ، سر خود را به آغوشش گذاشت و بنای گریستن را گذاشت . تار های سپید موی با درخشش بیگانه در بقیه در صفحه ۵۸







### دەجراڻ شپه

دريغه ولىدى يو خىل مەخونه  
 چه دراز توري مژگان دراز قد ونه  
 دراز قد دراز مژگان درازى زلفى  
 دېرى شونەى زړه حوله واړه غا بنو نه  
 دكسمان شمس و قمر نه توري قربان كړم  
 عهد زمكى به سر واړه سره گلو نه  
 چه بى ووينم به مخ مې اوسې درو مې  
 دپسرلى له مخه وا وړى پارا نو نه  
 كه يو خله بى مخ ووينم به سرگو  
 ما به زړه كنى قبول كړېدى تدرت  
 دەجراڻ به شنه سوړ كېرانه سور اور شى  
 يو زمان مې باندى نه لگى از خو نه  
 توري زلفى دى به سببى نو لچوزانكى  
 بېنا ماران دى دجنه نو به بېنا خو نو  
 كه خدای غم دجداى ورتنه آسان كړى  
 ورحمان و نه آسان دى نور غمو نه

### عجز او نياز

خاوری شومه نومی خای پاس به وربل شه  
 نه دى رشكه به گلشن كېنى مې او تى گل شه  
 دلالة زړكى شه نور له دېره غمه  
 له ناكامه دصحرا لور نه مایبل شه  
 رگس ژېړ شه له ارمانه شېنكى باغ كېنى  
 چه داخای وحق زما ولى دېل شه  
 آسمان هم له قهر شین شه چه داو لى  
 به معنی كېنى جك له مانه بونه سل شه  
 دعاشق پوى به عجز او په نياز دى  
 چا چه كړ له سر لوبى راته خجل شه  
 زاهد قرب غوښته به زور دعمل باندى  
 همدغه عمل دده مخكېنى حایبل شه  
 دا خاكى تن چه چا خاوری كړ به عشق كېنى  
 دالفت به زبه داسى و ستا یسل شه  
 (الفت)

### زگانه

ه يوه نگاه مې زړه دتربسا يووړ  
 هيڅ عجب نه دى كه خنس كېرېبا يووړ  
 دتتلك قصاص شوک نه غواړى له شمع  
 چه شويار كه نه ما زړه به خندا يووړ  
 عغه زړه چه وى خالى له محبته  
 دحباب په خیر بېسكازه شو درېا يووړ  
 دا ستم چه مې ستا وړى دى په عمر  
 نا رواشه كه يوه لحظه چا يووړ  
 دپرو شكلو مې دزړه دبنكارهوس كړې  
 ستا دسترگو بار تر واړو پخوا يووړ  
 (كامكار ختک)



### داوښكو ماتم

دخه سوز نه دى پيدا كړم لكه شمع  
 يوه لمبه دى سر تر بېا كړم لكه شمع  
 خیر كه سوزم، ماد خپل كاله رېنا كړه  
 هدیرو ته دى رېنا كړم لكه شمع  
 پندو سترگو ته داوښكو ماتم څه ده  
 تا پندو ته به ژړا كړم لكه شمع  
 رقيب پوند دى، يار ویده دى نهو پېښېرى  
 زه سلگى كه تر سببا كړم لكه شمع  
 (دوست)



# کوتاه و دلچسپ خواندنی

## قصه‌ای از «آریستید»



«آریستید» یکی از رجال معروف یونان قدیم بود، زمانی بسمت خزانه دار عمومی مقرر شد. چون مرد دروستکار و شریف بود، دست‌رجال نادرست و مردان رشوه خوار را از اموال عمومی کوتاه کرد، و با جدیت هر چه تمامتر در جمع آوری اموال عمومی و گرفتن مالیات که از سالها مانده بود کوشید تا اینکه بالاخره مخالفینش علیه او دسته بندی کردند و متهمش ساختند و او محکوم به پرداخت جریمه شد و مردم در دستکار از این واقعه متأثر شدند و نه تنها اینکه پولی جمع کردند و جریمه او را پرداختند بلکه برای سال بعد هم بهمان سمت انتخاب شد.

امادرین سال (آریستید) از سخت گیری دست برداشت و در نتیجه آنان که در غارت اموال عمومی جرمی داشتند مانعی در ادامه دزدی نمی دیدند و در نتیجه دیگر کسی با او مخالفت نکرد بلکه همه از او تعریف و تمجید میکردند. تا سال دوم هم تمام شد و سال سوم نیز در حالی

که همه تعریفش می کردند خواستند او را انتخاب کنند ولی او گفت: (خدا همه ای شما را لعنت کند، زمانی که در کار جمع آوری اموال عمومی و جلو گیری از حیف و میل شدن و دزدی اموال کوشش میکردم، همراهه پرداخت جریمه محکوم گردیدم و بعد که سستی پیشه گرفتم تشویق گردیدم و در همه جا از من تعریف گردیدم.... این تعریف و تمجید شما مایه تنگ من است و از قبول این شغل برای بار سوم معذورم.)

## استفاده از تایرهای کهنه

پس از کوشش و تلاش بی نهایت متخصصین کار خانجات بایر، توانسته اند که روش نوینی را برای استفاده از تایرهای کهنه بکار بندند تعداد تایر کهنه در آلمان فدرال سالانه قریب به ۳۰۰۰۰۰ تن بر آورد شده است. با استفاده از روش جدید تایرهای کهنه به قطعات کوچک بریده شده و سپس با نوعی هارتز انعطاف پذیر جدید تر کیب گشته و بماده مصنوعی تازه ای تبدیل میگردند بعلت انعطاف پذیری و همچنین دایر شدن منفذ مناسب برای عبور آب، ماده نوین مخصوصا برای پوشش



شما

## تشخیص جواهرات بدل از اصل

شناخت جواهر اصل از بدل کار نیست دشوار، ولی کار خانجات سازنده امو نیاک در آلمان، چندی پیش به این فکر افتاد تا بدل سنگ های قیمتی را بسا زد برای رسیدن به این هدف با یدناب ترین الومونیوم اوکسید را بدست آورد. کارشناسان بالاخره روشی را یافتند که الومینیوم اوکسید ۹۹٫۹ درصد خالص را بوجود آورد، یعنی ماده اصلی لازم برای ساختن جواهر

بدل. این نکته از آنرو حا یزاعمیت است که، اندک کثافت در سختی سنگ تاثیر دارد.

بدل سنگهای قیمتی به اندازه تقریبی ده سانتی متر در دو صددرجه سانتی گراد حرارت کوره های احتراق گازی ساخته می شوند و بعدا به آنها شکل و صیقل داده می شود. علاوه بر گوهر فرو شان، یکی از خریداران مهم سنگهای قیمتی بدل کانجات ساعت سازی می باشد.



## پرحرفی نباید کرد



شده که فی صد هشتاد از آنها کسی که موی سرشان را از دست داده اند، پرحرف بوده اند بدینوسیله به پرحرفان توصیه می شود که اگر به موی سرشان علاقه دارند، کمتر حرف بزنند.

تاحال در مورد اینکه چرا موی سر انسان می ریزد، نظریات متعددی داده شده است، ولی درین اواخر یک عده از دانشمندان امریکائی نظر به داده اندک: پرحرفی زیاد باعث از بین رفتن موی سر می گردد زیرا تاحال دید شماره ۳۶۹۲۵



# ملکه زیبائی سال ۱۹۷۴ جهان



دوشیزه سویلن ایوا

به آسمانها میفرستادند در پایان بر نامه عکسبرداری که در کنار استخر فلیپاین ویلج هتل برگزار شد اهل مطبوعات بدرستی پی بردند که کدام دوشیزگان از طرف وینوس الهه عشق و زیبایی خوانده شده و چه کسانی نشده عکسبرداران سخت گیر در مورد عیب های دوشیزگان از ذکر هیچ حرفی خود داری نکردند داغ هاو نقص جلد به دقت خاطر نشان گردید .

دز آستانه داوری نهائی از دوشیزه گان مذکور پر سیده شد که به عقیده شان چه کسی به حلقه سحر آمیز داخل خواهد شد. ایلات سیسیلیا اسکاندن دوشیزه خیلی زیبا و خوش اندام کو لمبیائی مطلوب بسیاری از آنها واثمود شده بود.

این دوشیزه ۱۱۴ پوند همیشه قیافه فریبا و قشنگ محفل پنداشته میشد حتی هنگامیکه تحت پروگرامی هیجان انگیز هم قرار میداشت. وی در يك مصاحبه دو انگشتری را که خوش دارانش بوی تحفه داده بودند بی پرده نشان داد .

سونیا ستیگی پورتور یکوئی یکی از زیبا رویائی بود که در جریان

زندگی برای ۶۵ دو شیزه که به کشور ملکه زیبائی جهان جهت رقابت برای کمائی کردن لقب زیبا ترین زن جهان گرد هم آمده بودند ، مانند ماهی طلائی در طر فی شیشه یی بود. این دو شیزه گان از همان آوان موصلت شان با سا س عنعنات مردم این کشور مبنی بر مهمان نوازی از مردمان ممالک دور دست پذیرائی شدند ، و سر شار از خورد و نوش گردیدند .

هر جا که آنها میرسیدند مردم کردن می افراشتند تا باین زیبارویان جهان نگاهی کنند و حتی اگر برای لحظه ای زود گذر هم اگر باشند این روز مراسم پر شکوه در مانیلا برای مردمان عادی آن شهر که بسیاری شان نمیتوانستند حتی امید آنرا داشته باشند که انتخاب ملکه زیبائی سال ۱۹۷۴ جهان را شخصا تماشا کنند ، روز کیف آور ولدت بخشی خوانندگان روز نامه ها جزئی

از اخبار مسابقه کنندگان زیبا یی را در نامه ها و مجلات با حرص و ولع تمام میخوانند .

که رویداد های هر روز را درین مورد به نمایش میگذاشتند میزان تماشای گران خود را پمراقب افزایش میدادند . همینکه روز موعود فرارسید دو ستداران مسابقه به اصطلاح به جدا کردن گاه ازدانه و انتخاب زیبا رویان سال پرداختند .

بسیاری از دوشیزگان مسابقه دهنده در نگاه اول بسیار جذاب و دلربا به نظر میرسیدند در حقیقت تماشاکران چنان مبهور دسته ، زیبا رویان بودند که نمیدانستند کجا را دیرتر تماشا نمایند . پس از دور نخست فقط خاطرهای از گروهی بلوندها ، سبزینه ها و سرخ مویان در ذهن مردم بجا ماند و پس . بسا گذشت روز ها دا و ران بانگاه زیره کانه تری به بررسی زیبا رویان پرداختند تماشا چیان مسابقه زیبائی اکنون برندگان احتمالی را بهتر



دو شیزه گانی که برای ملکه زیبائی انتخاب شده اند





داوری اولی مورد بیشترین بد رقه و کف زدن قرار گرفت که این داوری در ۱۶ جولای گذشته در تیاتر هنر های مردم (فولک آرت تیاتر) بر گزار شده بود. صرف نظر از پاهای بلند و دوست داشتنی اش طرز رفتار شکو همندش نیز ندا های تحسین آمیزی از طرف تما شا گران بر انگیخت .

### دو شیزه یونان -

جذابش را نمایان میساخت خیل سی برجسته می نمود . نیلا مپرو نتوای ونیزو یلائی نیز بهمین پیمانان شایان توجه بود چشمان افسو نگرش دارائی بزرگ او بشمار میرفت وی تنها عده اندکی از فلیپاینی های خون گرم و باحرارت را در جریان مسابقه بیقرار نساخت بلکه عده زیادی را بر انگیخت . چندین نفر از گاند یدان بی پرده ابراز داشتند که کارین مسور یس

دوشیزه عروسک مانند فنلندی ها بناام جوها نارا نیونه تنها مورد پسند عکاسان مطبوعات قرار نگرفت که قبلا او را بناام ملکه عکسبرداری یاد نمودند بلکه مطلوب دیگران نیز واقع گردید. ولی وی در فکر آن نبود تاج پر طمع مسابقه ملکه زیبایی را بر باید .

ساندرا گویمار او لیو پورا دوشیزه برازیلی نسبت بچندین کا ندید. نمره بلندی تری گرفت . این دختر جوان امریکای جنوبی در لباس بومی دارای رنگ زرد روشنش که پا های



دو شیزگان آسترلیا ، انگلند ، سنگاپور ، هانگانگ و جاپان



دوشیزگان پارا گوای ، فلیپا ئن پر تکالی، وپور تو ریکو باجلوه ای شکوه پس از تاجگذاری جهت ر سم گذشت ملت ها، درین جا نشسته اند شماره ۳۶ و ۲۵

بلند قامت و شانه پهن دوشیزه • مدل عکاسی لندن دارای اندازه های اضلاع متحده در میان پنج نفر برنده ۲۶-۲۴-۳۶ میباشد . ماریا جانس لائبر یائی اطمینان نهائی یقینا جای خواهد گرفت . زیبای هسپا نوی بناام امپا رو مونوز در همه چیز عالی مقام ترا از دو شیزگان دیگر بود. یکی از ناظران گزارش داد که وی گل سر سبد سر نشینان هوا پیمایی دی، سهی اشرکت هوا پیمائی فلیپائن بوده این اکتوریس عالی در منزل تنها بزبان هسپانوی سخن میزند اندازه های او ۲۲-۳۳ میباشد . بعضی فکر میکردند که کاتسی آن دو شیزه انگلندی چیسی کمتر از لقب ملکه زیبایی سال ۷۴ جهان با خود به ارمغان نخواهد برد . این



# شاعر کلاسیک پشتو



## خوشحال خټک

خو شحال خان خټک بخوبی میدانست که در مبارزه ضد امپراتوری مغل، تامین پیروزی، بدون اتحاد و همبستگی تمام قبایل پشتون گامی پس دشوار است و با اینکه تا آخرین دقایق زندگی، باشمشیر خامه در راه تمامین وحدت و یگانگی پشتو نهاد بخاطر تاسیس دولت مستقل ملی رزمید اما نتوانست در زندگی باین آرمان دیرین دست یابد. خوشحال خان علاقمندی شدید خود را باین آرمان شیرین چنین ابراز میدارد:

که توفیق داتحاد پښتانه مومی زور خوشحال به دوباره وشى په دا خوان (۱).

به نسبت قرار داشتن در يك موقعیت اجتماعی مشخص، برای خوشحال خان خټک دشوار بود تا به عوامل اصلی تضاد های اجتماعی موجود در جامعه افغانها پی ببرد و از همین رهگذر نیز فقط بی سوادى پراگندگی و تشتت قبایل قوم خود را عوامی میداند که او را از رسیدن به هدف وا میدارند، چنانچه میتوان از وراى ابیات ذیل، باین درك خوشحال خان پی برد:

هره چار دپښتانه تر مغل پښه اتفاق ور سره نشته ډیرارمان. دپهلول او دشیر شاه خپری اورم.

چه په هندکي پښتانه ووبادشا هان شپیر - اوه پیری یی مسی باد- شامی وه. چه په دوی درست خلق وه حیران یا هغه پښتانه نورو وو، داخه نور شول. یا دخدای دی اوس دا مسی شان فرمان

که توفیق داتفاق پښتانه مومی زور خوشحال به دو باره شی به (۱) کلیات خو شحال خان خټک با مقدمه و شرح دوست محمد خان کامل، پشاور، ۱۹۶۰، ص ۲۱۵.

دا جوان (۲) شاعر با ادامه اینگو نه اندیشه های خود، در جای دیگر چنین میسر- اید: چه مغل وته می و ترله توره درست پښتون می وعالم وته بنکاره کړ. اتفاق په پښتانه کښی پیدا نه شو. گڼه مابه دمغل گریوان پاره کړ. سره یوتر بله اخته دی به خپل کور کښی.

په نفاق یی غم وماته اجاره کړ (۳) جهان بینی شاعر، باین تصور که میتوان در جوامع دارای تناقضات اجتماعی، تمام اقشار و طبقات را بهم پیوند داد، دستخوش محدودیت میگردد. صرف نظر از آن، اشعاری که شاعر، درین زمینه سروده تا کنون هم از لحاظ ارزش ادبی، خوانندگان را بسوی خود میکشاند و مایه اعجاب آنان میگردد.

ابیاتی که خوشحال خټک در زمینه ضرورت اتحاد و همبستگی انشاد کرده در شعور ملی افغانها نقشی بزرگ ایفا نمود و اکنون هم افغانها، این درهای گرانبها را با شور و حرارت خاص، آویزه گوش میسازند. مثلا به اشعار ذیل توجه کنید:

(هر گاه یکی از پنج انگشت در دست نباشد، کار انگشتان دیگر به کجا خواهد کشید؟

قدرت دستها وابسته به اینست که انگشتان پنجگانه یکجا باشند. هر گاه انگشتان یکجا و فشرده باهم باشند، کار دست نیز نیکو خواهد بود).

(سعادت و شاد گامی مردم زاده اتفاق است. خواری و ذلت هنگامی گریبانگیر آنها خواهد شد که اتحاد و یگانگی از میان شان ریخت بر بندد) (هر گاه دو قلب بهم نزد یک

(۲) همانجا، همان صفحه. (۳) همان جصاص ۸۷۶

شوند، میتوانند حتی کوه را هم از میان بر دارند. سرم فدای اتفاق باد که سر چشمه تمام نیکی ها است. (اتفاق گل برو یاند و گلزار آفریند، اما نفاق خار زار بد آورد).

خوشحال خان خټک ضمن اظهار نظر پیرامون شعر و شاعری، اهمیت بزرگ شعر را در ساحه تربیه و تبلیغ یاد آور میگردد. بعقیده او، شاعری کار هر انسان فاسق و کج اندیش نیست. این فن خاصه کسانی است که قلبی پاک و بی آرایش دارند راستگو و درستکارانند و بر خو دار از دانش و فضیلت. خوشحال خان خټک که در کار ایجاد ادبی خود بدین پرنسیپ اتکا داشت، در جوکات محدود افاده های انتزاعی و مفاهیم پندار گرایانه محصور نماند

در اشعار وی، مسایل مهم حیاتی و رویداد های دوره زندگی او، انعکاس وسیع می یابند. مثنویها، چاهه ها، چکامه ها، رباعیات و قطعات شاعر، از لحاظ موضوع، باار تباط خویش به وقایع مهم حیاتی بر جستگی خاص دارند در رین اشعار و قهرمانی های شاعر در صحنه پیکار موضوعاتی از قبیل - حالات اجتماعی معشیتی قبایل مختلف پشتون مناظر طبیعی، موقعیت جغرافیائی سر زمین مادری شاعر و مناطقی که دیگر قبایل افغان در آنجاها حیات بسر میبرند.

آنها و شغل و حرفه ای که بد آنها اشتغال میورزند، حوادثی که در حیات معنوی آنها روی داده و معلومات مربوط بتاریخ زندگی افغانها، ترسیم میگردد و مسایل مهمی چون اخلاق، علوهیت، کار و شهامت، عزت نفس، تسوا وضع و



خود خواهی ، مردانگی و جبن و امثال اینها بسا فضایل و رشاییل انسانی مورد گفتگو قرار میگیرد .

شاعر در یک قصیده طویل خود که متضمن بیش از ۱۲۸ بیت میباشد پیرامون زندگی و فعالیت شعری خود سخن میگوید . این قصیده یک سلسله معلومات ارزنده ای را که به ایجاد ادبی خو شحال خان خٔک ارتباط دارد ، دربر گرفته است .

دانشمندان سر شناس شوروی و ، ا . لیو شتیس در مقاله ای که تحت عنوان (شاعر بیکار جو) نوشته ، به آفریده های ادبی خوشحال خٔک ارزش بلند قابل گردیده و یکی از عوامل شهرت بزرگ او را در جهان شعر و ادب چنین میدانند که (او یکی از آن شاعران کلاسیک پشتو می باشد که تحت نفوذ صوفیزم قرار نگرفته اند) .

اشعار لیوریک خو شحال خٔک در آثار شعری او موقعی بر جسته دارند .

شاعر در جامه ها و دیگر اشعار لیوریک خود ، عشق و محبت ، زیبایی طبیعت و مناظر محیطی را که خود در آن میز هست مستانید . جامه ها رباعیات قطعات ، چکامه ها و مثنوی هایی که شاعر درین زمینه ها سروده با سلاست و روانی خود ، با هماهنگی افاده های بدیعی و تشبیهات خود با واقعیت ، خواننده را به شور و هیجان می آورند ، با آنهم هنگامیکه سخن از سمن ایت میگوید ، نمیتواند از تأثیر جر یان صوفیزم که طی قرنهای طولانی بر ادبیات کلاسیک دری حاکم بود ، بر کنار بماند . اما عشق و محبتی که در اشعار (صوفیانه نما)ی خوشحال ترنم میگردد ، انسا نه بار به ترک دنیا فرا نمیخواند . شاعر در اشعار خود عشق پاک و بی آرایش ، شور و نشاط زندگی ، اضطراب و بیتابی دل را یک جا با بندی که از حیات فرا میگیرد ، افاده میکند . ما میتوانیم با خواندن این غزل شور انگیز اساساً عمیق پر جاذبه خوشحال را بی ببریم : نیمه شبه می به پالنگ راغله دلبره

پری رویه ، عنبر بو یه ، سمنبره رنگینه جامی اغو سنتی زر نگازی سره درسته تجلی وه باقر سره سربوی تور ، بنیینه به لاس ، باده بی خنبلی .

دمستی به خیل خان نه وه خیره دپائیلی اود خری بی شرنکها ر شو زله خوبه را پرتاب شوم لیر په دیره ماوی گوره شا پیری وه که حوره چه داهسی شان په ما شوه برا بوه توره وروخی بی لینده ، بانه بی غشی غابیس بی در قیمت بها به لب شکره

په خندا اخندا بی دا اووی وماته چه ناوته نظره کته بی بصره ته مانه بیژی زه هغه خو بایم . بله نشسته به خوبی ترما بهتره عاشقان خما دخولی په ککلی دیروی بختور بی چه می و نیوی په غوره خو بوسی بی دلبانو ومارا کپی حقیقی پیاله بی را کرله احمره و کپی نرسته شبه مو سره زله پالنگ و کپی دوصال خوبی بی لانه وه توره چه آواز موذن داذان وشو

په سحر له مانه ولاړه ناز پروره چه په دیر ارمان محبوبه درومی کشکی شیده خوار عاشق وی بیسحره چه عسی محبوبیا خوشحال جداشو دآتش لمبی بی درومی له بستره (۴)

ترجمه : (دلداد پیر پچپره عنبری بوی سیمین بر ، نیمه شب بر بسترم آمد .

جامعه های رنگین زرنکار بتن داشت و سر ابا جلوه و درخشش بود .

با موی سیاه ، قدح در دست ، باده مینو شرید و چنان مست بود که از خویشتمن خبرنداشت .

با شنیدن صدای بازیب او و زیوراتی که بر سینه و جبین آویخته بود ، ناگهان از خواب بیدار شدم .

با خود گفتم : مگر این حور است یا پری که بدین سان با ابروان سیاه چون کمان با مزگان های درز چون تیر ، بادندانهای سفید چون درو بالبانی چون شکر ، با روپرو شده است .

بالبان متیسم گفت چشم بکشا و بمن نظر کن ، مگر مرا نمیشناسی من آن سر خیل خوبانم که بهتر از

(۴) همانجا ص ۱۰۲ - ۱۰۳

من در میان خو برو یان نمیتوان کردار شان فاصله زمین و آسمان وجود دارد .

دلداد گان لب و دندان من ، در اینجا بی شمارند ، اما خوشبخت آن که من او را برگز نیم .

بوسه ای چند از لبان خویشم ارزانی داشت : باده ای حقیقی از ساغر گلگون خود پگام ریخت ... تمام شب با هم در بستر راز گفتیم دقایق شیرین وصال پایان نداشت .

همینکه بانگ موذن بر خاست آن ماهروی ناز پرور از برم رفت ، هزار افسوس که دلداد می رود اینکاش شب عاشق بیچاره سحر نمیداشت .

(خوشحال) که از آن محبو به طنز جدا مانده است ، از سرا پایش روی بستر آتش می جهد .

از بر سی دقیق متطلع ک غزل دیگر خو شحال خان روشن میشود : عشق و محبتی که او سرا بنده آنست ، همان عشق واقعی و حیاتی است ، او درین باره چنین میگوید :

که دینکلو دیدن مینه گناه ده . سکه خو شحال خٔک درست عمر جنایت کا (۵) ترجمه :

(هر گاه عشق دیدار ماهرو یان گناه باشد ، در آنصورت باور داشته باش که خوشحال خٔک تمام عمر گناه هکار بوده است) .

شاعر آنانی را که ترک دنیا گفته و بگوشه عزلت خزیده اند ، اینگونه با سخنان نیشدار مورد خطاب قرار میدهد :

کینینی به خلوت کینیی شیخه ، سو دی راته وایه

ولی په خیل خان داهسی ارت جهان تنگ کپی (۶)

خو شحال خٔک زاهدان ریاکار را بیاد طعن و ملامت گرفته رندا نه پرده سالوس وریارا از چپره آنان یکسو میزند و فاصله کردار آنان را با گفتار شان نشان میدهد .

ترجمه : (آنها کتاب آسمانی) و کتا بهای زمین را میخوانند ، اما میان گفتار و

(۵) همانجا ص ۵ (۶) همانجا ص ۱۲۱

( پیوسته کتاب خدا را میخوانند ، اما ذره هم بر آن عمل نمیکنند ) بزبان ، لاف از اسلامیت میزنند ، اما سخنان شان عاری هر گونه و برکت و خالی از تاثیر عقیدت است) . در جای دیگر :

(به دنیا می نگرم و حیران میشوم این فریبگران بخاطر نفس ، چه کاری است که انجام نمیدهند . کار های که از آنان سر میزند حتی شیطان هم از راه یافتن بدان عاجز است .

(آخر بکجا روی آورم و از کجا بجویم؟ دانایان چون کیمیا نایاب شدند) .

میتوان از و رای ابیات ذیل خو شحال خان بی برد که عشق مورد ستایش وی چقدر بازندگی سر چشمه میگیرد .

پیوند دارد و تا کدام حد از حیات زه خو شرابی یه شیخه خه را سره جنگ کپی .

بخری از لی ده کشکی ما دخان به رنگ کپی

بنه وایی واعظه بوکت دستا په ژبه .

بنه نهی به ویلو ددریاب او به کونگر کپی .

ولاړل و جنت ته چه په پوهه خبرنه وو

ولاړل و دوزخ ته چه بی لافی د فرهنگ کپی

ززه خو دزپه درد غواړم به هر یوه مذهب کینیی .

تازه ده ستاخبری چه نقلونه رنگا رنگ کپی

را ئیشه مطربه ! دنور و زسرود آغاز کپه

نبیی نغمی زپه سوزی په رباب ، په نهی وچنگ کپی

هر لوری ته گل دی شقا بق نورگس ، سنبیل دی .

بی گلزاره بد که لوری آهنگ کپی (۷)

(۷) همانجا ص ۱۲۱ - ۱۲۲



## تحميل بیجا



تشخیص این بیماری آنقدر اشکال ندارد کسیکه گرفتار است بی منطق، متخاضم و متعصب جلوه میکند بعضی اوقات به تمام موضوعات و گاهی فقط را جمع بیک موضوع یا فشاری نشان می دهد این بیمار میکوشد مفکوره های غلط خود را در قالب سیستم و اصول بریزد و همیشه این مفکوره ها را بالا و پائین میکند تا تعبیر اصولی برای آن پیدا کند و نفس خود را اطمینان دهد هر گاه کسی بساری بحث و مناقشه پیر دازد بسرای مدافعه خود گاملا متعرض میشود و یا اینکه عقب نشسته در بساطن متغیر میگردد. این بیماری مانندی دیگر انحرافات از عدم مسئولیت هیجانی و از خوف های اعتراف ناشده نشئت میکند. بیمار می کوشد حتی از نزد خود این علل را بوسیله عقیده باطنی مخفی نگه دارد.

### علامت این مرض :

۱- طرز تلقی بیمار بصورت مزمن بر شک و تردید و بی اعتمادی

بنا یافته تصور میکند دیگران همه دشمن وی میباشند و کردار دیگران را همیشه تعبیر غلط میکند بنابراین به هیچکس اعتماد ندارد. ۲- بیمار مفکوره ثابت داشته و مفکوره های خود را در قالب سیستم و اصول میریزد و برای به کرسی نشاندن گفتار خویش تا پای مرگ می ایستد اگر هر قدر دلیل و منطق بگوئید باز هم به گفتار سابق

ایستاده و هرگز گفتار و دلایل دیگران را قبول نمی کند. ۳- نشانه سوم این بیماری خصومت و عداوت است ممکن این خصومت فعال یا غیر فعال باشد بیمار بوسیله خصومت سعی می کند خود بشتن را از تاثیر نفوذ دیگران و قوانین خود را دور نگه دارد. قوانینیکه در وی شک و تردید ایجاد نماید خود را حفظ کند.

### معلومات تازه برای جوانان

## کشتی ئیکه داخل بکس جا میگیرد



تعجب نکنید در عصر اتوم هر چیز امکان پذیر است.

ناگفته نباید گذاشت که تمام این چیز ها برای آرامی بشر واستفاده بهتر از آن به میان آمده و می آید. در عکس شما یک کشتی را می بینید که یک نفر بخوبی در آن جا میگیرد و بدون کدام مشکلی آنرا حرکت میدهد در حالیکه این کشتی کوچک داخل یک بکس سفری شده و بدون کدام زحمت از یکجا بجای دیگر نقل اده میشود.

کشتی مذکور از موادی ساخته شده که در آب شناور بوده دارای وزن ۱۵۰ کیلوگرام و طول آن ۰.۷۰ متر عرض آن ۰.۴۵ متر و ارتفاع آن با کناره های آن در حدود ۰.۲۵ متر میباشد این وسیله جدید حمل و نقل در آلمان ساخته شده و علاقمندان آن اکثرا جوانان میباشند. قیمت این کشتی در حدود هفت هزار افغانی میشود.



# جوانان و استفاده از قضاوت سالم

## در جستجوی

### دوستان قلم

اینجانب احمد فرید متعلم لیسه تجارت میخوآ هم با کسانیکه با مطالعه و کتاب علاقمند باشند مکاتبه نمایم.  
آدرس: احمد فرید متعلم صنف دهم لیسه تجارت.

آرزوی مکاتبه را با کسانیکه به جمع آوری تکت پستی علاقمند باشند و درین قسمت معلومات داشته باشند میخوآ هم مکاتبه کنم.  
آدرس: زهرا متعلم صنف نهم لیسه آریانا.

اینجانب عبدالروف می خواهم درباره موسیقی مخصوصا موسیقی کلاسیک معلومات حاصل کنم کسانیکه به این رشته علاقه و معلومات دارند لطفا به این آدرس مکاتبه نمایند.

آدرس: کندز عبدالروف متعلم صنف دهم لیسه شیر خان.

مایل به مکاتبه با کسانیکه درباره ادبیات افغانستان معلومات دارند میباشم.

آدرس: نذیر احمد متعلم صنف یازدهم لیسه حبیبیه.

اینست که يك نفر جوان آلمان با پروازی که از فراز يك قلعه قدیمی واقع در شهر «هی شین گن» واقع در آلمان غرب نموده است چنانکه در عکس دیده میشود باعث تعجب و حیرت همگان مخصوصا جوانان شده است.

این جوان توانسته است که فاصله نسبتاً زیادی را با آله ایکه بشکل کاغذ پسران است طی نموده.

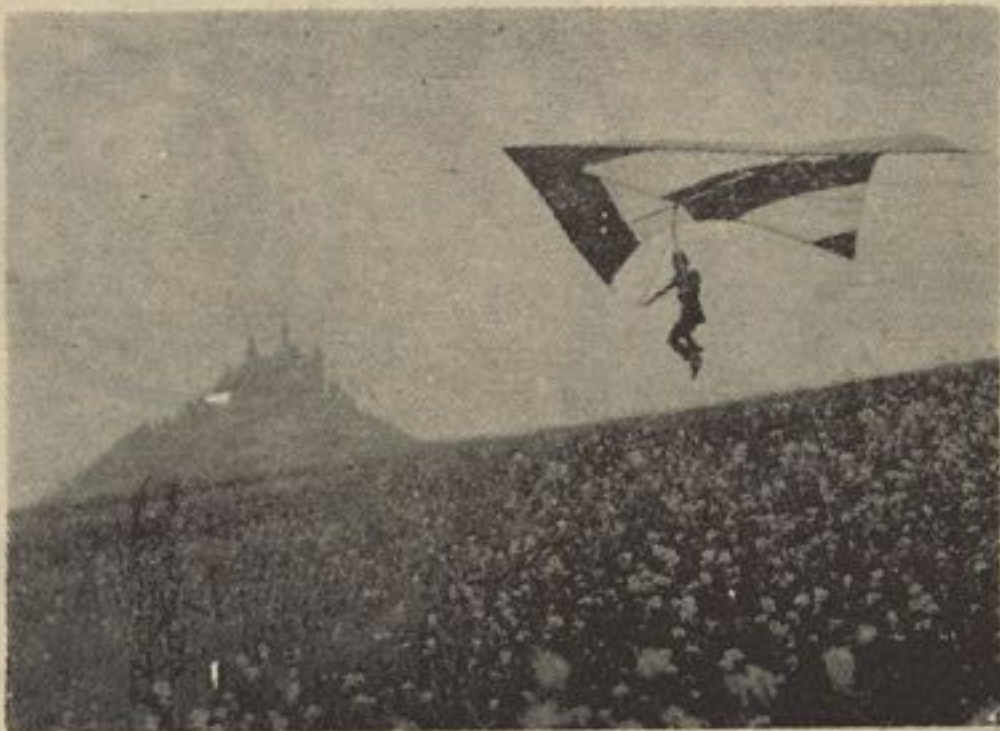
البته باید گفت که آله مذکور از تکه پراشوت و سیخ آهنی ترتیب و تهیه شده است عجیب این جاست که این ورزش در بین جوانان طرفداران زیادی پیدا نموده و هر روز بر تعداد آنها بیشتر میگردد.



خطاب کرد که دارای ذهن روشن و حس تفکر مثبت، اخلاق حمیده، اراده متین، ثبات و غیره صفات نیک بوده و در تمام امور از ینگونه صفات خوب استفاده نیک نماید. جوانانیکه در يك محیط زندگی دارند نباید مصدر فعالیت های منفی گردیده و چشم امید همه افراد جمعیت خود را به ظلمت تاریک نمایند، زیرا در يك اجتماع تمام افراد آن نسبت به دیگر طبقات امید پیشرفت و ترقی را از جوانان واقعی و حساس دارند و همه به این آرزو میباشند که روزی جوانان شان پیشرو قافله ترقی و سعادت و آرامی آن جامعه گردند.

بقیه در صفحه ۵۶

## از دنیای جوانان



و اطراف خویش تازگی ها و نو آوری ها بیاورند که هر کدام آن به شکلی تحولی در زندگی شان بوجود آورده است که نشانه از زندگی آنهاست ممکن است تحولی تیکه در زندگی آنها بوجود می آید گاهی هم مفید نباشد. بهر حال مقصد ما

آنهایکه گفته اند دنیای جوانان دنیای عجیب و شگفت انگیز است، خیلی بجا و درست گفته اند. زیرا این جوانان آنکه که با کارهای خارق العاده و عجیب خویش توانسته اند در محیط، در خانه و بالاخره در زندگی خویش

تهیه و تنظیم از: سید احمد شاه (شامل)

## آیا میدانید؟

به مرور زمان که سن بالاتر میرود، اعضاء بدن نیز بیترتو فرسوده تر میشود.

مغز: روزانه ۱۰۰ هزار سلول آن از بین میرود ولی سلولهای (رزور) آن برای هزار سال عمر کافیست.

گوش: بتدریج شنوایی آن ضعیف تر میشود و برای احتراز از آن لاقط میتوان از بسردن در جاهای پر سر و صدا مثل کارخانه خودداری کرد.

جربی: بالاتر رفتن سن مقدار چربی در اطراف کمر مردها و بالای ران زنها زیاد میشود و علاجش ورزش است.

ریه ها: بهرور زمان ظرفیت و گنجایش آنها کم میشود و علاجش عدم اعتیاد به سگرت است.

پوست: حالت ارتجاعی خود را از دست میدهد و علاجش مواظبت از آن و احیاناً عمل جراحی است.

کلیه ها: در ۶۰ سالگی تقریباً ۵۰ درصد فعالیت خود را از دست میدهد و برای جلوگیری از آن علاجی وجود ندارد!

عور مونهای جنسی: بهرور زمان فعالیتهای شان کاهش مییابد. چاره اش درزنها تزریق بعضی هورمونو نهاست برای عقب انداختن سن او در مرد ها داشتن يك زندگی جنسی سالم و متعادل.

استخوان بندی و بافتها: استخوانها بهرور زمان سخت تر میشود و بافتها حالت ارتجاعی خود را از دست میدهد و چاره اش سلولو تراپی، استعمال ویتامین با تزریق عور من است که نتایج هیچ يك صدد درصد مثبت نیست.

مویها: به مرور زمان دچار ریزش شده و رنگ طبیعی خود را از دست میدهند. علاجش بکار بردن کرمهای طبی و یا تزریق هورمونهای زنانه است که ممانا بر خطر نیز نمیباشد.

چشم: دید چشم کمتر میشود، علاجی برای آن وجود ندارد و چشم تابع اورگانسیم است سلول: به تدریج ضمن تکثیر، فعالیت سلول کمتر میشود و علاجی برای آن وجود ندارد.

قلب: قدرت و نیروی قلب به مرور کمتر میشود. علاج آن ورزش، فشار خون ثابت و تعادل روحی و جنسی است.

عضلات: بهرور زمان شل تر میشود، علاجش ورزش است و خوردن مواد پروتئین دار.

رگها: بهرور زمان سخت تر میشود، علاجی بران وجود ندارد ولی ممکن است سلولو تراپی یا عور مونو تراپی واقع شود.



## زنیکه همپایه انیشتاین بود

و افتخار فراوان مهمترین صفحات خود را برای درج نظریات علمی و اکتشاف فیزیکی وی در اختیار میگذارند در حال حاضر، در محافل علمی، این زن را با آلبرت انیشتاین و مادام کوری مقایسه میکنند.

تأیید از این، مادام «چیان چیونگ وو» پرو فیسور عالی مقام پوهنتون کولمبیا و استاد بزرگ فزیک اتمی بود.

بسیاری از شخصیت های علمی واکا د میک جهان بر این عقیده اند که بزرگترین دانشمند فزیک جهان خانم «چیان چیونگ وو» می باشد این زن که در تحولات دانش فزیک عصر اتم سهم بسزایی دارد، در سراسر جهان از شهرت فراوانی برخوردار است و تمامی دانشمندان بزرگ جهان از او به احترام یاد میکنند و بزرگترین مجلات علمی جهان باعلاقه وافر

## بخت و پز

رادروغن داغ سرخ کنید که کلابی شود.

تخم مرغ ها را باد و قاشق غذاخوری آب سرد بزنید مرچ و نمک بیفزایید. رویش نخود، بادنجان رومی و مکرونی بپاندازید، بملایمت بپزید وسط آنرا هم شور بدهید و اطرافش را با کارد بلند کنید که خوب خود را بگیرد. بعد آنرا به مدت یک دقیقه روی آتش قرار دهید آنرا چهار قسمت کنید و روی هر قسمت یک ورقه گوشت قرار دهید و بعد ...

تخمرو ستایی :

مواد لازم برای ۳ نفر :

یک دانه پیاز بزرگ - دو دانه بادنجان رومی - یکمقدار مکرونی - چهار تکه گوشت - چهار دانه تخم نمک و مرچ بقدر لازم و اگر بسیار شکم تا آنرا دوست دارید ۴ قاشق غذاخوری نخود پخته، تهیه کنید.

طرز تهیه :

پیاز را پوست و خرد کنید. بادنجان رومی را نیز پوست و خرد کنید. مکرونی را پخته کنید. تکه های گوشت را کباب کنید تا خوب نرم شود، پیاز

بدین فراد است که میگویند در این معادله منظور از (سن) سن شوهر و منظور از «سن زن» سن زن است و به عبارت ساده تر اگر سن شوهر را نصف کنیم سن زن باید با افزایش عدد هفت به آن برابر باشد. بطور مثال اگر سن مرد ۳۰ سال است سن زن باید نصف ۳۰ سال به علاوه ۷ یعنی ۲۲ سال باشد و یا مرد ۲۲ سال دارد سن زن باید ۱۱ به علاوه ۷ یعنی ۱۸ باشد. بدین فراد در سنین پائین دختر و پسر با اختلاف سنی کمتر باید از دواج گند و هر چه

سن مرد بالاتر میرود، تفاوت سنی او با زن میتواند بیشتر باشد. البته این فرمول برای تعیین حد اکثر بوده و نه جامعیت داشته و نه در مورد همه صدق میکند. بعضی افراد، از نظر قدرت جسمانی و انرژی جوانی، در شرایط پستی قرار دارند و گروه دیگری پیرتری شکسته تر از سن واقعی شان به نظر میرسند که در استفاده از فرمول متناسب سن ایده آل زن و شوهر معلوم خواهد شد. فرستنده: سید احمد شاه شامل



تهیه از: مریم محبوب

## تفاوت سن زن و شوهر تا چند سال مناسب و قابل قبول است؟

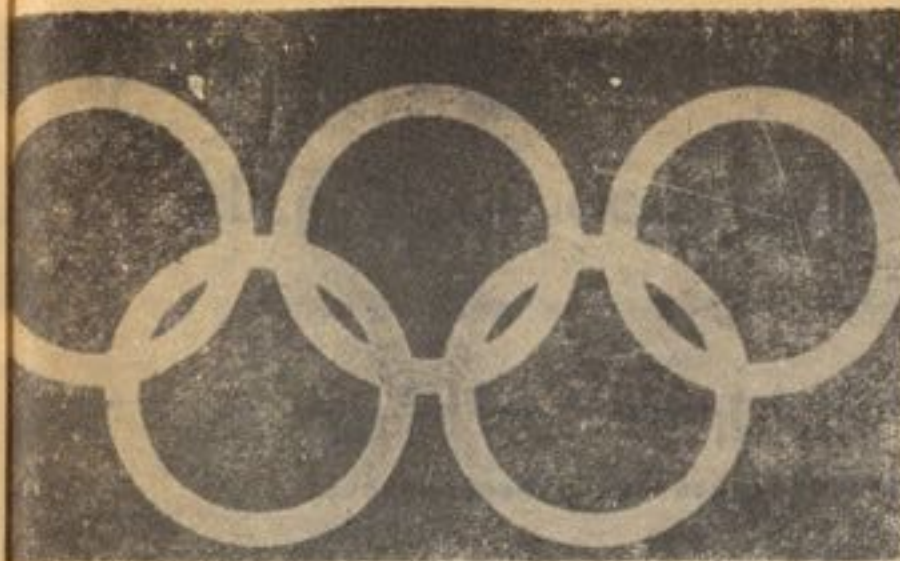
تفاوت سن زن و مرد در موقع ازدواج چند سال باید باشد. اگر دختر و پسر هم سن باشند آیا مشکلات مواجه میشوند. دره ورتیکه بیدریم ازدواج مرد مستتر بازن جوانتر پیوند استوار تری میان آنها بوجود می آورد این اختلاف سنی تا چند سال مجاز و قابل قبول است. پاسخ این پرسش ها تاکنون بدستی و دقت روشن نبوده و هر صاحب نظری عقیده جداگانه ای داده است. اکثر روانشناسان و کار شناسان زناتوبی تفاوت سن میان زن و شوهر را لازم دانسته و عقیده داشته اند که اگر مرد چند سال بزرگتر











# ورزش

## دید و باز دیدهای ورزشی

استازینرو دایر کردن یک تیم والیبالی با ذوق و علاقه که به این ورزش در کار بست بس ساده ولی با آنهمه میان مردم حتی در دور ترین نقطه ذوق سرشار و استعداد کافی که میان کشور می بینیم متیقن هستیم که جوانان خود سراغ داریم تا مدت ها هیچ از آن تقدیر نمی شد و در مورد رهنمایی ایشان کدام اقدامی صورت نمی گرفت تا بالاخره دولت جمهوری با توجه خاصی که دارد متوجه این تقیضه گردیده و ورزشکاران را مورد تشویق و رهنمایی قرار داد که از آن جمله والیا لیست ها نیز میباشند همانطور یکه گفتیم

ما نتیجه مثبت آنرا هرگز نادیده گرفته نمی توانیم و معتقد هستیم که این مسابقات در بهتر شدن تکنیک و تکنیک بازی های شان رول عمده را بازی مینماید. چون ما به استعداد ذوق، لیاقت فهم ورزشکاران خود بخوبی واقف هستیم خوشبختانه ما در سراسر کشور بهترین ورزشکاران در هر رشته خصوصاً والیبالی داریم زیرا این بازی تنها یک جا ل بکار دارد و یک میدان کوچک که تدویر آن در هر نقطه مقدور و میسر

این هفته ما اخبار جالبی از جهان ورزش داریم که متشکل از مسابقات تیم والیبالی جمهوری چین به کابل مراجعت تیم های والیبالی و باسکتبال و فوتبال بوطن و همچنان اشتراک تیم های پهلوانی و اتلتیک افغانی در بازی های آسیایی است. به اساس پرو گرام کلتوری بین دولتین جمهوری افغانستان و جمهوری چین پس از مسابقات فوت تیم فوتبال افغانی به کشور دوست ما چین هیات والیبالیستان جمهوری چین بکابل مسافرت نموده و در مدت اقامت خویش با تیمهای افغانستان بانک، نادرشاه مینه، پوهنتون کابل قوای هوایی و منتخبه کابل مسابقات دوستانه انجام دادند که در آشنایی بیشتر جوانان ورزشکار میان مملکتین خیلی موثر و مفید بود. هیات طی اقامت خود در کابل دید و باز دید های موثری با ورزشکاران افغانی انجام دادند که در تشدید مزید روابط میان مردمان هر دو کشور خیلی موثر میباشد.

با این مسابقات سومین بار است که تیم منتخبه والیبالی در ظرف همین سال باتیم های خارجی مسابقاتی انجام می دهند که



مسابقات تیم والیبالی جمهوری چین با تیم های والیبالی کابل در چندین جا صورت گرفت که یکی آن در غازی ستد یوم بود



# دورزش تربیوی ماهیتونه

دورزش او بدنی روزنی په تربیوی ماهیتونو باندی ستره آغیزه لری او باید وویل شی چه لایر اوسه پوری داقلیمی شرایطو له نظره دورزش او فیزیکی تمریناتو تربیوی ماهیتونه په علمی او مسلکی په بنه توگه خپل شوری نهدی او په دغه برخه کبسی دسپورت او ورزش دپوهانو لهخوا خپرنی روانی دی .

په شوروی اتحاد کبسی دور زشی ماهیتونه دخپراو، درجه بندی او تثبیتولو دپاره په خانکپی توگه تربیوی مرکزونه شته دی چه د بنوونکو ترخارنی لاندی کوچنیانو ته د راز راز ورزشونو لوست اوزده کپی ترسره کبزی. ویل شویدی چه د فیزیکی تمریناتو تنوع اود بنوونکو روش اوسلیقه په تربیوی ماهیتونو باندی مهم نقش لری، کهچیری په ډله ایزه او گروهی ډول دورزش تربیوی پرو گرامونه تر تطبیق لاندی ونیول شی غوره نتیجی به ورخه ترلاسه شی خوبه عین حال کبسی ډله ایزو ورزشی تمریناتو دپرمخ وړلو دپاره دبنوونکو ورزشی استعداد او دغه راز دتشویق عامل د زیاتی پاملرنی وړبلل کیدای شی. اوس د مسکو په بنار کبسی دورزشی استعدادونو دتثبیتولو دپاره دورزشی مهراڼو هلی خلی روانی دی .

(د.پ.ن له خپرونو څخه)

ابتکاراتو پیل شویدی. دماهرا نو دورخنیو خپرنو او تجربو له مخی دورزش او فیزیکی تمریناتو په تر- بیوی اړخونو کبسی یوزیات شمیر عوامل آغیزه لری چه د هغوله جملی څخه دورزش او فیزیکی تمریناتو تنوع، دورزشی لو سو وسیلی او سپورتنی ډگرونه اود ورزش او فیزیک کبزی د ماهرانو طریقی دذکر وړبلل یکنواخت او په پرله پسې توگه یو ډول ورزش نه یوازی سترتیا راپیدا کوی بلکه په عمومی توگه دورزشکارانو استعدادونه هم شنویدی او په تیره دورکتوب او کوچنیوالی په دوره کی باید دسپورت دتنوع اود سپورتنی وسایلو دبنکلا عامل باید هیڅکله هیر نه شی .

ددی له پاره چه دورزش دتر- بیوی اړخونو سره څه ناڅه مرسته او کومک شوی وی شوروی ماهرانو عقیده څرگنده کړیده چه دورزشی دانکشاف او په تر بیوی اړخونو کی دهنه دودی او تدریجی تکامل دپاره یوه غوره لاره داده چه دورکتوب په دوره کبسی دورزش تربیوی ماهیتونه تربیت او وټاکلی شی اوبیاوروسته دطبیعی زکات دبه نظر کبسی نیولو سره دورزش ډولونه وټاکل شی. دغه راز دورخنیو تجربو له مخی اقلیمی شرایط هم په وار سره د

دژوندانه په ټولو دور و کبسی او په تیره دورکتوب او جوانی په مرحلو کی ورزش اوبدنی روزنه دار گونیزم دتدر یجی ودی او تکامل پاره یوه مهم او ضروری عنصر بلل کبزی .

په داسی حال کبسی چه اوس دورزش او بدنی روزنی دتمریناتو د اجرا کو لو اوسر ته رسو لو دپاره نوی شرایط او امکانات درا منځ ته کیدلو په حال کبسی دی گورو چه ورزش او فیزیکی تمریناتو تر بیوی ماهیتونه هم دورزش دماهرانو دزیاتی پاملرنی وړ گرځیدنی دی او د ۱۹۷۴ کال دشروع څخه را په دیخوا په تربیوی اړخونو کبسی د کوچنیانو دورزشی استعدادونو دورولو دپاره په یولړ نوو تربیوی



په گروهی توگه د کوچنیو ورز - شکارانو د تربیوی تعلیماتو ټولنه څخه



این زن وشوهر همیشه یکجا به تمرین میسر دازند .

## قهرمانان جهانی

نیز می شوند به آمادگی مسابقات المپیا در اتحاد شوروی میخو هند پخومو او الکساندر گرشکوف برای آماده شدن در مسابقات المپیا که در سال ۱۹۷۶ صورت میگیرد آغاز نموده اند زیرا در پروگرام دوازدهمین مسابقات المپیک برای اولین بار بازی روی یخ شامل گردیده است. سازمان ورزشی اتحاد شوروی در نظر دارد که پرو گرام جدید یعنی هشتمین پرو گرام بازی های روی یخ باهیچکدام از بازی های قبلی شان شباهتی نداشته باشد .

از منابع شوروی

هفت سال است که لود میلا پخومو او الکساندر گرشکوف در مسابقات قهرمانی بازی روی یخ اشتراک می نمایند و در طول این مدتی که در مسابقات اروپائی و جهانی حصه گرفته اند کلسیون بزرگی راز مدال های درجات عالی جمع آوری نموده اند. در مسابقات قهرمانی جهانی سال ۱۹۷۴ که بازی های روی یخ در شهر مونشن صورت گرفته بود میلا پخومو و الکساندر گرشکوف برای پنجمین بار برنده مدال طلائی گردیدند این دو قهرمان را با هم زن وشوهر



در تصویر این دو قهرمان را موقع اجرای یکی از مشکلتن این قسمت مسابقه را می بینید. شماره ۲۶ و ۲۵



# مردی بانقلاب بقیه

## تا اینجا داستان :

گنتر مامور لایق پولیس به تعقیب سازمان بقیه ها زندگی اش را از کف داد.  
 لك معاون کمیسر پو لیس به تشویق دیک گاردو ن به تعقیب  
 مایتلند پیر که مرد موزی است میباید. رای بنت جوان که نزد مایتلند کار  
 میکند، به اثر تشویق لولا بسا نسوا پارتمان لوکس به کرایه گرفته می  
 خواهد به خدمت خود نزد مایتلند پیر خانه دهد و تلاش خواهرش برای  
 ادامه کار او نزد مایتلند به کدما نتیجه نمی رسد و او را ترک میکند  
 دیک از طرف وزارت خارجه انگلیس مامور حفاظت یک سند میشود. اما  
 اسناد از سیف منزل لارد فار میلی بطرز اسرار آمیزی به سرقت میرود  
 با تحقیقات پو لیس هاگن مدیرو کلب هیرون گرفتار میشود. اما هاگن  
 بطرز عجیبی فرار میکند و اکسون پولیس به اثر اشتباهی که دارد  
 یکس های راکه مرا جعین در شعبات حفظیه استیشن های ریل به اهانت  
 می سپرد در دفتر مرکزی تفتیش مینماید. در اثنای تفتیش بمبی در  
 دفتر پو لیس متعلق میشود و اینک بقیه داستان.

جانسن پاسخ داد: این را نمی دانم  
 شاید همینطور باشد که شما میگویید.  
 منظورم اینست که بخوشی حاضرم  
 اورا کمک کنم. چندین کار دیگری هم  
 هست که کمتر با اهمیت مینا شد  
 و شاید طوریکه شما میگویید رای  
 نخواهد دفعتا یک چنین کار پر  
 مسئولیتی را قبول کند.

دیک نظر قطعی اش را ابراز داشت.  
 یقینا نمی خواهد بار مسئولیت به  
 این بزرگی را دفعتا بدوش خود بکشد.  
 لك اظهار داشت: به نظر من  
 مشکلترین کار برای مانجات رای  
 بطور کلی از جنگ سازمان بقیه ها  
 می باشد یک بار یک بقیه همیشه  
 بقیه. و این آقای نمبریک که دست  
 روی دست و چهارزانو نشسته  
 سرانجام سقوط خود را به چشم سر  
 خواهد دید. ماورا گرفتار خواهیم  
 کرد. امروز صبح ما شاهد یک حرکت  
 جنایتکارانه آنها و سقوط شان  
 نسبت به جان جانسن به روی  
 خیابان بودیم. آنها میخواستند  
 جانسن را به ضرب گلوله از پای  
 در اندازند.

دیک لب تری را از گوشه دهانش  
 دور کرده حلقه غلوی ازدود آبی را  
 بهوا فرستاد و سپس اظهار داشت:  
 بقیه میدان را باخته و مشتش باز  
 شده است. یگانه سوالی که باقی  
 مانده اینست که برای خاتمه دادن  
 به این بازی کدام راه بهتر خواهد  
 بود. بالدر دستگیر شده و هاگن  
 در زندان بسر می برد. لیو برادی یکی از  
 اجنت های بانفوذ بقیه کشته شده  
 و لولا ...

لك گفت: لولا رفته است. او  
 امروز صبح عازم ایالات متحد امریکا  
 شده جو شابراد امکانات مسافرت  
 لولا را توسط کشتی به امریکا فراهم  
 ساخت. باین حساب تنها شخص بقیه  
 باقی میماند و سازمانی که او آنرا  
 اداره میکند. بمجردی دستگیر شود  
 با تمام تشکیلاتش درهم می باشد و  
 کلیه اعضای باندش تسلیم خواهد  
 شد.

در همین لحظه جان بنت نزد آنها  
 برگشت و به این ترتیب موضوع  
 صحبت تغییر کرد. چند لحظه بعد  
 جانسن خداحافظی کرده رفت.

حکم اعدام محکو مین حاضر میبودیم  
 وقاعده شخصی که اجرای حکم اعدام  
 را برعهده میداشته باشد و هویت جلا  
 دان مخفی میماند و حال اگر او  
 میخواست از خود حرف بزند، او به  
 شهرتی کاذب و قابل اندیشه می شایند  
 میترسید. بنت از مواجهه شدن با  
 ذهنیت عامه رم میکند و حتی از ظاهر  
 شدن در استیشن های ریل شهر  
 های که محکومین اعدام میشد دوری  
 میجست. او عادتاً دریک از استیشن  
 های قراء نزدیک شهر مورد نظر از  
 ریل پیاده میشد و باقیمانده فاصله  
 را پای پیاده میرفت و خود سرا به  
 محل کارش میرساند.

سر محافظ زندان گلا مستر بمن  
 گفت که او همیشه نیمه شب یک  
 شب قبل از اجرای حکم اعدام خودش  
 را به زندان می رساند. هیچکس آمدن  
 و رفتن او را ندیده اند.

اما مایتلند پیر غالباً جان بنت  
 را می شناسد.

دیک باسر اشاره کرد. به احتمال  
 قوی آری. مایتلند مدتی را در زندان  
 بود و امکان دارد که بعضی از  
 زندانیان صاحب امتیاز میتوانند  
 جلا را ببینند و بشناسند منظور  
 من از زندانیان ممتاز کسان میباشند  
 که بعلت رفتار خوب شان  
 باز زندانیان اجازه میداشته باشند  
 در محوطه زندان آزادانه گشت و گذار  
 کنند. مایتلند به ایلا گفته بود که او  
 مدتی را در یک سو را خ گذشتا نده  
 و این به عقیده من بهترین تعریفی  
 برای حبس بودن خودش بوده است  
 تمام مکاتیب رسمی برای بنت به دور  
 کینگت می رسید، جایی که او یک  
 اتاق را برای تمام طول سال به  
 کرایه گرفته بود. مسافرت های  
 اسرار آمیز او در شهر برای مردم  
 مرموز جلوه نمی نمود. زیرا آنها  
 نه شکل او را دیده و نه نامش را شنیده  
 بودند.

اما مایتلند پیر غالباً جان بنت  
 را می شناسد. دیک باسر اشاره کرد.  
 قوی آری. مایتلند مدتی را در زندان  
 بود و امکان دارد که بعضی از  
 زندانیان صاحب امتیاز میتوانند  
 جلا را ببینند و بشناسند منظور  
 من از زندانیان ممتاز کسان میباشند  
 که بعلت رفتار خوب شان  
 باز زندانیان اجازه میداشته باشند  
 در محوطه زندان آزادانه گشت و گذار  
 کنند. مایتلند به ایلا گفته بود که او  
 مدتی را در یک سو را خ گذشتا نده  
 و این به عقیده من بهترین تعریفی  
 برای حبس بودن خودش بوده است  
 تمام مکاتیب رسمی برای بنت به دور  
 کینگت می رسید، جایی که او یک  
 اتاق را برای تمام طول سال به  
 کرایه گرفته بود. مسافرت های  
 اسرار آمیز او در شهر برای مردم  
 مرموز جلوه نمی نمود. زیرا آنها  
 نه شکل او را دیده و نه نامش را شنیده  
 بودند.

وقتی لك شام به هارلی تریس  
 آمد و دیک را در آنجا ندید دچار حیرت  
 شد. پیشخدمت اطلاع داد که  
 صاحب پس از استراحت مختصر  
 لباسش را عوض کرده و بدون  
 گذاشتن پیا می بیرون رفته بود.  
 دیک معمولاً به تنهایی به گردش  
 نمی رفت و لك نخست اینطور فکر

تریس مانده، فردا صبح عازم  
 استیشن یاد ینگتن شدند تا رای را  
 در آنجا ملاقات نمایند.  
 دیک از آنها همراهی کرد و لك اظهار  
 داشت: اما بنظر من بسیار جالب می  
 آید که نه شما و نه من بنت را درست  
 می شناسیم.  
 دیک گفت: چگونه باید او را می  
 شناختیم نه تو و نه من هنگام اجرای

دیک پرسید: آقای بنت، شما به  
 ایلا چیزی نگفته اید؟  
 - درباره خودم؟ نه چیزی  
 نگفته ام. مگر لازم بود چیزی  
 میگفتم؟  
 دیک به آرامی گفت:  
 تصور نمی کنم. بنظر من بهتر  
 است بگذارید این موضوع به حیث  
 یک سربین شما و رای باقی بماند.  
 من مدتها پیش این موضوع را  
 میدانستم. در همان روز که لك  
 بمن گفت شمارا در استیشن ریل  
 کینگت کراس دیده بود و در همان  
 روز سرقتی هم بوقوع پیوست  
 من دریافتم که در همان روز یک نفر  
 را در زندان یورک به دار آویختند.  
 من بخودم زحمت داده درستون های  
 مخصوص وقایع جنایی روز نامه ها  
 و جرایم به جستجو پرداختم و سر  
 انجام دریافتم که قرار ادعای لك  
 هر بلاغیبست شما پاسر قتل و دزدی  
 همراه میبود.

اما همیشه در طول یک سال آنقدر  
 دزدی و سرقت در انگلستان بوقوع  
 می پیوندد که اگر این تصادف رخ  
 نمیداد، عجیب می نمود. اما اتفاق  
 های دیگری هم واقع میشد. در  
 روزیکه قتل درجیلی کاپس رخداد،  
 شما در گلاسستر بودید. و درست  
 در همان روز ویلبس قاتل هر فورد

جان بنت سرش را پایین انداخته  
 با تردید اظهار داشت: پس شما  
 میدانستید و باز هم ...  
 دیک باسر اشاره ای نمود و بالحن  
 دوستانه ای گفت:  
 من ناگامی تمام پلان های شما را  
 برای یافتن یک کار آبرو مند و شغل  
 مناسب میدانستم. و هم متوجه  
 ناراحتی شما بودم که چنین شکل  
 دهشتناکی را قبول کرده بودید. شما  
 در نظر من مجری قانون می آمدید  
 نه بیشتر و نه کمتر از شخص خودم  
 که بسیاری مردم را تابه روی چوکی  
 برقی کشانده ام دهشتناک نبودید  
 شما کمتر از یک قاضی نا پاک نبودید  
 که اشخاص را محکوم میکند و در پای  
 ورقه حکم اعدام محکو مین امضاء  
 مینماید ما همه ابزار و سامانی  
 هستیم برای برقراری نظم.

ایلا و پدرش آنشب را در هارلی  
 تریس مانده، فردا صبح عازم  
 استیشن یاد ینگتن شدند تا رای را  
 در آنجا ملاقات نمایند.

دیک پرسید: آقای بنت، شما به  
 ایلا چیزی نگفته اید؟  
 - درباره خودم؟ نه چیزی  
 نگفته ام. مگر لازم بود چیزی  
 میگفتم؟  
 دیک به آرامی گفت:  
 تصور نمی کنم. بنظر من بهتر  
 است بگذارید این موضوع به حیث  
 یک سربین شما و رای باقی بماند.  
 من مدتها پیش این موضوع را  
 میدانستم. در همان روز که لك  
 بمن گفت شمارا در استیشن ریل  
 کینگت کراس دیده بود و در همان  
 روز سرقتی هم بوقوع پیوست  
 من دریافتم که در همان روز یک نفر  
 را در زندان یورک به دار آویختند.  
 من بخودم زحمت داده درستون های  
 مخصوص وقایع جنایی روز نامه ها  
 و جرایم به جستجو پرداختم و سر  
 انجام دریافتم که قرار ادعای لك  
 هر بلاغیبست شما پاسر قتل و دزدی  
 همراه میبود.  
 اما همیشه در طول یک سال آنقدر  
 دزدی و سرقت در انگلستان بوقوع  
 می پیوندد که اگر این تصادف رخ  
 نمیداد، عجیب می نمود. اما اتفاق  
 های دیگری هم واقع میشد. در  
 روزیکه قتل درجیلی کاپس رخداد،  
 شما در گلاسستر بودید. و درست  
 در همان روز ویلبس قاتل هر فورد



های خود ضرورت دارم البته در  
صورت تیکه مطابق نظریه سلینسکی  
در آینده هم نتایج و لغزاتی داشته  
باشد و در خلال آن وقتی ایلا عروسی  
کرد تو میتوانی به جمع کردن کچالو  
هم بپز دازی.

رای متعجبانه بسوی خواهرش  
دیده پرسید: ایلا واقعا عروسی  
میکند؟ آنگاه بسوی خواهرش  
دویده او را بو سیدوبه ایلا گفت: خواه  
هر خوشحالم که اتفاقی که برای  
من افتاد ترا متضرر نساخت.

ناتمام



میالغه را در پیش گیرم.  
تصور میکنم يك زندگي آرام و  
مطبوعی در منزل برای خودم بسا  
کندن و جمع آوری کچالو از مز رعه  
فراهم سازم راستی کار در مزرعه  
راتر جیح میدهم و بانها بت خوشی  
این کار را میکنم.

بیرمرد متفکرانه به روی سسر  
میزی خیره مینگرست. و پس از  
لختی تفکر اظهار داشت:

من یکنفر معاون برای قلمبرداری

کرد که شاید ديك به هواسها مرفته  
باشد الك به بستر مستريح ديك  
نظر انداخته بفكر استراحت افتيد  
امانمی خواست بدون دیدن ملاقات  
کردن با آمرش به منزل پر گردد.  
بنابر این به اتاق کار ديك رفته روی  
آرام چو کی دراز کشید و تقریبا  
بخواب رفته بود که کسی آهسته به  
شانه اش زد. الك چشمها یش را باز  
کرد و ديك را در مقابل خود ایستاده  
دید.

الك با چشمهای خواب آلود  
اظهار داشت: شما میخواستید  
تمام شب را در بیرون از منزل  
بگذرانید؟  
دیک در جوابش گفت: مو تر من  
دم دروازه ایستاده است بالا پو شی  
خود را بردارید و بامن بیایید ما میرویم  
الك در حالیکه فازه میکشید به  
ساعت نگاه کرد اعتراض کنان گفت:  
او درین ساعت شب در بسترش  
غنوده است.

دیک جواب داد: امیدوارم همین  
گونه باشد اما من ترس دارم زیرا به  
من اطلاع رسیده که در ساعت ۹ شب  
بقه بزرگ را در خیابان های -  
هواسها م دیده اند.  
باشنیدن این مطلب الك کاملاً بیدار  
شده بود بانگاه تعجب انگیزی -  
پرسید.

این مطلب را از کجا می  
دانی؟  
دیک جواب داد: تمام شب مراقب  
او بودم. اما او از چنگم فرار کرد.  
الك آهسته تکرار کرد: شما  
بقه بزرگ را زیر نظر گرفته بودید؟  
مگر شما او را می شناسید؟  
دیک جواب داد: من او را از يك  
ماه به اینسو می شناسم.  
تفنگچه خود را هم بردارید.

یگانه خوشبختی که در زندگي  
با خوشی های دیگر قابل مقایسه نمی  
باشد، زمانی به انسان دست می  
دهد که یکی از وابستگان نزدیک از  
خطری وارسته به سلامت نزد ما بر  
گردد.  
رای بنت در پهلو ی پدرش نشسته  
بانشاط و سعادت تمند مینمود و از  
خوشحالی بسیار سر از پای نمی  
شناخت. برای او مثل رویا بود و  
باورش نمی آمد که باز هم در یسن  
نشیمن خوش هوا با پرده های مقبول  
اش بنشیند و بوی عطر خفیف لاوندل  
بخاری بزرگ دیو آزی و کلکین های  
نکلی آنرا دوباره ببیند و خواهرش

جان بنت خطاب به پسرش  
اظهار داشت: جانسن تصمیم گرفته  
آمریت شرکت مایتلند را بگو و گذار  
شود، بلی او اینطور تصمیم دارد.  
پسرم نظر تو درین باره چیست؟  
رای سرش را شور داد و پاسخ داد  
من برای اداره شرکت مایتلند همان  
قدر مناسبم مثل آنکه ریاست بانك  
مرکزی انگلستان را بمن واگذار  
شوند.

در حالیکه لبخند خفیفی میزد به  
حرفش ادامه داد: نی پدر تو قعات  
من امروز مثل دیروز زیاد نیست و  
میل ندارم در زنده گی راه اغراق و

میل ندارم در زنده گی راه اغراق و





ترجمه ژرف بین

# رسم و رواج کهنه

ویتیا گر بیسوف بعد از فراغت از دبیرستان به این شهر آمد و فوراً مجذوب او شد. در فابریکه ای که گماشته شده بود همه چیز را مطابق ذوق خود یافت زیرا بصورت کلی کسانی که چرخهای این فابریکه را به دوران می انداختند همه مانند ویتیا جوان، خوش صحبت و مزاحی بودند. پس از چند روز او با همه شناسایی حاصل نمود. حتی گالیه منشی پروگرام های فابریکه او را به سالکریه تولیدی خود نیز دعوت کرد. و گفت که روز پنجشنبه ساعت شش منتظر شما هستم.

ویتیا پوره ساعت شش شام حاضر شد گالیه او را به بدخل اپارتمان دعوت نمود و دست گلی را که با خود آورده بود از ویتیا گرفت و در یکی از گلدان های قشنگ کریستالی گذاشت ویتیا گفت: گلدان زیبائی است.

گالیه مثل اینکه این سخن نفس نازی ای به او داده باشد با وجد خاصی گفت:

— خوش آمد؟ آنها بردار از تو باشد. در شهر ما عادت است که از هر چه مهمان تعریف کند مالکش میشود.

ویتیای جوان از حرفش خجالت کشیده گفت:

می بر آمد تحفه ای زیر بغل داشت. میخواست جای دیگری برود ولی گلدانی که در دست داشت مزاحمش بود بگر است بطرف منزل روان شد. روز دیگر ویتیا در مهمانی سر میخانیک فابریکه اشتراک جست که هنگام خروج شش جلد کتاب سرو-انس را زیر بغل داشت و در بجنده دیگر همینکه از منزل میخانیسک شش کوف برون شد بسته ای از ظروف چینی در دست معلوم میشد. روزی بعد از ختم کار ریابوف یکی از منظمین فابریکه رو به ویتیا کرد و گفت:

— بیا امروز بخانه ما برویم و در پروگرام رنگه تلویزیون کنسرت جالب دور ژاک را که بیانو می نوازند تماشا کنیم.

— باکمال میل.

به منزل ریابوف آمدند و پس از مدت ده دقیقه تماشای پروگرام کنسرت در تلویزیون ویتیا خسته شد و گفت:

— چه تلویزیون قشنگی دارید. منظم فابریکه سخنش را با تکان سر تصدیق کرد. مثل اینکه هیچ حادثه ای اتفاق نیفتاده باشد به تماشا کردنش ادامه داد.

مهمان فکر کرد که شاید پروگرام تلویزیون واقعا سرگرم کننده است و به سخنی که من گفته ام متوجه نشدند اینرو پس از ختم پروگرام



زن: مهمان بکار یارید

دو باره گفته اولی خود را تکرار کرد:

— شما چه تلویزیون قشنگی دارید. ریا بوف تأیید کنان جواب داد.

— بلی بسیار مقبول است. — من هم همین را گفتم و تلویزیون شما خوشم می آید. — بسیار عالی کار میدهد. ویتیا خیلی ناراحت شد و با خود گفت «این چه آدم نادان و نقمببی است.»

— تلویزیون شما خیلی ها زیباست. لاکن احتیاط کن که برسوم قدیمه آنها بمن تحفه ندی رنگه اش خیلی ها تیز و زننده است.

— ناراحت نشوید آنچه را که تحفه گرفته اند هدیه نمی کنند. — چه چیزی را تحفه گرفته اند؟ — تلویزیون را میگویم همین تلویزیون را به من داده اند. — چطور تو میتوانی ثابت کنی که این تلویزیون را نخریده ای؟ — ومن حتی در فکر ثابت کردن

آن هم نیستم زیرا تمام شهر می دانند که در تمام زندگیم جنسی را متعلق به من است خریداری نشده است. و تمام آن اجناس تعریف و توصیف شده است که توسط من صورت گرفته.

ویتیا فریاد زد:

— همه شهر میدانند ولی من نمی دانم!

من انسان مساقری هستم. و برای آخرین بار برای شما میگویم که (تلویزیون شما خیلی ها مقبول و مورد پسند منست) ...

و یا اینکه به بولیس اطلاع می دهم. ریابوف نیز فریاد زد.

— اطلاع بده! او خودش شاهد است که این تلویزیون را من در منزل یکی از همکاران صفت کردم و گرفتم.

ویتیا با قهرو غضب در را بروی ریابوف زد و از منزلش بیرون شد و تا امروز دیگر حتی با او سلام علیکی ندارد.

آیا ممکن است انسانی را که به عادت و رسوم همیشگی و قعی نگذارد احترام کرد؟



## این جهانگردان

جهانگردی برای دوستش تعریف میکرد.

- بلی ... روزی من در افریقا در چادرم نشسته بودم که ناگهان شمیری در مقابل من ظاهر شد و چون تفنگ در دستم نبود یک سطل آب روی یوزه اش ریختم دوستش گفت:

راست میگویند ... همان روز من در افریقا بودم و همان شیر را دیدم که آب از یوزش می چکید و در بدر به دنبال دستمال می گشت

## خوراک مرغ

اندو تازه باهم ازدواج کرده بودند. هنگام ظهر، وقتی تازه عروس خوراک مرغ را روی میز گذاشت مرد حساس کرد که بوی ناخوشایندی از غذا به مشام میرسد. کمی بو کشید بعد پرسید:

آیا چیز در شکم مرغ گذاشتی؟ زن با خوشحالی جوابداد. عزیزم... تنها دفا میخوام ستم بگذارم، والی در شکمش جای خالی وجود نداشت.

## در عالم طبابت

مرد جوان خوش قیافه ای که ریش فرانسوی قشنگی گذاشته بود و عینک زده و پیراهن نخی بلندی پوشیده بود داخل کتابخانه ای که کتاب و مجلات کهنه و قدیمی می فروخت شده و به فروشنده گفت:

- آقا خواهش میکنم مقداری مجله قدیمی بمن بدهید. فرق نمی کند که چه مجله ای باشد. هر چه قدیمی تر و کهنه تر و کثیف تر بهتر.

فروشنده تعجب زده نگاه می باو انداخت و گفت:

- ممکن است بپرسم این مجله کهنه ها را برای چه میخوایید؟

- بلی، من تازه از دانشکده طب فارغ التحصیل شده ام و قرار است تا یک هفته دیگر معاینه خانه دایر کنم میخوام هم آنها را در اتساق انتظار بگذارم تا مردم فکر نکنند طبیب تازه کار و بی تجربه ای هستم.



از بالا به پایین بدون شرح



چرا اینقدر ایجاد مزا حمت میکنی...؟ بی بگیر

## گرفتاری عجیب

دو دوست بهم بر خورد کردند یکی از آنها رو بدبگری کرد و گفت - من گرفتاری عجیبی پیدا کرده ام!

- گرفتاری تو چیست؟  
- هیچ ... زن من خیال میکند چوب لباس است.

- خوب چرا طلاقش نمیدهی.  
- احق اگر طلاقش بد هم آنوقت لباس هایم را کجا آویزان کنم

## در تکر اس

یکی از تفنگچه کش های تکر اس پس از خوردن مشروب زیاد در حالیکه سرش گیج میرفت از رستوران خارج شد، اما هنوز چند قدمی بر نداشته بود که ناگهان کنترل از دستش رفت و پای تفنگچه کش بروتی را لگد کرد ... تفنگچه کش لگد خورده که حسابی عصبانی شده بود یخن هفت تیرکش اولی را گرفت و یک مشت حواله چانه اش کرد ... رستوران که همه چیز را دوتا میدید فریاد زد: تا جوان ها ... چرا میزنید آخر چند نفر به یک نفر برابری.

## شیرینخ

مادر کلان، دوسکه پنج سنتی به نوه کوچک خود داد و به او توصیه کرد که یکی از آنها را برای خود شیرینخ بخرد و دیگری را در کلیسا به صندوق جمع آوری اعانه مخصوص خیریه بیاندازد ولی پسر کوچک وقتی از مقابل شیرینخ فروشی می گذشت طاقت نیاورد و با هر دو سه دو شیرینخ خرید در بین راه، ناگهان یکی از شیرینخ ها لغزید و بزمین افتاد ... پسرک آهی کشید و گفت:

- سوای خداجان ... بستنی خیریه از دست رفت!





## در باره این صفحه

اداره مجله در نظر دارد از این رس صفحه سر گرمی و مسابقه را به شکل تازه تری که پیش از پیش حاوی مطالب ارزنده و آمو زنده باشد تقدیم نماید .

هر مطلبی که در این صفحه می آید، خواه به عنوان سر گرمی و تفریح باشد و خواه شکل مسابقه داشته باشد ، بطور کلی سعی شده است که در پرورش قوای فکری شما خواننده عزیز، کمک کند و اگر نتواند بر معلومات شما چیزی بیفزاید، لاف شایسته آن باشد که بعنوان یک تفریح یا سر گرمی سالم شناخته شود . جواب هر سوال که به رسم مسابقه طرح میشود یک هفته بعد نشر میگردد و البته کسانی که جواب صحیح فرستاده باشند نا هشان یاد میشود .

## مسأله ای از هندسه

دو مثلث مختلف الاضلاع داریم .

مثلثی که اسم آنرا ( الف ) میگذاریم طول یک ضلعش ۱۵ سانتی طول ضلع دیگرش هشت سانتی و طول ضلع سو مش ۱۷ سانتی متر است .

مثلث دوم که بنام ( ب ) یاد میشود، یک ضلعش ۲۱ سانتی ، ضلع دیگرش ۲۵ سانتی و بالاخره ضلع سو مش ۲۹ سانتی طول دارد .

آیا شما می توانید معلوم کنید که کدام یک از این دو مثلث، قائم الزاویه می باشد ؟

دلیل شما چیست ؟

جواب صحیح در هفته بعد تقدیم میشود .

## معمای منظوم

قطعه ذیل گرچه معمای منظوم ، خواننده شده و لی معما نیست، بلکه از نوع لغز و چیستان است که با کمی دقت جواب آن بدست می آید .

ای حکیمی که ز کلك تو اگر نقطه فند

بر رخ حجله نشینان فلك خال شود

چیست آن نام که بر حرف نخستش الفی

گر ز یادت بنما نی دل ابدال شود

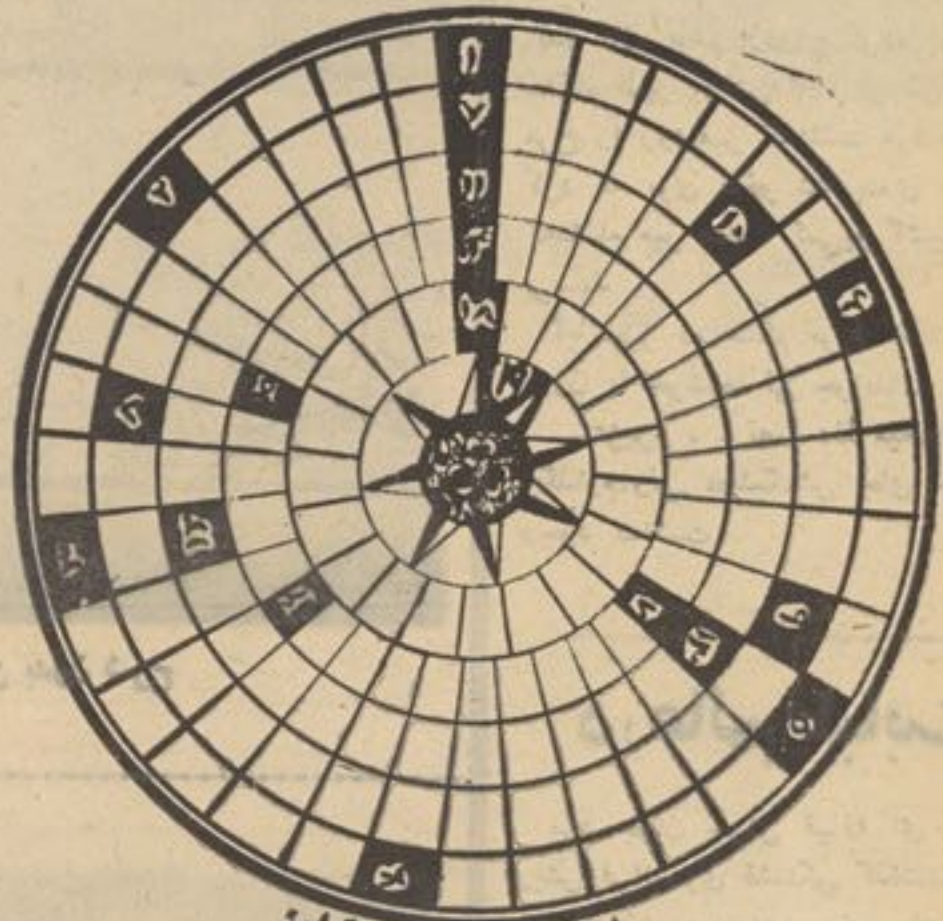
و آنچه ماند پس از آن حرف ازین نام بزرگ

آدمی گر گذراند به زبان لال شود

ژوندو

## جدول اطلاعات عمومی

- ۱- این شاعر بزرگ که در عین حال عارف بزرگ هم هست در سال ۸۱۷ هجری متولد شده است .
- ۲- غزلسرایی است که از دیوانش فال میگیرند .
- ۳- نا بینا بود ولی هم موسیقی دان بزرگی بود و هم شاعر شیواییان .
- ۴- شاعر توانایی از بلخ در عصر غزنویان که بنام حکیم یاد میشود :
- ۵- و این نیز شاعر معروفی است از سیستان در همان عصر .



طرح کتبه: صالح محمد کتبی

- ۶- فیلسوف بزرگی که قبل از میلاد زندگی میکرد و از آثارش سه نامه به شاگردان مشهور است .
- ۷- و این هم فیلسوف بزرگی است از وطن ما که دانشنامه اش معروف است .
- ۸- فاتح معروف جنگای صلیبی .
- ۹- شاعر بلخی که در عصر سامانیان میزیست و در دوسی هزار بیت از گفته او را در اثر خود گنجایده است .
- ۱۰- از فلاسفه معروف فرانسه و نویسنده فر هنگ فلسفی است .
- ۱۱- رومان بزرگی است از الکساندر دو ماکه ازان فلمی هم ساخته اند .
- ۱۲- افلاطون ولا مارتین هر دو کتابی به این نام دارند .
- ۱۳- یکی از آثار برجسته حکیم سنائی غزنوی .
- ۱۴- کاشف اشعه ایکس .
- ۱۵- گوینده منطق الطیر .
- ۱۶- وطن عزیز ما
- ۱۷- اثری از والتر اسکات .
- ۱۸- رسام چیره دستی که شاعرو نویسنده و موسیقی دان نیز بود و سال گذشته وفات یافت .
- ۱۹- نظام مترقی و محبوب ما .



## جدول کلمات متقاطع

افقی :

- ۱- ماده ایست که از نفت استخراج میشود و مورد استعمال طبی دارد، ضد خواب .
- ۲- ضرب المثل است که اسمب خوب رایك . . . بس است .
- ۳- درپای حیوانات اهلی و درادویه سمی یافت میشود - ضمیر متکلم .
- ۴- شاعری که در قصیده سرایی مهارت بسزایی داشت و يك حکم نجومی هم به او نسبت میدهند - نان میفروشد .
- ۵- به دندان میمانند .
- ۶- یکی از اعداد دو رقمی - جنگ - پوستین بهر... آمدنی بهار .
- ۷- المان - شاعران ابرو را گاهی به آن تشبیه میکنند .
- ۸- برادر (عربی) - رای میان خالی .
- ۹- یکی از معروفتترین روزنامه های کشور .
- ۱۰- موسسه جهانی که با امور فرهنگی سرو کار دارد - از میوه های خوب همین فصل .

	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱													
۲													
۳													
۴													
۵													
۶													
۷													
۸													
۹													
۱۰													

طرح کننده: هونسه بشیر

عمودی :

- ۱- از اعیان هنود است - عارف و شاعری از افغانستان در قرن نهم .
- ۲- از او زبان است ولی نه از سلسله متریک - رنگی است شادی بخش .
- ۳- عدشش (عربی) - صفتی است برای کاری که چاره ناپذیر باشد - و این هم از اوزان است اما از سلسله متریک .
- ۴- نیمش حرف نفی عربی است و نیم دیگرش طلا - رطوبت .
- ۵- از آنسوهر از زیستن - دریا از لوازم موثر داشتن .
- ۶- تابناک - از اعضای بدن - به کاکا میگویند .
- ۷- روز میگیرند و شب میخورند .
- ۸- ساد - نوعی میوه است - در ادبیات هم بمعنی چوک آمده و هم بمعنی چالاک .
- ۹- حرف نفی (پشتو) - مخفف اینک - تکرار یک حرف .
- ۱۰- علامت جمع است بخصوص برای غیر ذیروح - دوست .
- ۱۱- از غذا های خاص افغانی - کمیاب - ضمیر مخاطب .
- ۱۲- در سر میروید - رفیق و همکار .
- ۱۳- مملکتی که در تاریخ فلسفه شهرت بسیار دارد - پیوسته به دندان

## اعداد نامعلوم

$$\begin{array}{r}
 * 1 * \\
 \times \quad * 2 * \\
 \hline
 * 3 * \\
 * 2 * \quad * 3 * \\
 * 2 * \quad * 5 * \\
 \hline
 * 1 * \quad * 8 * \quad * 3 *
 \end{array}$$

به این کلیشه خوب دقت کنید و ستاره هایی را که بجای اعداد نوشته شده است از نظر بگذرانید . هر یکی از این ستاره ها از يك عدد نمایندگی میکند یعنی قیمت همه آنها یکی نیست ، ممکن است یکی از آنها صفر باشد و دیگری مثلاً هشت باشد . بهر حال يك عدد سه رقمی در يك عدد سه رقمی دیگر ضرب شده است و حاصل ضرب هم يك عدد شش رقمی است ، آیا می توانید : اعداد نامعلوم را پیدا کنید؟ اگر نتوانستید ، لطفاً تا هفته آینده صبر کنید و جوابش را در همین صفحه بخوانید .

## مسابقه منظوم

این مسابقه ریاضی در کتابهای قدیمی آمده و لااقل از تاریخ طرح آن سه قرن میگذرد اگر می توانید جواب آن را پیدا کرده بفرستید والا تا هفته آینده صبر کنید و در همین صفحه بخوانید .

گوشواری داشتیم از لعل و مروارید و زر

بود يك مثقال و زن آن مرصع گوشوار

قیمتش کردند صرافان ز روی معرفت

لعل مثقالی به سی لولوبه هجده زربه چار

بستند از این صبر فی وبیست دینارم بداد

ما نده ام حیران درین داد وستد بی اختیار

ك محاسب در همه روی زمین خواهیم که او

يك به يك آرد حساب و زن آ را در شمار

## مسابقه دقت

در این کلیشه يك خانه و چهار نقشه دیده میشود ، یکی از این نقشه ها از ساختمان داخلی خانه نمایندگی میکند بعبارت دیگر نقشه « افتاده » داخل خانه است .



شما بر اثر دقت می توانید نقشه اصلی را از میان چهار نقشه پیدا کنید ، اگر پیدا کردید برای ما بنویسید و گرنه تا هفته آینده صبر کنید .



# ازدوستانت



از: زیلا همین بود

## دختر زویائی

بانگهای مست و مزگامی بلند  
 معبد هر دیده بینا شدم  
 بالبانی بوسه خیزو بوسه خواه  
 آفت دلهای شیدا شدم  
 تا که درآینه دیدم خویش را  
 کانچنان دلخواه وبی همتا شدم  
 ازفسون بی تو بی دادی زدم  
 گرچه من چنین بیجا زیبا شدم  
 بی تو اینهارا بمن آینه گفت  
 سخت بالآینه دروغا شدم  
 آنچنان بشکستم آینه را  
 کز دلش نابود و ناپیدا شده

بی تو یکشب دختر رویا شدم  
 چون خیال شاعران زیبا شدم  
 دردل نازک لباسی از حریر  
 سخت باب خواهش دلها شدم  
 خوش ترارش اندام و دران پیراهن  
 چون شراب ناب درمیثا شدم  
 زآنچه پیدا بود زچاک پیراهن  
 عشق انگیز و هوس افزا شدم  
 بادو چشم جادویی مخمور خویش  
 سد میستان مستی جام ها شدم

از: محمد آصف «غروب»

## لبخند شیرین

مرا راندی ز خود در غمسرای سوزو تنهایی  
 چرا اینقدر مغرور ری تو ای دلبر به زیبائی  
 چه حاصل گر نمودی این چنین نالان و گریانم  
 چرا افتاده خوی تو سراسر، ای مه خود خواهی  
 اول لطف و صفای بی حدت بنمود خرسندم  
 ولسی در عاقبت کشتی مرا با درد تشبائی  
 اگر گویم که رفته از دلم عشق گل رویت  
 دروغی گفته ام زیرا که در خوابم تومی آنی  
 دو چشمت گر بسوی دیگری افتاده باکی نیست  
 من هم ترکت نمایم بعد ازین ای رخت هرجانی  
 برو «آصف» مشو غافل به لبخند شیرین «او»  
 که خوبان عادتت دیگر نماند جز فریبا نی

از: عبدالوحید (قبرزاده)

## بزم مشتاقان

دلم امشب بتیغ بسمل کیست  
 رسیدند عاشقان بروصل جانان  
 جنون در بزم مشتاقان زنده موج  
 فتاده بر سر شانه دوگیسو  
 ((وحید)) اوشمع بزم دیگران است  
 به من شمع بزم مجلل کیست  
 جرس امشب بشوق محمل کیست  
 دو چشم ترگیس اوقاتل کیست  
 بدم اعتبارین زلفش دل کیست  
 نمیدانم که امشب بیدل کیست

انتخاب از: محمد یعقوب قراق

## فلسفه عشق



چشمه های رود خانه ها  
 ورود خانه ها به اقیانوس ها میبوندند  
 بادهای آسمانی برای ابد  
 بارایحه طبیعی درهم میآمیزند  
 هیچ چیز در دنیا تنها نیست  
 همه چیز با قانون خارق العاده ای  
 بااشیا دیگر درآمیزند  
 چرا نباید من همراه تو باشم  
 به بین که چگونه کوهها بر آسمان بلند بوسه  
 میزنند  
 و امواج یکدیگر را سخت در بغل میگیرند  
 آفتاب بر زمین میتابد  
 و پرتوهای بر دریا بوسه میزند  
 ارزش این همه بوسه ها چه خواهد بود  
 اگر مرانبوسی

انتخاب از: قربان بی بی دستاکی

## عرض و نیاز

ساقی بریز باده تابی به چشام ما  
 مطرب بزن نغمه بساز خیرام ما  
 از بوستان وصل نجیدم گل امبد  
 گردون بود همیشه زپی انتقام ما  
 زاهد اگر به صومعه مسکن گزیده است  
 باشد به کتج میگه چاه و مقام ما  
 عرض نیاز بی تراست پیش ناز یار  
 اظهار عجز موج زند از سلام ما  
 تائب به وصف ذات نکویش نهاده ایم  
 این است در جهان تعنا مرام ما  
 (پسغام) برو گوشه صیر اختیار کن  
 شاید که روزگار عیش بخرد بگام ما

از: (راضب)

## زخم پیکان

بیا ساقی بده جامی بیاد لعل خندان  
 که دارم زان لب میگون دلی در قید حرمانش  
 شنیدم از صبا روزی حدیثی زان لب گلفام  
 تو گفتی خطر را آمد میسر آب حیوانش  
 مرزبان طره مشکین بسازم زیست در عالم  
 که گاهی پر خم و چین بینم و گاهی پریشان  
 عجب زخمیست اندر دل تو «راضب» از آن پیکان  
 که نبود مرحمی جز لعل میگون بهر دوامش







## تابلو بانمبر تيلفون

آقای لرو تمندی به تماشای يك  
باشگاه نقاشی رفته بود ، ضمن  
زدید تابلو ها تصویری دختر جوان  
پائلی که در حال بر آمدن از حمام  
در خیلی نظرش را جلب کرد .  
از نقاش پرسید :  
- قیمت این تابلو چند است ؟  
- دو هزار فرانك .

- خیلی قیمت است .  
نقاش سری تکان داد و گفت :  
- معذرت میخواهم ، چون فراموش  
کردم که بگویم ، در مقابل این مبلغ  
علاوه بر تابلو نمره تيلفون مدلی  
آن هم در اختیار خریدار گذاشته  
میشود .

## کبوتر سخنگو

شخصی که به کبوتر خیلی علاقمند  
بود ، نزد بیطاری رفت و گفت :  
- شما فکر می کنید وسیله ای باشد  
که بکمک آن يك کبوتر با يك طوطی  
را بتوانند جفت گیری کنند ؟  
داکتر بیطار حیرت زده به آن مرد  
خیره شد و گفت :  
- این چه کاری است ، از این کار  
خود راز او بپرسد .

- چون من کبوتر قاصد تربیه می  
کنم ، و اگر ما بتوانیم چنین کاری را  
بکنیم ، در آینده هر وقت یکی از  
کبوتر های من راه خود را گم کرد  
می تواند رهگذری را پیدا کند و را  
به آن راه خود راز او بپرسد .



## مژده به زنان

از سالهاست که در اروپا و امریکا  
مانکن ها را از زنان می سازند . ولی  
اخیرا یکی از کار خانجات سا زنده  
وسایل پلاستیکی ، فواسه ، از مرد  
ها هم مانکن ساخته است ، و اکنون  
يك عده از زنانی که آرزو دارند ،  
تنهایی بسفر بروند ، و ضمنا لا زم  
می دانند در نظر دیگران مردی هم  
بکنار شان درموتور باشد ، می توانند  
ازین مانکن ها خریداری کنند و در  
پهلوی خویش در موتور بنشانند .



## تصمیم الیزابت تایلور

به امریکا رفت تادر فیلمی که  
نقش يك زن طناز و وسوسه انگیز  
را دارد ، شرکت نماید . و جا لب  
اینجا ست که الیز تایلور بخا طر  
بازی درین فیلم گرانترین دستمزدی  
را که تا حال يك هنر پشمه داده  
شده است ، دریافت خواهد کرد ،  
و این از برکت کاهش وزن اوست .

تصمیم الیزابت تایلور  
تاون) و دیگر کارگردانان و هنرپیشگان  
ده سال جوانتر شده است .  
لاغر شدن الیز تایلور باعث شده که به  
خاطر بازی در چندین فلم قرار داد  
هائی را امضاء کند زیرا مدتی بود  
که کار گردان ، تنها بعلت چاق بودن  
او ، از امضاء قرار داد جدید باوی  
ابا میوزید ند ، تایلور چندی پیش

چندی پیش الیزابت تایلور ستاره  
موفق سینما که از دیر زمانی به  
اینطرف ، به چاق شدن و افزایش وزنش  
بی اعتنا مانده بود ، بالا خره تصمیم  
گرفت ، وزن خود را کم کند او در  
کار موفق شد و اکنون از نظر ( بر-



# دراثر زلزله اخیر در حدود دهمليون افغانی به امریت معدن کرکر خساره وارد گردیده است

## در حدود يك مليون و ۲۰۰ هزار تن ذغال از معدن کرکر استخراج گردیده است

زلزله شدیدی که بتاريخ هشت اسد امسال در اکثر نقاط کشور بوقوع پیوست صدمه آن بیشتر متوجه امریت معدن ذغال سنگ کرکر واقع بلخمری بود. البته قرار خبر آژانس باخترا در سایر نقاط کشور آسیب و خساره دیگر از این ناحیه عاید نگردیده است. در اثر این زلزله، که محل رهایش کارگران بیشتر صدمه دیده است، به قرار تجویز حکومت به اسرع وقت ۱۵۰ خیمه از طرف جمعیت افغانی سره میاشت روز ده اسد به آنجا ارسال و مورد استفاده کارگران قرار گرفت. برای مطالعه خسارات ناشی از این زلزله، يك هیات فنی با اساس تجویز حکومت از طرف وزارت فواید عامه به آنجا ارسال و اینک راپور هیات مذکور در مورد خساره ناشی از زلزله و مصاحبه که بارنیس موسسه ذغال سنگ شمال بعمل آورده ایم خدمت خوانندگان تقدیم میگردد.

بنامغلی انجنیر احمد شاه رئیس موسسه ذغال سنگ در مسورد استخراج و امور ساختمانی معدن چنین گفت: معدن ذغال سنگ کرکر در ده کیلومتری شهر بلخمری واقع است، کار و استخراج ذغال از معدن کرکر در حدود سال ۱۳۲۳ شروع و تا امروز استخراج از آن دوام دارد. در حدود يك مليون و ۲۰۰ هزار تن

ذغال از معدن کرکر استخراج و از طریق ریاست ذغال سنگ شمال برای استفاده موسسات و اهالی توزیع گردیده است. پروگرام کار و استخراج ذغال همه ساله به اساس احتیاجات موسسات دولتی، موسسات خصوصی و احتیاجات انفرادی شهرها و مردم ترتیب و تثبیت میشود. در سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ سطح استهلاك ذغال خیلی پایین افتیده که موسسه از این ناحیه به ضرر مواجه گردیده بود و خوشبختانه بعد از استقرار نظام نوین در کشور یک جنبش در سمت صنایع مخصوصاً فابریکهجات نساجی ها و سمنست رونما گردید و هم نسبت کیفیت ذغال استهلاك انفرادی نیز بلندتر شد. که به این اساس تا دیات ذغال نظر به شمال ۵۰ تخمیناً ۵۰ فیصد بلندتر رفت. البته در همین سال مراجعین و استهلاك ذغال بيك فیصدی بلندتر توقع می رود.

موصوف افزود: موسسه ذغال سنگ شمال از سال ۱۳۵۰ باین طرف به حیث بيك تصدیی فعالیت می نماید. منابع معدن کرکر موسسه شمال، معدن ذغال سنگ کرکر، معدن دهنه تور، دره صوف و معدن آشپشته میباشد. موسسه ذغال سنگ شمال نظر به تجویز مقامات ذیصلاح، ذغال مولده را به قیمت تمام شده عرضه میکند باین اساس در سالهای ۵۰

۵۱ نسبت پایان آمدن سطح استهلاك ذغال و دوام مصارف ثابت معدن این موسسه ضرر دیده است. امید است با بلند رفتن تولید سال های ۵۲ و ۵۳ تا اندازه از ضرر های دو سال قبل مر تفع گردد. انجنیر احمدشاه رئیس موسسه ذغال سنگ شمال در مورد منازل رهایش و علت تخریب منازل در اثر این زلزله گفت:

منازل رهایش و سایر ملحقات معدن، از بدو شروع استخراج و ذغال استفاده از این معدن بدون کدام پلان فنی بصورت خامه اعمار گردیده وهم گذشت سالها، متمادی بالای محل رهایش و ملحقات معدن باعث گردیده که مقاومت آن در مقابل زلزله ناچیز بوده و یکی از بین برود. امید است بعد از مطالعه هیات فنی و وزارت فواید عامه، کار ساختمانی منازل رهایش کارگران و سایر ملحقات معدن بصورت فنی و متکی به اساسات تخیکی صورت گرفته تا از حوادث ناشی از طبیعت بصورت عمومی در امان باشند.

راپور و چشم دید هیات فنی ریاست تعمیرات وزارت فواید عامه از خسارات معدن ناشی از زلزله اخیر می رساند تخریبات که در حصص مختلف عمارات رهایش و غیره ملحقات ساحه معدن بوجود آمده تا اندازه از سبب تأثیر شدید بودن زلزله در این ناحیه بوده و از جانب دیگر چون تعمیرات رهایش و غیره ملحقات ساحه معدن بدون از اطاق طعام خوری، کاملاً خامه کار و غیر فنی اعمار گردیده و به این اساس تأثیرات زلزله در این ناحیه فوق العاده احساس و زیاده بوده است. قرار خبر منتشره آسیب وارده

زلزله در معدن کرکر، که به اثر آن عمارت رهایش ۶۰۰ نفر عمه تعمیر امریت معدن، حمام، تحویلخانه مواد ارتزاقی و سه محراب مسجد بکلی خراب گردیده است. ایجاب تعمیر مجدد را می نماید. راپور هیات مذکور اضافه میکند:

برای رهایش کارگران با بست در داخل شهر در دامنه کوه مقابله بند برق خانه های فامیلی و بایک هتل بصورت فنی اعمار گردد تا در آینده از این منازل و یا هتل در صورت اختتام استخراج از معدن کرکر برای کارگران سایر پروژه های مربوطه بصورت يك محل مناسب استفاده شده بتواند از طرفی چون شهر بلخمری و سعت یافته است، در صورت اعمار این منازل و محل رهایش کارگران در ساحه مذکور، در زیبایی شهر کمک بسزائی مینماید.

قرار راپور و خبر منتشره، صدمه جانی بکلی متوجه کارگران نبوده و کارگران که در حین زلزله مصروف کار بوده اند، از ناحیه زلزله در امان بوده و خطر مستو جانی آنها نگردیده است. راپور هیات مذکور در مورد پلان ساختمانی تعمیرات مربوط معدن از لحاظ مقادیر و مدت در برابر حوادث طبیعی چه گونه و سرعت کار پیش از فرا رسیدن موسم سرما چطور پیش بینی شده است، می افزاید. در صورتیکه پلان ساختمان تعمیرات برای رهایش کارگران آماده گردد، موانع برای ساختمان آن وجود ندارد. اگر ساختمان تعمیرات بصورت فنی باشد، يك ر یخت باشد مربوط به و شاید بقیه در صفحه ۵۶



### بناغلی خلعتبری

بناغلی عباس علی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران و همراهانش که بنا بدعوت وزارت امور خارجه دولت جمهوری افغانستان برای مسافرت رسمی دروستانه به کابل آمده بودند قبل از ظهر روز نهم سنبله عازم تهران گردیدند. بناغلی خلعتبری طی اقامت در کشورها از طرف بناغلی محمد داؤد رئیس دولت پذیرفته شد و ریاضیات افغانی مذاکراتی پیرامون مسایل مورد علاقه انجام داد و از ولایات بلخ و بامیان بازدید نمود.

برای وداع با همپاتان ایرانی دوکتور عبدالحمید وزیر عدلیه، بناغلی وحید عبدالله رئیس سیاسی وزارت امور خارجه، بناغلی زلمی محمود غازی سفیر کبیر جمهوری افغانستان در تهران، بناغلی عبدالصمد غوث مدیر عمومی

بقیه صفحه ۸

### روز مطبوعات و سواد

همچنان رهبر بزرگ مادر بیانات «خطاب ب مردم» شان به مشکلات و پرابلمهای اساسی کشور ا شا راتی نموده اند.

ازین بیانات بنیانگذار نظام جمهوری ک شور درمی یابیم که کشور ما چه مشکلات و پرابلمهایی در پیش دارد و ما باید چه را هائیرا تعقیب نماییم تا بتوانیم این مشکلات را که موانعی در راه پیشرفت کشور خلق کرده است رفع نماییم. البته این وظیفه خطیر متوجه مطبوعات است تا از راه نشرات مطلوب و مثبت مرامهای نظام جوان کشور را مبنی بر روی کار آمدن اصلاحات بنیادی در مملکت به نحوی شایانی تمثیل نماید.

بقیه صفحه ۸

### دسنبله ۱۸ دملی شورا دتاسیس

دیپژندلو په لړکی ددغو اساسونو بنسټونو د ښکارندوی په حیث د دسنبله ۱۸ ورځ دملی شورا دتاسیس دورخی په نوم نمانځل دمښتو گټورو لرغونی ارز بنټو څخه په الهام اخیستلو د صلاحیتو نو او اخلاقی جراتونو سره مرسته ده.

د دسنبله ۱۸ نیټه دملی شورا دتاسیس ورځ ده چه نما نځل ئی تاریخی ثوابونه دی دملی شورا د مؤسس اعلیحضرت محمد نادر شاه روح ته دبنسټی دعاگوو اود دغسی ورځو نمانځل مښتو تاریخی ارزښتونو درنښت بولو :-

څکه - نن مونږ او زمونږ هیواد او وطن وال دجمهوری نظام په رڼا کی دخپل تاریخی کرامت نه الهام اخیستلو په افتخار دمترقی او مثبت تحول انکشاف دپاره چه صلاحیتونو راته وختونه او فرصتو نه مساعد گړیدی وینوچه استعدادونه او ذهنی بیداری دحقایقو په درک کولو د پسمانی په رفع کولو اود جرعتو او بشری قوت د عملی تشویق کولو په کوشش کی دیوی خوا د پوهنی پراختیا د ذراعتی سیمی سروی د شاپو ځمکو ودانی دمخ په ترقی کرهڼی اصلاحات دمالداری دروزنی دپاره دکرونډو او ورشو گانو تقسیم او حد بندی وټاکلی شولی، دخپلو کرونډو او غرنیو مناظرو طبی بوټی چه دمرض دارو لرو دطب پوهانو په مرسته او علمی تجربو ثابت او وطنی دارو تولیدات شول، درنگوانو چه د ملی شتمنی دی رابرس سیره او استخراج ته زمینی مساعدی شولی اوبه همدی شان دجمهوری نظام په رڼا کی دژوندون په هره برخه کی جاری فعالیتونه دوخت په ژبه دازیری کوی چه د جمهوری سباون افغان بخت راویښن گړیدی اوس کولی شو چه خپلی وړی پخپله شری کړی او وختونه او فرصتونه دتاریخی ماضی په ترجمانی دمستقبل دپاره دافتخار مظهر اود سعادت زیری شی .

شماره ۲۶۰۲۵

### روز ملی پښتو نستان

خوشحالخان و همچنان اتن چیان شکر دره توام با موزیک اتن ملی اجرا کردند . مراسم درحوالی ساعت ۹ پایان یافت .

خبر تکارباختر علاوه میکند که میسدان پښتو نستان بسایر ق های ملی جمهوری افغانستان و بیرق های پښتونستان تزیین گردیده و درخلال مراسم شماره های فوق العاده روزنامه های جمهورییت ، هیواد ، انیس ، و کابل تایمز و همچنان کتاب دخپلواکی ترون که از طرف وزارت امور سرحدات نشر شده است به حضار توزیع گردید .

روز نامه های مرکز در شماره های فوق العاده که بمناسبت روز پښتو نستان انتشار داده اند بیرق پښتو نستان و فوتو های زعمای پښتو نستان و بلوچستان را چاپ نموده و راجع به حقوق حقه مردم پښتون و بلوچ سر مقاله ها و مقالاتی نشر کرده ، یکبار دیگر پښتیبانی دولت جمهوری افغانستان را در راه مبارزه مردم

پښتو نستان برای حصول حق تعین سرنوشت شان تاکید نموده اند .

نامه نگاران باختر از ولایات اطلاع میدهند که روز ملی پښتو نستان در مراکز ولایات نیز با فراشته شدن بسرق پښتو نستان ایراد بیانیه ها مضامین و مقالات و اشعار و همچنان اجرای اتن های ملی باشور و شغف زاید الوصلی تجلیل شد .

در مراسم برگزاری روز پښتو نستان ولایات و ایالت ، قوماندان های عسکری مامورین محلی و هزاران نفر از اهالی و پښتو نستانی ها اشتراک نموده و ازین روز برداران پښتونستانی با ابراز احساسات ، گفتارها شعاری زنده باد افغانستان ، آزاد باد پښتونستان استقبال نمودند و رادیو افغان نستان شاعره راکه از طرف پښتو تولنه ترتیب شده بود قسما ساعت ۷ تا ۸ عشت شب ۹ سنبله نشر کرد .

بقیه ص ۲۷

### فور ددر دوهمین هفته

فورد با بعضی از زنان بانفوذ و سرشناسی کانگرس آمریکا منجمله خانم بیلا ، خانم ایزوگک ، و خانم شیشو لم نمایندگان ایالت نیویارک ملاقات نمود. این وقتی بود که رئیس جمهور اعلامیه را با مضامین رسانید که با اساس آن ۲۶ آگست بنام روز پنجاه و چهارمین سال لکرد آزادی زنان و روز مساوات زنان - آمریکا تعیین گردید . است . و ی تقاضا کرد تا سایر ایالتا تعدیل حقوق مساوی را بحیث تعدیل قانون اساسی آنکشور به تصویب برسانند.

رئیس جمهور فورد قسمت زیاد وقت هفته دوام ریاست جمهوری را به تحکیم و تشدید روابط خود با اعضای کانگرس ، دیموکرات ها و جمهوری خواهان بمصرف رسانید . و ی میزبان یک سلسله مجلس و ملاقات هایی بود که در (دفتر او و ال) به شمول اعضای کانگرس ، بصورت منفرد و دسته جمعی دایر گردید . درین مجالس و ملاقات ها پیشنهاداتی که گذارش آن به تعویق افتیده است مطرح بحث و غور قرار گرفت . فورد دومرتبه در (کمیته ل هل) با همکاران سابق خود ملاقات نمود . در مرتبه اول وقتی بود که وی از خدمات ما یک منسفیید که یک ریکارد خدمت

۱۳ و نیم ساله را بحیث رهبر حزب اکثریت در مجلس سنای آمریکا قایم نموده است تقدیر و تمجید کرد .

فورد گفت : این ثابت می سازد آنها بیکه میتوانند مد اگره و مفاهمه نمایند نسبت به آنها بیکه یک روش سخت را به پیش میگیرند بهتر زنده می نمایند .

بعد تر فورد دوباره به کمیته رفت تا بیانییه های مختصر خو را - در مجلس نمایندگان و مجلس سنا ایرا دکنند .

وی گفت : ( فقط خواستم تا امروز در اینجا توقف نمایم و بشما خوش آمدید بگویم . و رسما جاده پسنلو بنا را بحیث یک جاده دو طرفه افتتاح کنم .

هر دو مجلس از این بیانیه های کوتاه فورد به گرمی استقبال نمودند .

یکی از نشانه های دیگر تما یسل وی به دو حزب ، اینست که فورد یک پور تربیت هری ترو من را در دیوار اطاق کابینه در جوار عکس لیندن جانسن که یکی از روسای جمهور دیگر مقبول و مطلوب فورد است تعلیق نموده است .

فورد از جرات ، حوصله و بالاخره از راست و مستقیم بودن ترو من پیوسته تو صیف و تمجید میکند .



### جوانان و استفاده

جوانانیکه به چشم امید اینگونه افراد خاریاس و ناامیدی را فرو می برند نباید اسم جوان را بالای خود ها بگذارند .

جوانان در يك مملکت ، در يك اجتماع چه (خورد و چه بزرگ) در امور ترقی سهم بزرگ داشته و این سهم مهم آنها ناشی از مفکوره عالی نسجایای نیکو ، کردار نیک شان می باشد . جوانان باید بگو شدند تا همیشه از اثر اعمال نیک خود در قلوب همگان جا بیند کنند و در نظر همه محترم باشند ، زیرا همیشه احترام جوانان ، اعمال نیک و خدمات صادقانه شان نسبت بدیگران موجب میشود که محترم گردند و لفظ جوان را با تمام معنی و اوصاف آن بر خویش بگذارند و جلب اعتماد مردم را حاصل نمایند .

پس بر جوانان است تا همیشه در راه از بین بردن جهل ، فساد اخلاقی و غیره عوامل وسعادت اجتماع خویش سهم گرفته و همیشه باشعار

ع . ك . حمید  
مورخه ۱۷ ر ۵ و ۱۳۵۳

بقیه صفحه ۹

(بقیه ص ۵۴)

### در اثر زلزله اخیر

دست داشته دستگاه های ساختمانی می باشد . زیرا در شرایط فعلی ساختمانی ، عوامل طبیعی سردی و گرمی هوا ، باعث توقف امور ساختمانی شده نمی تواند اقدامات جدی در امور ساختمانی متنازل رهاش و سایر ملحقات معدن مربوط به مقامات وزارت معادن و صنایع می باشد .

در صورتیکه برای رهاش ملحقات معدن پلان ساختمانی روی کار گرفته شود واضح است که در شرایط فعلی ساختمانی های کانکرتی بصورت فنی ، تمام موضوعات حوادث ناشی از طبیعت در نظر گرفته میشود .

يك منبع ریاست ذغال سنگ شمال اضافه می نماید که چون عمارات متذکره از بودجه دولت ساختن میشود ، امید است بزودی پلانی در مورد ترتیب و به ساختمان آن اقدام بعمل آید .

صفحه ۵۶

### اسرائیل به تحریکات

هر گاه اعمال اسرا ئیل را طی جنگهای آن با عربها بدقت ملاحظه کنیم بخوبی دیده میشود که حرکات غیر انسانی انجام داده است ، آیا مردم فراموش خواهند کرد کسه اسرا ئیلی ها در جنگهای خود در مقابل اعراب از بم خای نیالم و آتش افروز استفاده کردند مختصر اینکه شواهد و غلایم زیاد در دست است که نشان میدهد اسرا ئیل هیچگاه صلح نخواسته است .

آیا این موضوع که اسرا ئیل می خواهد از يك موقف قدرت با عربها پیشامد کند خود کلا تئوریک دلیل بر این نیست که اسرا ئیل زور گویی متجاوز است و آیا همین خود دلیل شده نمیتواند که اسرا ئیل آرزوی صلح ندارد از جانبی معلوم میشود که اسرا ئیل از بساوا قعیت ها هم چشم پوشیده است و رنه هیچگاه این ادعا را نمیکرد که شرایط مذاکره و تخلیه سر زمین های اعراب شرطی برای شناسائی خود بداند . چه از زمان ناصر فقید به اینسو اعراب روش خود را در برابر اسرا ئیل اندکی ملایم ساخته اند و رنه هیچ امکان نداشت سادات اسد و ملك حسین در امر جدا ساختن قوا در جبهات مربوط از در مذاکره پیش آیند گرچه شاید این امر تعبیر دیگری هم داشته باشد به این معنی که عربها به تناسب

بقیه صفحه ۱۷

### عایشیر نوایی

به مطالعه در خود احتیاس نکرد می بایستی برخی از کتب نادر مورد ضرورت خود را جستجو میکرد و می یافت . ناگهان بیاد مولا عبدا لاحد کیمیا گر معروف افتاد که از مدتی باینسو آرزو داشت با یکی از ملاقات کند . بدون تا مل ازجا برخاسته راه (دروازه قبحاق) شهر رادر پیش گرفت .

در گوشه ای از شهر هرات ، روی محلی که آرامگاه یکی از اولیا محسوب میشد و پوشیده با درختان بته خانه ، چنار های عظیم کهنسال و دیگر انواع درختان بود ، نزدیک

گذشته هم از لحاظ تکنیک های حربی و هم از لحاظ قوای نظامی پیشرفت هایی که حاصل کرده اند که این امر در جنگ ماه میزان سال گذشته صریحا بملاحظه رسید مگر با وجود آنهم اگر سیاست نسبتا ملاسیم کار نمی گرفتند تا اسرا ئیل بمذاکره نمی پرداخت بنا اگر اسرا ئیل از حقوق حقه و مسلم اعراب با ارتباط به سر زمین های اشغالی از يك سرور اگر از حقوق مردم فلسطین منبهر اگر تشکیل يك حکومت مستقل از جانب دیگر چشم نپوشد امکان آن موجود خواهد بود که عربها در راه ایجاد مزاحمت بر اسرا ئیل کدام اقدامی نمایند و بلکه هیچوقت عربها نه خواسته اند بر اسرا ئیل مزاحمت خلق کنند و این اسرا ئیل بوده است که داریم به این چنین مزاحمت هادست زده است .

ولی وقتی ملاحظه میشود که اسرا ئیل تشکیل حکومت فلسطینی را محور بهبود تلقی میکند و برای تهدید و ایجاد مشکل بر اعراب هر روز سخن تازه را بنیان میکشد و هیچ روزی نیست که در راه تحقیر قوای نظامی خود قدم نازد نگذار بنا به این نتیجه میرسیم که اسرا ئیل نه صلح میخواهد و نه آرزوی راحت زیستن را با اعراب دارد و این نیست اسرا ئیل مسلما اعراب را و امیدار تا برای مقابله با این عنصر زورگوی و متجاوز تدابیر لازم اتخاذ بکند .

خانه ای مخروبه توقف کرد و دروازه خانه را که روز گاری یکی از نمونه های عالی صفت حکا کی بحسا ب می رفت ، اما اکنون در اثر گذشت آرام و درگرو ن کننده زمان ، نفاست و زیبا یی خویش را باخته بود ، آهسته و بملا یمت کوبیده ، چون هیچگونه صدایی از داخل شنیده نشد باردیگر شدیدادق الباب کرد ، یکی از رهگذران بگوش خود اشاره نموده خنده کنان گفت : (گلمیخ خورد ) است میتوانید بداخل بروید (سلطان مزاد بخاطر آورد که قبلا نیز را جمع به ناشنو ایی گوشهای صا حب خانه چیز هایی شنیده بود ، با خود خندید ، و قلم بداخل گذاشت و در صحن وسیع پر از علفهای وحشی (باقیدارد)

ژوندون



لری. فاسفور دکسیم سره یو ځای اود عصبي دستگاہ اوسلولی هستی په متابولیزم کبسی هم برخه لری. (پتاسیم) دزړه دعضلی په متابولیزم کبسی لازمی ده. نور مواد چه په زړه اندازه د بدن دپاره ضروری دی دای اوسپنه اتلس میلی گرامه، مس ۲۵ میلی گرامه منکنیز دری میلی گرامه فلور یومیلی گرام او کوبالت ډیره لږه اندازه اوسپنه دسرو گلو بولونو په جوړښت کبسی فلور د غاښونو دجنجی خوړلو په مختوی کبسی برخه لری او (کوبالت) د (ویتامین ب-۱۲) مرکزی هسته ده چه دوینو دکموالی ضد ویتا مین دی

**ویتا مینونه -**

ویتا مینونه نه په بدن کبسی جوړیږی او نه کالوری جوړوی او نه د بدن دغړو په جوړښت کبسی په کارېږی. مگر دهغو وجود لازمی ده اود بدن دسلولو کیمیا وی اعمال مساعد گرزی. نن ورځ شل ډوله مصنوعی ډول هم جوړیږی او له دی ویتامینونه پېژندل شویدی او په امله چه په اوبو یاغورو کبسی محلول وی، په دوو ډلو یعنی په اوبو او غورو کبسی محلول به شکل ویشل کیږی- په غورو کبسی د محلولو ویتامینو په جمله کبسی ویتامین (آ) د پوستکی دساتلو اود عفونت په مقابل کبسی دهغه د ټینګ ساتلو ماشومانو دودی دپاره ضروری ده دپاره ضروری ده. ویتامین (آ) د اود سترگو په لیدو کبسی هم برخه لری او لږوالی یی به شپه کبسی د لیدو دنا توانی سبب گرزی. لازمه اندازه یی ۱۵ میلی گرامه ده اودغه ویتامین په غوړیو، لبنیاتو اود کب په غوړیو کبسی شته او په ځینوسبو کبسی، هم د (کاروتن) په شکل شته چه په بدن کبسی په ویتامین (آ) تبدیلېږی.

په غوړوکبسی بل محلول ویتامین (د) ده چه دکب په غوړیو، لبنیاتو او هکیو کبسی شته اوسربیره په دی دلر وړانګه هغه به پوستکی کبسی تولیدوی. دغه ویتامین ددهوکی د پوستوالی په ضد دی اودغه عمل دکلسیم او فاسفور په متابو لیزم کبسی دهغو داغیزی له امله دی. په غوړو کبسی بل محلول ویتامین، ویتا مین (ای) ده ددغه ویتا مین اغیزه که څه هم په انسان کبسی

۱۹ مخ پاتی

# څه شی باید وخورو

پېژندل شوی نه دی مگر په ځینو حیواناتو کبسی دهغه نشتوالی دجنین دلویدو سبب گرخی. دغه ویتامین په غوښو اود غنمو په وږی اوسبو کبسی زیات دی. ویتامین (کا) هم په غوړو کبسی محلول دی او لږوالی یی دوینو دجوړیدو په موده کبسی د اختلال اود وینودتویدو سبب کیږی دغه ویتامین په تازه سبو کبسی زیات پیدا کیږی.

په اوبو کبسی محلول ویتامینونه د (ب) ډله ده چه ویتامین (ب-۱) دقندی موادو په سون او جوړښت کبسی اغیزه ناک دی او لږوالی یی د اعصابو دپرسوب اود زړه دنا توانی سبب گرخی. ویتامین (ب-۲) په سلو لی اکسیدیشن کبسی دخالت لری او شمیری زیات دی اولهغی جملی څخه ویتامین (ب-۶) دی. دغه ویتامین په سبو، میوو او په تیره بیا په مرکباتو کبسی پیدا کیدای شی.

**اوبه -**

په ۲۴ ساعته کبسی د ضرورت وړ اوبو اندازه دری لیتره ده چه نیمه یی دغذا په تیره بیا دموی او سبو په وسیله او پاتی نیماسی د مایعاتو چنبلو له لاری تامین کیږی. باید وویل شی چه دغه انداز د ورځی له خوا دا دار وپه وسیله ۱۴۰۰ سانتی متر مکعبه د پوستکی دتنفس په وسیله اته سوه سانتی متر مکعبه اود سرود تنفس له لاری دری سوه سانتی متر مکعبه اودخولی له لاری دری سوه سانتی متر مکعبه اود مدفوع له لاری ۱۵۰ سانتی متر مکعبه له بدن څخه دفع کیږی.

**غوښی او لبنیات -**

غوښه، کب، هکی، شیدی او له هغی څخه پیدا شوی مواد دحیوانی پروتینو ډیره مهمه منبع ده اواهمیت

او ویلای شو چه لومړنی حیوان دی چه دانسان دغذا په حیث مصرف شویدی. باید په دی پوه شو چه کب ډیر ژر ورسپړی اوله دی امله د پېرودلو په وخت کبسی باید دی ته پاملرنه وشی چه پوره تازه اوروغ وی. تازه کب خوندر بوی اوغوره څیره لری. پوستکی یی ښوینده او خلیدونکی دی. دگوتی پکبسی ایستلو سره دهغی نښه پکبسی پاتی کیږی او سترگی یی زنی اوخلیدونکی دی. باید پوه شو چه دخیگر دویتامین (ب-۲) اندازه دغوښو په نسبت لس چنده اود ویتامین (۱) اندازه یی دغوښی په نسبت دری چنده زیاته ده اود ویتامین (ب-۱۲) له پلسوه ډیره بډایه ده.

**لبنیات -**

شیدی وړ کوونکی حیوانات که غوا، میږه او وزه چه شیدی یی د انسان دتغذیبی دپاره ده، د بیلوژیکی ماشین په عنوان دی چه وابنه په حیاتی موادو اړوی. شیدی دتی له ترشمی مرغیرو څخه پیدا کیږی اود تی کار په دغه برخه کبسی پښتورگو ته ورته دی چه ځینی مواد له وینو څخه اخلی اود دفع کوی یی. دیوه لیتر شیدو ترشح دپاره باید دا څه نا څه پنځه سوه لیتره وینه له تی څخه تیره شی. شیدی د بدن دداخلی مرغیرو تراغیزی لاندی ترشح کوی. نژاد او تغذیبی ډول دکمیست او کیفیت له پلوه په شیدو کبسی اغیزه لری مثلا ددوبی په فصل کبسی چه حیوان له تازه وښو څخه استفاده کوی، دشیدو کیفیت ښه وی اود ویتامین (آ) انداز په پکی زیاته ده.

شیدی اوله هغی څخه پیدا شوی لبنیات له پنیر او مستی د حیوانی پروتین اود بدن دپاره دضرورت وړ امینو اسیدونو ددرلودلو له امله غوښی اوکب ته ورته دی اودغوا هره څلور سوه گرامه شیدی اود میږی هره دوسوه پنځوس گرامه شیدی دشل گرامه غوښی یا کب سره مساوی دی اوله دی کبله چه شیدی ارزانه دی له اقتصادی نظره غوره ده داوسپی اومسو له نظره غوښه دشیدو په نسبت بډایه ده اودغه مواد په شیدو کبسی لږدی. شیدی دکلسیم مهمه منبع ده د بدن ددهو کو او غاښو په جوړولو کبسی ضروری ده.

په دغه برخه کبسی زیاته اغیزه لری اوله اصلاح شوی نژاد څخه پسه زیاته اوبه غوښه ورکوی، له پروتین نه علاوه، غوښه فاسفور، او سپنه مس، اود (ب) ډلی ویتامینو نه هم لری چه دانسان دپاره ضروری ده. دپروتین له پلوه د غوښی اوکب ارزښت یوشان دی مگر دکب د اوسپنی اندازه له غوښی نه لږه ده. ځیگر هم زیات غذایی ارزښت لری اود ضروری ویتا مینونو د درلودلو له امله دانسان دپاره له مهمونایابو غذایی موادو څخه دی اوله همدغه امله لازمه ده چه څه نا څه په هفته کبشی یوځل وخورل شی. ځیگر د ماشومانو او امیندوازو ښځو اوهغو ناروغانو دپاره چه دوینو دکموالی په ناروغی اخته وی، ډیرگټور دی.

د راز راز غوښو غذایی ارزښت یوشان دی اوداچه وایی سره غوښه دسپینی غوښی په نسبت زیاته مغذی ده، علمی ارزښت نه لری. کب هم داخلی غذاګانی په جمله کبسی دی



# ارزشهای جهانی اسلام

واضح و روشن در می یابد که اسلام با رهنمائی های حکیمانه اش انسان را در طریق پیشرفت بسوی استفاده از مظاهر خلقت و از سرهایه های آفریده شده زمین اینگونه رهبری می نماید: (الله الذی سخزلکم البحر... ولتبتغو امن فضله... و سخزلکم مافی السماوات و مافی الارض... ان فی ذالک لآیات لقوم یتفکرون).

یعنی خداوند (ج) بحر را بر سر ای کشتی رانی و استفاده شما مسخر فرموده و این هیولای عظیم سرکش را چنان برای شما تسخیر نمود که آزادانه کشتی را در آن مرانید و از جایی بجائی حرکت میدهید. به تجارت بحری پیر دازید یا جانوران بحری را شکار کنید و یا از عمق آن مروارید و غیره را بدر آورید، اما در حین بهره برداری ازین همه منافع و سودها، منضم حقیقی را از یاد نبرید. حق او را بشناسید و بزبان و دل و قلب و همه جوارح ادای شکر نمائید، خداوند (ج) همه آنچه در آسما نها و زمین است تحت تسخیر شما قرار داده است و همه را جهت استفاده انسان رام و با اطاعت ساخته است طوری که همه برای خدمتگذاری بایشان مصروفیت دارند.

انسان بادرک این حقایق در پهنه کائنات موقف خود را روشن تر می یابد و درک میکند که بحر عا و اقیانوس های خروشان در خدمت انسان و مسخر اوست لکن کشتی و وسایل تردد و حمل و نقل در اقیانوس ها و استفاده از ذخایر و نعمات تحت البحری، از عالم غیب تیار و ساخته بوجود نیامده و او خود بایست این کشتی را بسازد و مانند نوح (ع) دست بکار و وسایل ابزار زندو آنرا آماده حرکت در سطح بحر ها نماید و این راهم درک میکند که آنچه در آسمان هاست برایش تسخیر و قابل استفاده ساخته شده است اما چیزی

# عشق

میان انبوهی از موهای طلای تا ر یک بر فرق وی میخورد او هم چنانیکه سرش را در بغل ب گذاشته بود حرفها یشرا تکرار کرد: بی همتای من من به انتظار بازگشت تو نشسته بودم.

شوهر نازنینم، موجود بی همتای من. ب در حالیکه به موهای خانمش دست میکشید پرسید: این مدت بر تو بسیار سخت گذشت! صدای همسرش راشنید که نجوا کنان میگفت، بی همتای من.

ب به دست کشیدن به موهای زنش ادامه داده سوال کرد: من بسیار پیر شده ام؟ زنش زانو های او را در بغل کشیده به سینه خود فشرد و پاسخ داد:

برای من همان کسی هستی که در آن روز شوم می بایست از تو جدا میشدم.

ب سوالی خود را تکرار کرد. بسیار پیر شده ام؟ همسرش در گوش ب زمزمه کرد: تا وقتی زنده هستم دو سنت خواهم داشت.

ب - مرا دوست داری. عضلات پشت خانم ب میلر زید او بشدت میگر یست. ب دست خود را از روی موهای همسرش برداشته پرسید: با اینهم بمن عادت خواهی کرد.

همسر ب پاسخ داد: من هرگز کسی دیگر را نتوانسته ام دوست داشته باشم. من ترا تا سر حد پرستش دوست دارم.

ب - انتظار مرا داشتی؟ همسر ب در جواب گفت: من همیشه بتو فکر میکردم و با تویکجا بودم هیچ روزی شام نمیشد تا به تو نمی اند یشینم، من مطمئن بودم که یک روزی بر میگردی اگر حدس من حقیقت نمی پیوست و تو بر نمیگشتی، در آنصورت در تنها بی به استقبال مرگ میشتافتم. علاوه در وجود طفلت تو را پیدا کرده بودم.

ب دو باره پرسید، مرا دوست میداری،

همسرش پاسخ داد: غیر از تو هیچ کسی را دوست نداشتم ام. و اگر احیانا تو تغییر هم میکردی باز هم تو را دوست نداشتم.

ب اظهار داشت: من تغییر کرده ام من پیر شده ام. همسر ب در حالیکه اشک می ریخت، زانو های شوهر را به سینه اش می فشرد.

ب مجددا انگشتان دست خود را ب موهای بلوته همسرش فرو برد آرام آرام پسرش دست میکشید همسر ب پرسید: ما می توانیم اولاد بیشتری داشته باشیم.

او پاسخ داد: شاید. اگر من دوست داشته باشی، بر خیز.

زن بر خاسته پرسید: او را صد کنم که بیاید. ب جواب داد: هنوز نمی، میخواهم اولتر یک مقدار باتو تنم باشم.

او هنوز برای من بیگانه است او را در کجا رها کردی. در باغچه منتظرش گذاشتمی.

همسر ب گفت: فوراً پائین رفتن وقتی او شتابان به اتاق برگشت ب در کنار کلکین ایستاده پشتش ب طرف اتاق بود تخته پشتش بازیکر ش به نظر می رسید و یک مقدار تاسف و تپان داشت. ب رویشا برنگرداند و همسرش را برای یک لحظه در چوکات دروازه ایستاده مانده اظهار داشت: به او گفتم که برای پدرش گل بچیند.

آهنک صدای وی از شدت هیجان میلرزید در باغچه یاسمن ها هم باز شده است. او باید یک دسته گل بزرگ برای پدرش جمع کند. ب پرسید: مرا دوست داری همسر ب بسوی شوهرش دوید و با زوان خود را بدور گردن و شانه های شوهرش حلقه کرد و باتسار قوت او را در روی سینه اش فشرد شوهر بی همتای من.

ب از همسرش یکبار رد بگرد پرسید: می توانی خودت را با من عادت بد می؟ همسر ب پاسخ داد: من پس از رفتن تو هیچکسی را دوست نداشتم.



چنین اندازه شده است که اگر آب دوچا دیگر هم به این مخزن بیافتد بر داشت دارد. از این مخزن تمام شهر نو قدیم تاد ور توین مسافه جاده میوند مناطق این طرف و آنطرف دریای کابل آب نوشیدنی میگیرند.

بقیه صفحه ۱۳

## مطابق ۲۵ ساله شهر کابل

متبع دیگر آب نوشیدنی شهر کابل از چشمهای قرغه میباشد. چشمهای قرغه که در زیر بند قرغه واقع میباشد بیست و دو انچ آب می دهند که اگر ما تمام این منابع اولی چاه های عمیق علاوالدین و منبوع این چشمه ها را جمع کنیم در حدود پانزده هزار کوبیک متر آب مابسه شهر کابل توسط نل ها توزیع می کنیم که به این حساب ماسی و پنج هزار کوبیک متر آب کمبود داریم. ضرورت شهر کابل ما: پنجا هزار کوبیک متر در ۲۴ ساعت.

است این آب به مخزن بریکوت وصل شود تا سه هزار کو بیک متر آب دیگر مخزن بریکوت بیفتد به این صورت چون مقدار آب زیاد میشود مردمی که از این مخزن آب میگیرند آب شان زیاد میشود.

ناگفته نماند که از مخزن بریکوت سه هزار کوبیک متر آب تنها و تنها پوهنتون اخذ می نماید که این مقدار آب برای تمام ما یحتاج آنها کفایت میکند یعنی مقدار آب یک چاه عمیق علاو لداین به مصرف پوهنتون و ملحقات آن صرف میشود. بنا را ولی کابل در این بار چندین دفعه با پوهنتون در تماس شده است که:

اگر خود پوهنتون برای خود جاهی حفر کنند و از خود منبع آب آشامیدنی تهیه نمایند تا ما این مصرف را از آن ها قطع نموده و به مردم شهر کابل توزیع می نمایم - بالاخره این پیشنهادات جامعه عمل را گرفته و پوهنتون موفق شد تا چاهی برای خود حفر کنند. چاه حفر شده فعلا در صد نل دوانی چاه به مخزن می باشند که اغلب این مخزن در عقب شفاخانه علی آباد در بالای کوه ساخته خواهد شد. به این ترتیب یک چاه دیگر بمردم فائیده خواهیم کرد.

طرف دیگر شهر که از این مخزن آب نمیگردد مثل کارته پروان و تمام نواحی آن از چشمه های قرغه استفاده میکنند برای ازدیاد آب آن بنا را ولی نیز فعالیت نموده یک نل هشت انچ دیگر از قرغه کش کرده است و یک مخزن آب قرغه علاو افتاده است اما نموده است که این آب در آنجا میافتد. ظرفیت این مخزن یک هزار و دو صد کوبیک متر میباشد. به این مخزن آب قرغه فعلا افتاده است چون نل های توزیعی (شبکه شهری) از این مخزن به شهر پول هنگفتی را ایجاد می نمود بودجه بنا را ولی

آب نوشیدنی خود را میگردند. آب که رکن اول زندگی است در کابل قلت دارد. مراجعین به بناروالی هر روزه زیاده تر شده میروند باید به هر صورت که باشد ما مقدار آب نوشیدنی خود را در شهر کابل زیاد کنیم و الا نه آب پاک و صحتی به مردم نمی رسد و هم خطر مهم امراض و بائی هر سال در کابل تصور بعقیده من بهترین حل این معضله فیصله پروژه آب رسانی افشار می باشد که این پروژه سالها است عاقل مانده - پول قرغه ۲۲ میلیون دالر المان غربی نقدو آماده به این منظور در بانک المان غربی بوده و ریاست شهر سازی و خانه سازی سالهاست که این کار را به تعویق انداخته اند.

پروژه افشار عبارت از کندن ۵ تا ۷ چاه عمیق است که در ساحه افشار (زمین های مقابل سیلو) به کار میافتد و این چاه ها ظرفیت پنج تا ۷ هزار کوبیک متر آب را در یک شب و روز دارد که آب این چاه ها در یک مخزن بزرگ ده هزار کوبیک متر که در بلندی کوه گردنه باغ - بالا ساخته میشود میافتد و به این صورت هم تمام شهر کابل را آب فراوان میدهد و هم ناحیه خیر خانه را آب میدهد اگر این پروژه هر چه زودتر بکار بیافتد علاوه از پوره کردن کمبود سی و پنج هزار متر مکعب که ما برای نفوس شهر کابل فعلا ضرورت داریم چندین هزار متر مکعب آب اضافی دیگر نیز برای ما میدهد که ما آنرا نیز به کوجه ها چهار راهی ها بصورت فواره ها حوض ها و غیره استعمال کرده بتوانیم.

این بود مختصر تشریحات من در باره شبکه آب رسانی شهر کابل و معضلاتی که به آن روبرو هستیم و چاره این معضله های آن نقد بسم خوانندگان مجله ژوندون گردید.

نتوانست این شبکه را خریداری کند. فعلا آب این مخزن رابه یک نل بزرگ کارته پروان وصل نمودیم که هم به آب نل های کارته پروان مقدار آب زیاد شود و هم فشاری آب نل ها تولید کند تا مردمان این منطقه خصوصاً خانه های که در بلندی کوه واقع اند آب گرسفته بتوانند.

در اینجا باید تذکر شود که یک قسمت دیگر شهر از قبیل ده افغانان قلعه هزار ها چنداول و دیگر نواحی همجوار آنجا آب نوشیدنی خود را از مخزن آب گردنه ده افغانان میگیرند. این مخزن آب در عصر امیر حبیب الله خان شسپید ساخته شده بود که آب یغمان در آن می افتاد ظرفیت این مخزن هشت صد کوبیک متر است چون آب یغمان در حصه بند قرغه قطع شده و یکی به شهر کابل نمی آید در این مخزن آب جای عمیق نزدیک پل آرتن میافتد که این چاه ظرفیت (۲۵۰۰) کوبیک متر آب را در ۲۴ ساعت دارد اما این چاه به مصرف مشترک وزارت صحتیه و بنا را ولی تعمیر شده است که یک مقدار آب آن به شفاخانه ابن سینا موسسه اکسریز و شفاخانه صدری و ملحقات شفاخانه ابن سینا بسمه مصرف می رسد تنها در مخزن ده افغانان نصف آن میافتد.

علاو تا در این مخزن آب چشمه قرغه نیز میافتد. به این ترتیب شهر کابل سه مخزن آب دارد که یکی در بریکوت دیگر در کوه باغ بالا و سومی در گردنه ده افغانان می باشد که از این سه مخزن تمام شهر کابل



# ملکه زیبائی

لی لی جوانک سوی لیان ازمالیزیا نمرات بلندی میگرفت . او که متیو- درس هواپیمائی سنکا پور میبا شد قرار معلوم هنگام مسافرت بجزیره هرما نامایور ازدوشیزگان پاتردستی پذیرائی مینمود .

یکی از جذاب ترین شاملان مسابقه امسال الیزابت تنوریو ازگوام بود . او حتی هنگا میکه از کمر شکن ترین بخش های مسابقه خسته هم میشد مگر با آنها از نثار لبخند ملیحش به هیچکس دریغ نمیکرد . اما نیکو لین بروید کس زیبا روی حالتندی چنین نبود . هنگامیکه وی جهت دادن امضایش درانای تمرین به شخصی نزدیک میشد .

گفت: ازین زندگی واین همه دستخط خسته و دلگیر شده ام .

پیرا ستگی در دوشیزه ها نکانگی بنام جوجو چیونک بخوبی بچشم میخورد و سادگی اش چنان بود که فوراً پنجا ما پلیت پچان تایلند یرا در خاطر زنده مینمود .

از همان نخستین آواز دره خیابانی با قضاوت نظر بطول تبصره اخبارو جراید چنان بر میآمد که ماورین آواورا زیبا روی طنناز جزیره اروپا پیشترین

اشتهارا بدست آورده است . ولی هیچیک از کاندیدان-اورا به جا نشین مارچی موران فلیپینی قلمداد نکرده بود . وقتی علت پرسیده شد یکی از کاندیدان گفت دو شیزه ارو با خودش نیست . یگانه چیز بر جسته اش نمای جلواش میباشد )

حتی زنان محافظ هم نتوانستند از بازی انتخاب دوشیزگان مورد نظر خویش خود داری کنند . ولی انتخاب اینان اساساً بر اطلاع شان از شخصیت و کراترزیبایان بنیافته بود . دوشیزه سویدن ، ایوارو میکه بلوند بنام دارلنگ محافظان یاد میشد زیرا هرگز در برابر مقررات و محنت ودیت های موضوعه بر کاندیدان

# عشق

روز و شب به فکر تو بودم . وهم به پسر تو هر روز در باره پدرش قصه میکردم . ب از جایش دور زده ، همسر خود را در آغوش کشیدو با توجه خاص به چهره او دقت کرد در روشنی غروب شامگاهی که از کلکین اتاق به درون می تابید توانست آثار شکستگی و پیری را در صورت همسرش نیز مشاهده کند اما باوصف آنها زیباتر از تصویری جلوه مینمود که ۷ سال تمام در چهار دیوار تنها نشی با آن راز و نیاز کرده بود . چشمها را رویهم گذاشتند و لبهای شان به سراخ همدگر رفت .

ب نفس گرم همسرش را از میان لبهای نیمه باز و دندانهای سپیدی به روی لبهای خود احساس نمود . واز زیر مژه های بلند غلو که روی پوست بی رنگ صورت آرام گرفته بود ، در خشمش مرطوبی داشت . صورت او پاکو بی ریاجلوه مینمود ب بوسه ای از چشمهای زرش بر گرفته ، سپیس ویرا در میان باز و ان خود لختی نگاه داشت .

همسر ب در حالیکه هنوز چشم- هایش را بسته بود ، در گوش ب به نجوا گفت : تو باید پسر تو را هم دوست بداری .

ب پاسخ داد : بلی . من با او عادت خواهم کرد و او را دوست خوارم داشت .

- او فرزند تو است .

ب در جواب گفت : و پسر تو هم هست .

همسر ب به گردن شوهرش آویخته گفت : من ترا شست و شو میدهم .

- بلی . خوبست . ب لبها سپایشرا از تن کشید همسرش آب گرم آماده کرد . صابون و دستمال روی آورد دستمال روی را در ظرف آب گرم فرو برده صابون زد و بدن ب را از سر تا به- صابون کاری کرد و آنگاه در مرتبه آب سطل را تبدیل کردو از نو آب پاک آورد . دستهای ب لرزش داشت اما گرفتگی سیمایش بر طرف شده بود و آهسته از همسرش پرسید : تو بامن عادت خواهی کرد ؟

همسرش پاسخ داد: شوهر می

همتای من .

- امروز شام پیش من می خوابی ؟

همسر ب پاسخ داد: بلی پیش تو می خوابم .

- و او در کجا می خوابد ؟

همسر ب در جواب گفت : برای او به روی زمین جای خواب درست می کنم . او بچه است و خواب عمیق دارد .

- و تو تمام شب راد رکناش خواهی ماند ؟

همسر ب گفت : بلی . نه امشب ، بلکه تمام شبها را تا وقتی زنده هستیم در کنا رتو خواهم ماند .

ختم

## اینست



مسؤل مدیر :

علی محمد «برالی»

معاون روستا باختری

مہتمم ع.م عثمان زاده

دمسؤل مدیر ددفتر تیلفون: ۲۶۸۴۹

دمسؤل مدیر دکور تیلفون: ۲۱۹۶۰

سوچبورڈ ۲۶۸۵۱

دمعاون ددفتر ارتباطی تیلفون ۱۰

دتوزیع او شکایات مدیریت ارتباطی

تیلفون ۵۹

پتہ: انصاری واپ

داستراک بیه

بہ باندنیو هیوادو کبسی ۱۵۲۴

دیوی گنہی بیه ۱۳ افغانی

بہ کابل کبسی ۱۰۰۰ افغانی



# کیو کواساکورا



مجسمه «دختر» از ساخته های کیو کو

هنری پدرش را که در وجود ریزه کاری  
ی دقیق تبلور یافته است ، می توان دید  
ش از طرف دیگر در آن ها می توان احساس نو  
نبرد مند را دید .  
این آواز نشان میدهد که او هنوز سوسی  
نده بهتر گامزن است .

یکی از منتقدان هنری در روز نامه ای خاطر نشان  
بوده بود که : « کار های او در این نمایشگاه  
برو انباشته از طرافت زنانگی بوده و نشان  
دهد که او می خواهد فرانسوی سرحد های  
برای یک تراشی سنتی برود »

تمام بیکر هی او از پروتز ساخته شده اند .  
جایان هنرمندان انگشت شماری اند که با  
وزن که سبب تکنیکی آن خیلی تنگ  
امکانات کار روی آن مشکل است ، دست  
آفرینش هنری بزنند . از طرف دیگر  
زش وقیمت تمام شد این کار ، قابل اندیشه  
ست . برای ترتیب همین نمایشگاه آخری او  
عبور شد بامه نفر بخش کنندگان پروتز  
آزاداد بیندر در حالیکه آنها هم نتوانستند  
بر وقت مواد تهیه نمایند .

از جانب دیگر ، برای زمانی که بخواهند  
میدان رقابت با مردان پیروز گردیدند کار  
شکل و طاقت فرسا نیاز است . او با  
ساخته نمایش پر حور خلی طبیعی دارد .  
بجس فکر کرده نمی توانست که سرانگشتان  
ریف و شکننده این زن روی چنین فلز سخت  
فرسایشگر بنماید . او به صورت کامل  
های زیاده دارد . او می گوید : « زندگی من  
قط در چار چوت پیکر تراشی و مجسمه سازی  
ر بند نمی مانند ، روی همین اساس لحظاتی  
برای آشنیزی ، رفتن به تئاتر و دنبال نمودن  
ندگی عادی اختصاص داده ام »

در حالیکه عهده ای از دوستانش می گویند  
که او هنوز حالت یک شاگرد مکتب را دارد  
ولی در حقیقت ، او یک هنرمند نجیب و کار  
گشته است . او از جمله هنر مندان کاملاً  
تشریفات بوده و بسادگی می توان با او پای  
سخن و گفتگو نشست . هنگامیکه او در سفر  
است صرف نظر از اینکه در کجاست پیوندش  
را با دوستان نمی گسلد ، او می گوید :  
« من به سفر عشق می ورزم . این سفر  
خواه در امریکا باشد یا اروپا ، بهترین  
و سادترین لحظات زندگی ام را در سفر  
می یابم »

فلسفه هنری او چنین خلاصه می نمود :  
« احساس می کنم که بحیثیت یک مجسمه ساز  
آزاد ، سبزی می توانم کار نمایم هر گاه اوقات  
از هنر دور باشم تا وابسته بدان »



بیکره «زن» که در نمایشگاه اخیر آثار کیو کو جلب توجه نمود .

# قرائت پیام رئیس دولت

میوزند تبریک میگویم واز بارگاه خدا و ند  
متعال (ج) برای شان توفیق خد مست  
میخواهم .

روزنامه های مرکز ولایات کشور پیام  
بنامی رئیس دولت و صدر اعظم را که بدین  
مناسبت صادر شده است نشر کرده و پیرامون  
اهمیت حیاتی سواد و مطبوعات در جامعه سرمایه  
عالمین ، تبصره ها و مصاحبه هایی بچاپ  
رسانیده اند .

وزارت اطلاعات و کلتور نیز بمناسبت  
بزرگداشت روز مطبوعات و روز جهانی سواد  
علاوه از آنکه پیام زعمی ملی ما را بصورت  
یک رساله نشر کرده هفت رساله دیگر که  
اهمیت حیاتی وسایل اطلاعات عامه سواد  
ارتباط این دو موضوع حیاتی را ارائه می نماید  
انتشار داده است .

این رساله ها عبارت اند از مطبوعات  
و جمهوری و اثر آن در سواد توسعه سواد ،  
وسایل اطلاعات و سواد مطبوعات و سواد  
آموزی رادیو و سواد آموزی ، سهم مطبعه در  
انکشاف سواد ، سهم وسایل سمعی و بصری  
در سواد آموزی و نقش کتاب و کتابخانه در سواد  
آموزی .

در همین حال اداره ملی مبارزه با بیسوادی  
وزارت اطلاعات و کلتور نیز بمناسبت  
روز بین المللی سواد نشر کرده است .

همچنان رادیو افغانستان با نشر پروگرام  
های خاصی از روز مطبوعات و روز جهانی  
سواد تجلیل بعمل آورد و تمام سینماهای مرکز  
فلمهای مستندی درباره سواد و سواد آموزی  
قبل از آغاز نمایش فلمها بصورت سرفلمی  
نمایش دادند .

های نیروی کار خارج مکتب چنانکه علما و عملا  
مقتضی بنماید تلاش صورت گیرد .

باین اساس دولت جمهوری در او اسط  
سال ۱۳۵۲ اداره ملی مبارزه با بیسوادی  
رادر چوگات وزارت معارف فعال ساختن  
متکی به اساسات علمی و با در نظر داشت تجارب  
حاصله از سایر کشور هاییکه از لحاظ مولف  
مبارزه با بیسوادی با وطن ما وجه مشترک دارند  
عملیات سواد آموزی را بشکل حیاتی و مرحله  
به مرحله با فعالیت های پروژه های منتخبه  
انکشافی بیایزد و متوجها دامنه این مبارزه را  
در سرتاسر مملکت بشکل یک مبارزه ملی  
گسترش دهد .

البته تعمیم سواد در مسیر انکشاف الف  
نظر محدود دانش مردم محض یک قدم نخستین  
است . تامین اهداف مراحل بعدی آنرا همانا  
مطبوعات مابعدیه دارد که از طریق نشرات  
رادیویی ، وسایل سمعی و بصری و انتشار  
مواد مطبوعه مخصوص کم سوادان و تاسیس  
کتابخانه های عامه و شبکه های وسیع  
کتابخانه های سیار برای مناطق روستایی  
در جهت تعمیم اطلاعات عامه و معسولو ما  
اخلاقی و فغید مورد ضرورت انکشاف اجتماعی  
اقتصادی و فرهنگی به موثر ترین شیوه ها  
تلاش ورزد .

در خانمه روز مطبوعات و سواد را برای  
امعای کامل بیسوادی افغانستان عزیز و در  
جهت تعمیم مطبوعات حامل دانش حیاتی بین  
کنله های محروم جامعه یک روز میسون  
شمرده و بامید آنکه همه موسسات دولتی  
و غیر دولتی و كافة طبقات جامعه درین مبارزه  
ملی اشتراک مساعی نمایند این روز مهم رابه  
آنانیکه در راه سواد و مطبوعات مجاهدت

# یک جنایت بزرگ

یک چنین توطئه را از طرف خود جدا  
رد میکرد . چنانچه باحرکات نمایشی  
می خواست اتن از قضات واهل  
خبره را به قبول بی گناهی خود  
متقاعد گرداند اما محکمه حرفهایش  
را باور نکرد .

وقتی زیم بورگر حکم محکمه رادر  
تورو خوشنید ، صدای اعتراضش در  
سرتاسر سالون محکمه که جمعیتی  
بزرگ در آنجا گرد آمده بود ،  
پیچید و با صدای بلند و خشکی اظهار  
داشت : این یک فیصله دور از عقل  
و دیوانگی است .

از حادثه دوستی که زیم بورگر را  
وارث یگانه خود معرفی کرده و  
انتقال هستی و دارایی اش را پس  
از مرگ به او توصیه کرده بود ،  
برای دریافت پول بیمه حیا تقس  
مراجعه کرد از طرف پولیس باز  
داشت شد .

تا روز صدور فیصله محکمه ، زیم  
بورگر در مجادله بود و ادعای طرح



(۱) این موتوری بود که سلوستر سکوتنیک با سرعت ۸۰ کیلو متر فی  
ساعت می راند و قربانی او یوهان بو خمایر که کنار دست راننده نشسته  
حادثه در حصه کوه بر کوه زاپر در بوقوع پیوست .



## در باره اسرار یکه در کف دست شما نهفته است

# کف شناسی بدون کمیشن

کف دست فرو رفته باشد شخص مذکور حتی بکسانی که استعداد قدرت های هم داشته باشد معتقد نیست .

اگر عیناً در وسط کف دست امده یافته باشد شخص مذکور همه چیز را در زندگی خیالی میپندارد .

... اگر با خط زندگی وصل شد باشد در این صورت شخص مذکور دایماً در آرزوها و آمال خویش واقف بین میباشد .

... اگر به قاعده شست صمیمی ختم شده باشد دلالت بر علاقه شخص مذکور به چار جانبش کرده و دایماً متوجه آنست که دیگران در بار آن چه می گویند .

... اگر به سمت بالایی تپه گاه (۷) دیده باشد شخص مذکور کرکرت رو مانتیکی دارد .

### ۲- مزاج ، طبیعت و صحت :

لازمست تا خط زندگی و تپه گاه های از (۲) الی (۷) را بدقت تما ملاحظه کرده اگر خط زندگی :

... طویل و واضح معلوم شود شخص مذکور را دارای روحیات و قوه بسیار عالی خواهیم یافت .

... طویل و باریک ، شخص اندک رنج و حساس را بما معرفی میکند اگر عمل وی بصورت عادی ادا نمیشود پیدا میکند در آن صورت ممکن است حوادث غیر مترقبه ای در زندگی وی بار آید .

طویل باشد بهمان اندازه بلند همتی و جاه طلبی را نشان داده و اشخاصیکه درین ردیف قرار دارند خود را به حل بزرگترین سوالات و مشکلات زندگی قادر میدانند .

دوم - اینک به تشریح جزئیات کف دست میپردازیم ، برسم این صفحه بدقت تمام توجه کرده خطوط اساسی را در آن خواهیم دید که

خطوط زندگی ، قسمت و تقدیر ، عقل ، قلب ، موفقیت و خط آمیزش را نشان میدهد و باو عداد از ۱-۷ تپه گاه های کف دست نشانی شده اند که

برای شناسایی کف دست خیلی مهم بشمار میروند . بعد از آنکه به خطوط کف دست در رسم های مذکور آشنا شدیم سپس نظر به پنج توضیح ذیل میتوان با سرازیری که در کف دست شما نهفته است پی برد .

### ۱- کرکرت و رابطه با زندگی

درین مبحث مهمترین خط عبارت از خط تقدیر و قسمت میباشد چنانچه ... اگر خط مذکور مستقیماً به طرف عمق کف دست امتداد داشته باشد دلالت بر آگاهی و یک مسولیت علمی شخص میکند .

... در صورتیکه از چند جا قطع شده و غیر متناسب واقع شده باشد شخص مذکور کرکرت زولیده غیر مصمم داشته و دایماً تغییر عقیده کرده و نظر به استواری ندارد . اگر ... خط مذکور عمیقاً و واضح در

بذکر چند نمونه آن برای آنها یکه به کفشنا سی علاقه خاصی دارند مینگاریم .

اول - بایست به کف دست و ساختمان انگشتان خود بدقت تمام نظر انداخت زیرا جهت پیشگویی رول مهمی را بازی می کنند .

اگر دست شکلی گوشه داری داشته باشد دلایلی بر روحیه نیرومند و چنین انرجی قوی شخص میکند و چنین اشخاص به آسانی بکسی موقع نمی دهد تاوی را تحت نفوذ خود آورد اگر دست شکل بیضوی داشته باشد شخص مذکور بسیار اندک رنج و تند خوی بوده ، که معمولاً خود را بیک قوه محرکه آنی قابل تأییری رهنمائی میکند .

دست نو کدا ریا کناره ای بسا شخصی کم جرت و غیر مصمم را معرفی میکند چنین اشخاص از موفقیت خیلی بعید واقع شده اند .

دستیکه انگشتا نش فوق العاده انکشاف کرده باشد نمایندگی از قوه و توانایی بیشتر وی میکند و تمایلش را بدیگران خوبتر نشان داده و بکمال میل دیگرانرا بخود جلب میکند .

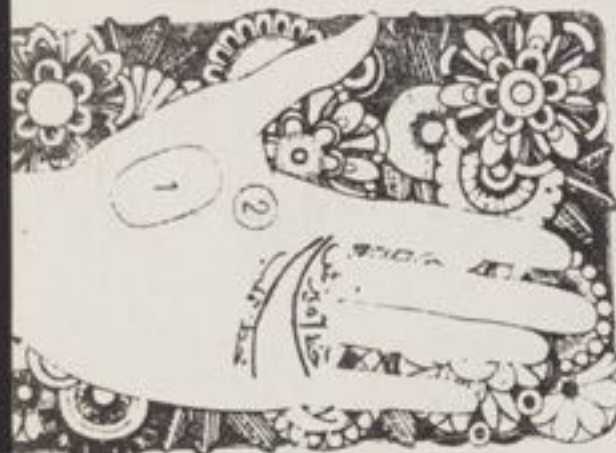
اگر انگشت صمیمی و انگشت بین شست طویل و انگشت گو چک نسبت به انگشت شپارت طویلتر باشد از طبیعت شخصیکه بیشتر به عشق تمایل دارد حکایه میکند . به هر اندازه یکه انگشت کوچک

کفشنا سی مانند سایر علوم واکتشافات از خود تاریخی داشته از زمانه های خیلی قدیم در میان یونانیها و مصریهای قدیم رایج بود شاهان و حکمرانان و حتی مردمان عادی در آن اوقاتیکه هنوز دیگر علوم مخصوصاً علوم روانشنا سی انکشاف نکرده بود به آن اهمیت واعتقاد زیادی قایل بودند و تمام امور اجتماعی خود را بشنوره کف شناسان پیش میبردند و تا امروز که جوامع بشری انکشاف نموده و علوم پیشمازی به پیمانانه تکامل خود رسیده هنوز هم از طرف یکمده اشخاص مخصوصاً صا زنان و مردان تطبیق میگردد . این چنین اشخاص در کشور های اروپایی نیز اکثراً باین شغل می پردازند و توسط قطعه بازی یا از روی خطوط علامات کف دست آینده شخصی را پیشگویی کرده یک عده زنان و اشخاص را که باوشان معتقد اند در خود جمع کرده و از آن امر از حیات میورزند درین مقاله خصوصیات شخصی را توسط کف شناسی از قول کف شناسی بولندی بتفصیل ذکر میکنم که بیشتر جهت سرگرمی و تفریح شما است اگر راست بود و بهتر و اگر مفاد آن با خلق و خود شما منطبق نبود مشوش و دلسرد میباشد .

آیا کف دست آینه کرکرت ، پرمیز گاری و تقوی ، خطا و شمتبها ، تمایل و آرزو است . بعضی بایین عقیده کاملی دارند و بان اهمیت سنگینی را قایل اند . با این هم







... از چند جاه قطع شده باشد شخص مذکور به عشق وفادار نبوده دایما وصل قلبی خود را تغییر میدهد .. پیایه انگشت شهادت رسیده باشد شخص مذکور زرزری بوده و در عشق تائید و ابراهم برای ارزش قیمت خود جستجو میکند .

... بقاعده انگشت وسطی رسیده باشد شخص مذکور در موضوعات عشقی خیلی خیره سر بوده هیچگاه نمیتواند شخصی را که باو (عشق) و محبت دارد به تصرف خود بیاورد. ... بشکل زنجیری قرار گرفته باشد دلالت بر ارجحیت شخصی مذکور کرده و دایما بر عشق غلبه حاصل میکند .

**اگر خط آمیزش :**

... بسیار واضح باشد در آن صورت دلالت بر جاذبه و کشش شخص مذکور نموده همه را بخود جلب می کند .

... قطع و بریده بریده باشد دلالت بر بی پایداری شخص در عشق می کند .

**اگر تپه گک های ...**

... نمره (۱) برجسته باشد شخص مذکور در عشق بسیار فعال است. ... نمره (۲) بسیار برجسته باشد شخص مذکور عشق را از روی عقل و فراصت خود قدم بقدم تعقیب و پیش میبرد .

**۵- علام خصوصی :**

... اگر خطوط در سطح کف دست واضح و شکل حرف (ام انگلیسی) را داده باشد شخص مذکور به شهرت ظاهری عشق اهمیت را قایل نشده بلکه عشق و حیات فامیلی برای وی نسبت به موفقیت در شغل و وظیفه اهمیت بیشتری را دارا است .

... اگر خط زندگی جوهره و موازی

با افکار زنده داریم لایسق و لسی لیاقتش پوشیده است .

... کوتاه و کج بطرف کودال کف دست در شخص مذکور کسر مهارت و استادی دیده میشود . اگر خط مو فقیهت ...

... شدیدتر سیم شده و طولی باشد در آن صورت کسی وی را سوی کامیابی و موفقیت سوق داده. و حتی زبانی موجب شهرت وی میگردد ... جوهره و یا از چندین خطوط باریک تشکیل شدن با شد ستاره مو فقیهت در امور مختلفه زندگی از چار جانب بسوی چشمک خواهدزد .

... کوتاه و خط عقل را قطع نکرده باشد و یا اینکه نزدیک بخط عقل ختم جهت بدست آوردن موفقیت چانس شده باشد شخص مذکور در زندگی زیادی دارد ولی خودش به آن تجربه نداشته پشت کار و از خود گذری لازم دارد .

**۴- عشق و مواضع عشقی :**

در این مبحث خط قلب، خط آمیزش و تپه گک های (۱) و (۲) در مورد شخص تصمیم گرفته و جواب میدهند.

**اگر خط قلب ...**

... عمیق و واضح ترسیم شده باشد دلالت بر تند مزاجی و شهوانی شخص مذکور میکند .

... درشت و واضح نباشد لاکن طولی در آن صورت شخص مذکور ظریف و زیرک و در عین زمان اندک رنج بوده از شیفتگی قلبی دایما در هراس میباشد .

... بمشکل خوانده شده و یا اینکه قطعاً وجود نداشته باشد شخصی مذکور در مقابل عشق خشک «کوره» بوده نمیتواند که عشق حقیقی، پاک و بی آرایش را درک کرده نمیتواند و همه موضوعات عشقی نزدش به صورت بسار عادی جلوه می کند

... طولی و در انتها بدو حصه تقسیم شده باشد در آن صورت شخص مذکور از همت خود هراس نداشته بیشتر تنوع طلب است .

... کوتاه و بکلی واضح باشد شخص را معرفی میکند حامل و کنجکاو و در عین زمان آسانگیر و بی بند و بار. ... کوتاه و آنقدر واضح دیده نشود موصوف بقوه خود اتکا کرده و حیات متوسط دارد .

اگر بر جستگی تپه گک خوب واضح و بلند تر آمده باشد در آن صورت تپه گک نمره (۲) شخص را بما معرفی میکند که دارای شهوت بلند بر خود غالب .

تپه گک نمره (۳) دلالت بر اعتبار بخود شخص نموده و او میتواند خواسته ها و میل خود را بوجه حسن رهنمائی کند .

تپه گک نمره (۴) شخص مذکور فوق العاده بانگ و غیرت بقوه و قدرت خود حاکم است .

تپه گک نمره (۵) دارای استعداد اریستیک بو دی ملایم و محجوب میباشد .

تپه گک نمر (۶) با ارزش ترین خصایص چنین اشخاص شعور و افکار منطقی شان میباشد .

تپه گک نمر (۷) آدم بظاهر خون سرد ، اما روما نیک بوده و روحیه نا قرار دارد .

**۳- ذکاوت و موفقیت های حیاتی :**

در این جابه خطوطه محفل و موفقیت مراجعه میکنم .

اگر خط عقل مستقیماً ادامه پیدا کرده و عمیق باشد منظور از شخصیت بسیار خواه گپرو بحرانی وی دایما منطق فکر کرده و خیلی ذکی میباشد .

... واضح بطرف بند دست تاب خورده باشد در نزد خود شخص را





# مود و فیشن





**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**